

UNIVERSAL
LIBRARY

OU_228340

UNIVERSAL
LIBRARY

هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ هُدًى مِّنَ اللَّهِ لِقَوْمٍ
 يَعْلَمُونَ

پارہ (۳۶) سورہ آل عمران
 این واضح کردن است برای مردمان در راه نمودن و پسند دادن برای پرہیزگاران



ہر کہ بے سند نامہ ام از ابتدا تا انتہا پڑ من بدل اور اعلا ممد و بود خواجہ

دَرْ مِزْنَ سَکَرِ الْوَاقِعِ بِالْجَنَابِ الْبَاقِ

فہرست مضامین کتاب الجواب عزیز الاخلاق فی نصح الخلق

خلاصہ مضمون	صفحہ	خلاصہ مضمون	صفحہ	خلاصہ مضمون	صفحہ
حمد خدا تعالیٰ	۲	فضیلت و برتری پیغمبر خدا ﷺ	۱۱	مذمت خودی و خود آرائی	۲۳
نعت مصطفیٰ صلی اللہ علیہ وسلم	۳	مانعت از شرک و بدعت	۱۱	مکان مارون رشید	۲۳
سبب تالیف کتاب ہذا	۴	بیان ایمان	۱۲	و بیان پہلول دانا	۲۳
اسما گرامی معزز خدیوان کتابا	۵	و کلمہ طیبہ اومت نما	۱۴	ایصال ثواب ہر چہ پیغمبر ﷺ	۲۳
شناختن خدا فرض است	۶	نحمدہ حرف کلا بشل مقروض	۱۵	با خبر داد حق است	۲۵
آیات قرآنی بر توحید سبحانی	۷	امر معروف نہی نکر فرض است	۱۵	کید شیطان ز محبوب سبحان	۲۶
نامہ رسالت مآب ﷺ	۸	بیان ذکر خیر دان و فضیلت آن	۱۵	متفرق مسائل	۲۶
بسوئے پادشاہ مصر	۸	مذمت کبر و نخوت	۱۵	ارشاد مولا علی با پیودی	۲۸
ثبوت مقدمہ بدگواہ میشود	۹	تخویف از موت و تحریر	۱۵	مذمت دروغ و جوارا	۲۸
ثبوت توحید خداوندی بہ کلک	۹	بر عمل قبل فوت	۱۶	در بعضی مواضع	۲۹
و چندین ہزار پیغمبر مکی و نجاشی	۱۰	شکایت فریاد زبانی آدم	۲۱	سیاحت فرمودن	۲۹
اسمائے خدا متعالی و قیفا	۱۱	مذمت حرص و طمع	۲۱	سلطان لاویلا و توبہ نمود	۲۹
بیان انبیاء کرام علیہم السلام	۱۱	فضیلت فقر و فقرا	۲۲	دزدان بردست والا	۳۰

۸۶	ایغریز در هر کار بسم الله بگو	۶۶	و هر کار عهده بدست است کن	۶۶	و طعام را تنها مخور
۸۷	ایغریز نضای متفرق شنو	۶۷	در پوشیدن کفش	۶۷	و طعام را انتظار بدو
۸۸	بدانکه نیکی با بدان باید	۶۸	و چون سته کس	۶۸	و طعام را بسیار گرم مخور
۸۹	ایغریز قطع	۶۹	و استاده استنجاکن	۶۹	و آب را در سته نفس خور
۹۰	ایغریز گفتمه میشود که	۷۰	و هرگاه از خانه	۷۰	و همیشه طعام لذیذ مخور
۹۱	ایغریز این حکایت	۷۱	و در سوراخ بول مکن	۷۱	و همیشه گوشت مخور
۹۲	ایغریز اگر قدر عقل است	۷۲	ایغریز از رسومات به پرهیز	۷۲	و جامه نازک میپوش
۹۳	ایغریز اینچه کلمه که	۷۳	ایغریز هر که زر ندارد	۷۳	ایغریز اول روز و آخر روز
۹۴	مناجات برگاه قاضی الحاجات	۷۴	ایغریز نو چشم آدمی	۷۴	و اول شب بخواب مرد
۹۵	نقل نامه عالم زمانه و فاضل یگانه	۷۵	ایغریز یاد گیر که	۷۵	و قیلو له بکن
۹۶	ایغریز جدول خبثی	۷۶	ایغریز نضای شنائی	۷۶	و رو بقبله متع
۹۷	تخته دریافت فاصله اضلاع	۷۷	ایغریز نضای ثلاثی	۷۷	و پا بجانب قبله مکن
۹۸	خامنه کتاب	۷۸	ایغریز نضای رباعی	۷۸	و شب برهنه محسب
۹۹	التماس قیمت کتاب	۷۹	ایغریز بیان علم لدنی شبو	۷۹	و لباس مردان زمان را
۱۰۰	سمت بخیر	۸۰	چه خوش گفته در سفته	۸۰	و عکس احرام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
هَذَا كِتَابٌ هَدَى بِهِ رَسُولُ اللَّهِ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
دَارُ الْإِسْلَامِ فِي قَرْيَةِ بَيْتِ الْمَدِينَةِ

همه محتاج وی اند و او محتاج دیگر نیست **لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ**

مست مانند او چیز نیست و او است شنوایا
و او است بر انگیزنده مرد و از قبور بر و زشور - **مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ**

از زمین آنستیم شما را و در زمین باز در آوریم شما را

وَمِنْهَا نَخْرِجُكُمْ كُنَّا تَارَةً أُخْرَى و او است روزی و بنده مخلوقات - **الرَّحْمَنُ فَابْتَئُوا**

و از زمین بیرون کشیم شما را - بار دیگر -

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا **حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ**

دست هیچ بنده و روزی - مگر بر خدا است روزی او - خدا امار کافی است و بهتر
الْوَكِيلُ و کفی بالله و کماله **فَفِي كُلِّ شَيْءٍ لَهُ آيَةٌ** **وَ تَدُلُّ عَلَى**

کار ساز - و خدا کار ساز بس است پس در هر چیز برای او نشانی است که دلالت کند

أَنَّهُ وَاحِدٌ و در و دینا معد و بر آن فرستاده که **لَوْلَا كَلِمَاتُ الْأَفَلَاكِ**
بر آنکه او یکتا است اگر نبودی ای حبیب من پیدائی کردم آسمانها را

در شان او است و بر آل او که طیبین و طاهرین اند - **إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ**

پاکیزه پاک جز این نیست که بخواهد خداوند پاک کند
عَنْكُمْ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا - **مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي**

از شما پیدی را اهل بیت - و تا پاک کند شما را پاک کردنی مثل اهل بیت من
فِيكُمْ مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ **مَنْ رَكِبَهَا نَجَّى وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا هَلَكَ**

در شما مثل کشتی نوح هر که سوار شد بر نجات یافت و کسی که تخلف از آن نمود هلاک شد
و بر یاران او که **رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ** **أَصْحَابُ الْيَمِينِ**

راضی شد خدا از ایشان راضی شدند ایشان از او - اصحاب من همچو ستارگان اند

فَبِأَيِّمٍ اقْتَدَيْتُمْ **إِهْتَدَيْتُمْ** **وَ رَمَقْتِ** **أَنبَاءُ** **وَ أَقْبَعُ** **شَدَّ**

بمسره که از ایشان اقتدا کنید راه یابید

سوره بقره (۲۵)

سوره بقره (۱۴)

سوره بقره (۱۲)

سوره بقره (۴)

سوره بقره (۵)

سوره بقره (۱۳)

سوره بقره (۱۱)

سوره بقره (۱۰)

سوره بقره (۹)

سوره بقره (۸)

اتابعد این رساله ایست مستزاد تفصیل و تکمیل بر نصیاح عزیزی منطبقه

و نه دیحجۃ المجرى که کمترین بی بضاعت و قلیل الاستطاعت بنده چهره

مُعَرَّاز شعور و تمیز محمد عبد العزیز عفا الله عنه و احسن الله احواله و عاقبت

آمین - حسب حوصله خود برای تدریس فرزندان خویش احمد عبد الله

و محمد عبد الرحمن سلمها المنان تالیف و طبع نموده تا بخوبی

افاده خویش مقبول عام گشته و مطلوب انام بوده است قبل از انطباع آن ختم

که احدی از کتب فروشان ایندیار - و یا مالک مطابع دیگر امصار بصرف ذاتی

طبع نماید و متمتع گردد - تا لیک رساله نزد آنها فرستادم مغتنی به نشد و
پروا گرفته شده بآن -

نه کسی از خواهشمندان بحشم افتاده که بر غبت دلی خود متحمل بار طبع شود - و به

اشاقش مصداق هم خسر ما و هم ثواب گردد - ناچار خود متوکلًا علی الله

از صرف زر ذاتی صرف نظر نموده متعدد نسخه جات طبع و بخدمات امر

مقرر متعارف بلا و امصار تحتہ ابلاغ و اشتم منت خدای را غر و جل کہ آن سال
منظور اہل بصر و مقبول از باب خبر ششم (اما آنکہ اکثری تبریکات نامحبات تعریفیہ
و شکر یہ و بعضی بار سال قاریط و تواریخ متعددہ راقم الاثم را خیلے ممنون مسر
ساختند۔ اما اندراج آن غیر ضروری دانستم) و بعض اجاب معززین
متعد نسخہ جات با شتر اہمیت مقررہ اصلی باطفال و طلباء مدارس جداگانہ نہ نادا
و عیدم الاستطاعت بود تقسیم کردند۔ و چون دیدم کہ بذریعہ پوست انگریزی و آصفی با
درخواستہائے رفہین علی التوالی بطلب نسخہ جات بنام میر سدا جرم بکرات و مرآت
طبع کنانیدم۔ و مَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللّٰهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ
و نیست توفیق من مگر بفضل خدا بر دے توکل کردم و بسوی او رجوع میکنم

۹۱
شمارہ دوم (۱۳۰۵)

حکیم محمد ضیاء اللہ صاحب	حاجی صفدر حسین صاحب	مولوی اکرم الدین خان صاحب	عبد القادر صاحب طاہر
تحصیلدار سلطان آباد	مہتمم تعمیرات گلبرگہ	اول قسطنطنیہ	دوم قسطنطنیہ
محمد ہدایت علی صاحب	مرزا غلام مصطفیٰ بیگ صاحب	مولوی امیر محمد خان صاحب	محمد عبد القادر صاحب چیدہ
مرزا محمد افواج سرکار مالے	ناظم نظم جمعیت سرکار مالے	صدر قسطنطنیہ	تحصیلدار پایچا
نواب رحمن یار جنگ بہادر	سید حسن علی صاحب طلسمی	مرزا اکرام علی صاحب	میر تنہا علی صاحب
ناظم دفتر ملکی سرکار مالے	صدر قسطنطنیہ	میرزا محمد علی صاحب	مہتمم کو توالی اور جنگ آباد

آتابعد این رساله ایست مستزاد تفصیل و تکمیل بر نصیاح عزیزیه منبسطه

و نه یحیی علیه السلام هجری که کمترین بی بضاعت و قلیل الاستطاعت بنده چهره

مُعرا از شعور و تمیز محمد عبد العزیز عفا الله عنه و احسن الله احواله و عاقبت

این - حسب حوصله خود برای تدریس فرزندان خویش احمد عبد الله

و محمد عبد الرحمن سلمها المنان تالیف و طبع نموده تا بخوبی

افاده خویش مقبول عام گشته و مطلوب اناام بوده است قبل از انطباع آن ختم

که احدی از کتب فروشان ایندیار - و یا مالک مطابع دیگر امصار بصرف ذاتی

طبع نماید و متمتع گردد - تا لیک رساله نزد آنها فوت شود مغتنی به نشود

پروا گرفته شده بآن -

نه کسی از خواهرشندان بحشیم افتاده که بر غبت دلی خود متحمل بار طبع شود - و به

اشا عتش مصداق بهم خسر ما و هم ثواب گردد - ناچار خود متوکلأ علی الله

از صرف زر ذاتی صرف نظر نموده متعدد نسخه جات طبع و بخدمات امر

مقرر متعارف بلاد و امصار تحت ابلغ داشتیم منت خدای را عزوجل که این سال
 منظور اہل بصر و مقبول از باب خبر ششم (تا آنکہ اکثری تبریل نامجات تعریفیہ
 و شکر یہ و بعضی بار سال تقارین و تواریخ متعددہ را رقم الاثم را خیلے ممنون مسر
 ساختند۔ اما اندراج آن غیر ضروری دانستم) و بعض اجاب معززین
 متعدد نسخہ جات با شتر اربعیت مقررہ صلی باطفال و طلباء مدارس جداگانہ کہ ناوا
 و عیدم الاستطاعت بود و تقسیم کردند۔ و چون دیدم کہ بذریعہ پوست انگریزی و آہنی بسا
 در خواستہائے رہین علی التوالی بطلب نسخہ جات بنامم میرسند لاجرم کلمات و مرث
 طبع کنانیدم۔ **وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ**
 و نیست توفیق من مگر بفضل خدا برے توکل کردم و بسوی او رجوع میکنم

۹۱
 سورہ (مجادلہ)
 (۱۳)

حکیم محمد ضیاء اللہ صاحب	عاجی صفدر حسین صاحب	مولوی اکرم الدین خان صاحب	عبد القادر صاحب طاہر
تحصیلدار سلطان آباد	مہتمم تعمیرات گلبرگہ	اول قسطنطنیہ پربہنی	دوم قسطنطنیہ اربہونگیر
محمد ہدایت علی صاحب	مرزا غلام مصطفیٰ بیگ صاحب	مولوی امیر محمد خان صاحب	محمد عبد القادر صاحب چیدہ
مدکار مستحق افواج سرکار عالی	ناظم نظم جمعیت سرکار عالی	صدر قسطنطنیہ پربہنی	تحصیلدار پانچگاہ
نواب رحمن یار جنگ بباد	سید حسن علی صاحب طلسمی	مرزا اکرام علی صاحب	میر تہنیت علی صاحب
ناظم دفتر علی سرکار عالی	صدر قسطنطنیہ پربہنی	مہتمم کوہالی اور جنگ آباد	

زبانی ندارم که از عهده منت و شکر خدا تعالی بدرایم. هر که آن رساله را دید بل پسندید

بلکه همچو کاغذ زیر میبرد. احسان خالق المنان که از هند و مسلمان و از پیر تا جوان بچشم و

برین نگاه می اندازد. و بر غمت دل خریدارش میشود. لهذا حسب فرمایش

بعض اجاب مودت انتاب بر مطالب مولف اولی نظر ثانی کردم و در تقدیم و تاخیرش

فکر بجا بردم. و دیگر چند نصیاح ضروری را استراذ کردم و بلحاظ سنه

(غزیر الاخلاق فی نصیاح الآفاق) نام نهادم. و نیز نامه مبارک رسول مقبول
۱۹ ۳۱۴

علیه و علی آله الصلوٰة والسلام که مبنی بر دعوت اسلام و توحید رب نام است

و بنام پادشاه مصر صادر گشته مع ترجمه اش تبرکاً شریک بدانمودم. تا بخوانند

و عمل نمایند. بمقتضای بشریت و فحوائی الانسان مرکب من الخطاء والنسیان

انسان مرکب است از خطا و فراموشی

اگر غلطی درین مجموعه بینید التماس اصلاح میدارم و بس. والله الموفق بالخیر

و هنده توفیق خیر خدا تعالی است

الغیر اسعدك الله تعالى في الآرين بدانکه بر بنده عمل
در هر دو جهان خدا تعالی ترا سعادت مند کند.

زبانی ندارم که از عهده منت و شکر خدا تعالی بدرایم - هر که آن رساله را دید بل پسندید

بلکه همچو کاغذ زیر میبرد - احسان خالق المنان که از هند و ماسلمان و از پیر تا جوان بچشم و

برین نگاہی اندازد - و بر غمت دل خریدارش میشود - لهذا حسب فرمایش

بعض اجاب مودت انتساب بر مطالب مولفه اولی نظر ثانی کردم و در تقدیم و تاخیر

فکر بجا بروم - و دیگر چند نصیاح ضروری را استراذ کردم و ملحوظات

(غزیر الاخلاق فی نصیاح الآفاق) نام نهادم - و نیز نامه مبارک رسول مقبول
۱۹

علیه و علی آله الصلوٰۃ والسلام که مبنی بر دعوت اسلام و توحید رب نام است

و بنام پادشاه مصر صادر گشته مع ترجمه اش تبرکاً شریک بدانم - تا بخوانند

و عمل نمایند - بمقتضای بشریت و فحوائص الانسان مرکب من الخطاء والنسیان

انسان مرکب است از خطا و فراموشی

اگر غلطی درین مجموعه بینید التماس اصلاح میدارم پس - والله الموفق بالخیر

و هنده توفیق خیر خدا تعالی است

الغیر اسعدک الله تعالی فی الدارین بدانکه بر بنده عمل
در هر دو جهان خدا تعالی ترا سعادت مند کند -

عبدالله بن محمد
مؤلف

و بالغ فرض است شناختن خدا و غرض جل - بعد دانستن احکام و ارکان مسکنه

الغیر بر توحید خالق دنیا و مافیها ثابت قدم باش که خدایتعالی

نی بخشد آنرا که شرک کند بدو - و می بخشد سواي این هر آنرا که خواهد - وَاللَّهُ كَوَالَهُ

وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ - اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ

یگانه است - نیست هیچ معبود بخیر و بختاییده مهربان - خدا نیست هیچ معبود مگر زنده تدبیر عالم کننده است
إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ

بهر کسی که خدای آمرز داورا که شرک مقرر کرده شود - و می آمرزد غیر آن هر که بخواهد - و هر که شرک
بِاللَّهِ فَقَدْ أَفْرَىٰ أَنَا عَظِيمًا - إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ - فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا

خدا مقرر کنند هر آینه افرا که دامت گناه بزرگ - جز این نیست که خدا معبود یگانه است - پس مخوان با خدا معبود
أَخْرَجَكُونَ مِنَ الْمُعَذِّبِينَ وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ هَؤُلَاءِ تَدْعُ مَعَ اللَّهِ

دیگر را آنگاه باشی از عذاب کردگان - و بیم کن خویشان نزدیک ترین خود را -
إِلَٰهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ - سُبْحَنَ اللَّهِ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ - وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ

معبود دیگر را نیست هیچ معبود بخیر و غیرو - بای خدا راست بلند تر است از آنکه شرک می آرند - و اوست خدا نیست هیچ معبود
إِلَّا هُوَ لَهُ الْكُفْدُ فِي الْأُولَىٰ وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ هَؤُلَاءِ

بخیر و غیرو او است تایش در دنیا و آخرت و او راست فرمانبردار و بسوی او باز گردانیده شود -
لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ هَؤُلَاءِ اللَّهُ كَوَالَهُ رَبُّ السَّمَوَاتِ

شرک مقرر کن با خدا هر آینه شرک ستمی است بزرگ - هر آینه معبود شما یکی است - او پروردگار آسمانها
وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارِقِ هَؤُلَاءِ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا

وزمین است - و آنچه در میان نیماست و او پروردگار مشرقها - پروردگار آسمانها و زمین و آنچه

عبارت شده است
منوره (۱)
سوره (۲)
سوره (۳)
سوره (۴)
سوره (۵)
سوره (۶)
سوره (۷)
سوره (۸)
سوره (۹)
سوره (۱۰)
سوره (۱۱)
سوره (۱۲)
سوره (۱۳)
سوره (۱۴)
سوره (۱۵)
سوره (۱۶)
سوره (۱۷)
سوره (۱۸)
سوره (۱۹)
سوره (۲۰)
سوره (۲۱)
سوره (۲۲)
سوره (۲۳)
سوره (۲۴)
سوره (۲۵)
سوره (۲۶)
سوره (۲۷)
سوره (۲۸)
سوره (۲۹)
سوره (۳۰)
سوره (۳۱)
سوره (۳۲)
سوره (۳۳)
سوره (۳۴)
سوره (۳۵)
سوره (۳۶)
سوره (۳۷)
سوره (۳۸)
سوره (۳۹)
سوره (۴۰)
سوره (۴۱)
سوره (۴۲)
سوره (۴۳)
سوره (۴۴)
سوره (۴۵)
سوره (۴۶)
سوره (۴۷)
سوره (۴۸)
سوره (۴۹)
سوره (۵۰)
سوره (۵۱)
سوره (۵۲)
سوره (۵۳)
سوره (۵۴)
سوره (۵۵)
سوره (۵۶)
سوره (۵۷)
سوره (۵۸)
سوره (۵۹)
سوره (۶۰)
سوره (۶۱)
سوره (۶۲)
سوره (۶۳)
سوره (۶۴)
سوره (۶۵)
سوره (۶۶)
سوره (۶۷)
سوره (۶۸)
سوره (۶۹)
سوره (۷۰)
سوره (۷۱)
سوره (۷۲)
سوره (۷۳)
سوره (۷۴)
سوره (۷۵)
سوره (۷۶)
سوره (۷۷)
سوره (۷۸)
سوره (۷۹)
سوره (۸۰)
سوره (۸۱)
سوره (۸۲)
سوره (۸۳)
سوره (۸۴)
سوره (۸۵)
سوره (۸۶)
سوره (۸۷)
سوره (۸۸)
سوره (۸۹)
سوره (۹۰)
سوره (۹۱)
سوره (۹۲)
سوره (۹۳)
سوره (۹۴)
سوره (۹۵)
سوره (۹۶)
سوره (۹۷)
سوره (۹۸)
سوره (۹۹)
سوره (۱۰۰)

بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ ۝ وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌ ۝

میان اینهاست غالب امرزگار - و دوست آنکه در آسمان فرمان دات و در زمین فرمان روا
وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا
و دوست با حکمت و دانایی پروردگار مشرق و مغرب است نیست هیچ معبود مگر او - پس کار گیر او را
و در عبادتش کسی را شریک مگردان و لا یشرک فی عبادتہ سرّیه احدًا
و شریک نیارود عبادت پروردگار خوین نمگیر -

العزیز

این نامه ایست که برسم دعوت الی الهدایت از جانب

ختمی مآب خلاصه موجودات علیه و آله فضل تسلیمات و التیمات مبرم

بسوی پادشاه مصر سی مبقوس هفت سال از هجرت گذشته بهجا

حاطب بن ابی بلتع و عمر بن سلمه مرسل بود - در سفر قوم قبطیان - در بعض

از نواحی مصر انس از نزد رهبان قبطی بلده اجم که از بلاد ارض مصر است

در سال هجری نبوی بعهد حکمرانی عبدالحمید خان سلطان عثمانی یافت و

همدست شد - و گفت این را و دیعت نمایند در اشیا ئیکه از آثار نبوی است

ترجمه نقل خط کوفی

سوره زمره (۳۹)
سوره زمره (۴۰)
سوره زمره (۴۱)
سوره زمره (۴۲)
سوره زمره (۴۳)

(سطر اول) بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَبِجَانِبِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ

(سطر دوم) و رسولِ او مبعوقس - بزرگِ قطیانِ سلام -

(سطر سوم) بر هر که برین هدایت استماع کرد - بعد از این تحقیق که من -

(سطر چهارم) بدعوتِ اسلام تر امین خوانم - اجابت کن -

(سطر پنجم) سلامتی یابی - خدا تعالی ثواب دو چند میدهد -

(سطر ششم) اگر نافرمانی کنی تو آن میرسد که بقوم قطیان رسید -

(سطر هفتم) اے اهل کتاب بیایید بسوئے کلمه که -

(سطر هشتم) ما بین ما و شما مسلم می باشد و آن اینکه عبادت نکنیم ما - مگر خدا را -

(سطر نهم) و شرک نکنیم با او هیچ شی را - و نه معتد کنیم بعضی از ما -

(سطر دهم) بعضی را معبود آن غیر از خدا -

(سطر یازدهم) اگر بر میگردد پس بگوید گواه باشید تحقیق که ما مسلمانیم -

ایاتومندانی که حکام عدالت بلا اعتبار قوم بر شهادت و گواه مقدمات

کیسوی نمایند. در آن حالیکه یک لک چدین هزار پیغمبر علیهم السلام لوألغزم بزبان مختلف علی التواتر

والتوالی شهادت و گواهی داده اند که خدایتعالی کیست و **حکاک لا شریک له** مسند
او کیست **شرک** چیزی نیست

دلی عیب است. زنده و دانا و توانا است. همیشه باشد ابتدا و انتهایش ندارد. و از هر

وزوال پاک است **مَا عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ**. مستحق پرستش بجز ذات یگانه او دیگری
چنانکه باید شناخت نشا خستیم ترا.

نیست. پس درین امر شک آوردن خود را در ورطه هلاکت انداختن است. **هُوَ الْأَوَّلُ**

است نخستین همه

وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ **الغیر** خالق و
واست آخرین همه و است آشکار و است پنهان. و او بمهر چینه دانا است.

جز نبامی که در شرع شریف آمده نتوان خواند مگر به ترجمه محو خدا و پروردگار و غیره که از عربی بفکر

ترجمه الله و رب است. و بحکم عقل بر او نامی نتوان نهاد و هر وقتیکه نام خدایتعالی میشنوی جل جلاله بگو. هر که

نام پاک خدا جلشانه تعظیم کند. آن بنده را خدایتعالی میان خلق عزیز میگرداند. **الغیر** خدایتعالی را پیغمبر

علیهم السلام که فرستاد همه حق انداز نوع بشر بشیر اند نه هیچ بشر بلکه یا قوت اند و در میان حجر بشارت دهندگان

۴
پیامبر (ص)
سوره (صدی)

از ثواب - و تهدید کنندگان از عذاب بیان کنندگان ما را آنچه محتاج بشویم بدان از امور دنیا بد

هـ أَنْتَ الَّذِي خَلَقْتَ وَهَيَّاتَ مَلِكًا سُبَّابًا عِشِينَ بِمَقَادِيرِ وَالسَّانَةِ

تو آئی کہ قہریدی - وہیہا کردی از روئے کرم اسباب میش مارا بہ انداز ما و مہلوب ما
و ما یدکرو ایشا زابا معجزات باہرہ - و پیغمبران از عیوب و حانی جو کمانی پاک تہ - و معزول نشوند

و بر تعیینِ تعدادِ ایشان نباید استاد - اول پیغمبرِ ان جَدِ اعلایِ ما حضرت آدم صلی اللہ - و آخر

ایشان پیغمبر ماحمد رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم و علی جمیع الانبیاء والمرسلین۔

ووی بنمیبہ تمام عالم است چون نام مبارک محمد رسول اللہ شنوی صلی اللہ علیہ وسلم

گو۔ و در اکثر اوقات درود شریف بفرست بر غیبی بر ماضی اللہ علیہ وآلہ وسلم۔

من صلي على واحد صلى الله عليه عشر - إن الله وملائكته يصلون

ہر کہ برین کیمرتہ درو فرستہ خدایتعالی برودہ مرتبہ رحمت نازل فرماید۔ ہر آمینہ خدا و فرشتگان او درود میفرستد
 عَلَی النَّبِیِّ ۛ یَا حَآءِیُّ الدِّیْنِ اَمْنًا صَلَوَاتُہٗ عَلَیْہِ وَسَلَامٌ وَسَلَامٌ عَلَی الْاَہْلِ عَلَی

برپیغامبر - اے مسلمانانِ درود فرستید بروے سلام گوئید سلام گفتنی خداوند رحمت کلان نازل فرما
سیدنا محمد و علی آل سیدنا محمد و باریک و سلو و از شرک و بدعت بچہ خدین
پر سرور ما محمد و برآل او و برکت وہ و سلام برسان -

و بر استقامت بدین ثابت قدم باش الاستقامه فوق العاده -
استقامت بر کرامت بهتر است -

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ ۝
وَنُفِثْنَا بِهِ رِثْوَانًا لِّمَن يَّشَاءُ ۚ فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِّنَ الرِّجْلِ أَوْ مَرِيضٌ أَوْ مِنكُم مَّن سَاءَ بِطِينٍ فَأَتَتْ بِكُمْ صُنْدُودًا ۚ

۴۲
مؤلفه (۳۶)
مؤلفه (۳۷)
مؤلفه (۳۸)
مؤلفه (۳۹)

تا آخرت علیه الصلوٰۃ والسلام از تو خوشنود باشند۔ مبادا بملغری از اسلام دور فتی

(نعوذ بالله منها) شفاعت شافع روز محشر ^{صلی اللہ علیہ وسلم} تو میرسد یا ایما الذین امنوا اطیعوا

از پناه خدا می خواہیم۔ ^{اے مسلمانان فرمان برید خدا را} و اطیعوا الرسول و لا تبطلوا عما لکم و مما انکموا الرسول فخذوه و ما حکمکم

و فرمان برید پیغمبر را۔ و ہل کنید علیہای خود را و ہرچہ بد شما پیغمبر بگیرد آنرا۔ و ہرچہ منع کند شما ^{فانتموا و اتقوا اللہ} فانتموا و اتقوا اللہ ^{ابن حکم شرع آب خوردن خطا است}

از آن باز ایستید و ترسید از خدا۔

و گر خون بہ فتویٰ بریزے رواست۔ **الغریز** ایمان راست پنداشتن

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ بدل و اقرار کردن بزبان است۔ و نیز عمل بارگاہ

بجز خدا تعالیٰ لایق پرستش چیزی نیست محمد رسول خدا است

اگرچہ عمل بارگان جزو ایمان نیست اما بی آن شخصیت حسن ایمانی عریان است

بجلباس

کہ بآن نظر کردن نتوان عَنْ وَهْبٍ بِمَنْبِهِ قِيلَ لَهُ أَلَيْسَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

مرویت از وہب بن منبہ کہ گفتہ شد او را کہ آیا نیست لا الہ الا اللہ۔

مِفْتَاحُ الْجَنَّةِ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِنْ لَّيْسَ مِفْتَاحُ إِلَّا لَهُ أَسْنَانٌ۔ ایمان زیادہ میشود کہ

کلید جنت ^{گفتہ آئے} لیکن نیست کلید مگر آنکہ او را دندانہا می باشد۔

انچہ حدیث وارد است کہ ایمان یزید و یمنقص مراد از کمی و بیشی انخطا و از زیاد و تاثر

و قلب است باحتیاجات ارتکاب سیئات مثل آنکہ کوئی کہ طامع خیف است یا قلیل

۴
بارگاہ (محمد)
۴
بارگاہ (محمد)

۴
بارگاہ (محمد)

گرانی و سبکی اعتباری است نه حقیقی پس ثواب آن بطاعت زیاده میگردد - و

بعضیت ناقص می ماند همچنین آیه ^عوَإِذَا تَلَّيْتُمْ عَلَيْهِمْ آيَاتُكَ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ

و چون خوانده شود برایشان آیات خدا زیاده از ایمان آیات ایمان ایشان را

سَرَّحْنَاهُمْ يَتَوَكَّلُونَ هُ وَكَرَّمَهُ لِيَزِدَّهُمْ إِيمَانًا تَمَعِ إِيمَانِهِمْ - عبارت از خوف

پروردگار خویش توکل می کنند - تا زیاده شوند از روی ایمان با ایمان سابق ایشان -

وخشیت و اخلاص و محبت است که در تصاعد و ترقی باشد و بخوف و رجا از منتهی عنه

بالاروی

باز ماند و بامور به پردازد و تا از نکال و عذاب باز رهد و با جبر و ثواب فایز گردد - باینکه

بند و هر عمل که کند خالص باشد و در قول - فعل - دل - و جوارح خود را موافق دارد - و حرکت

و سکنت او از برای حضرت بے نیاز باشد - نه هیچ منافقان که بزبان قرار کردند و در دل

انکار نمودند - حقیقتاً بعضی از ایشان و انار است - ^عوَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ وَرَفَعَهُ

و خدا داناست - با آنچه در سینه است - و خدا

يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ - ایمان اسلام هر دو یکیت - ^عإِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ -

سید اند آنچه در دل باشد شهادت - هر آینه دین معتبر نزد یک خدا اسلام است

وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَسِرِينَ ه

و هر که طلب کند دین غیر اسلام دین دیگر را پس اگر قبول کرده نخواهد شد و او در آخرت - از زیان کاران است

و اگر فرقی است فرق اعتباری که ایمان متعلق با عقدا و است و اسلام متعلق با نقیاد

فرمان بری

سوره انفال (۸)

سوره انفال (۸)

سوره انفال (۸)

سوره انفال (۸)

سوره انفال (۸)

انفیل

وَكَلَّمَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ - بتدریج مداومت نمائی که فضل ان ذکر آمده مایمان

بجمله ایست که پیش از این محمد رسول خداست.

تو کامل شود - دولت صفایابد - و حرف لا - بشکل مقراض از برای چیست - جهت

قطع نمودن محبت ماسوائه تعالی است **الغزیر** امر معروف و نهی منکر فرض دان -

امر معروف اینکه شرع شریف بدان امر کرده - و نهی منکر آنکه شرع از وی باز داشته

و عقل را در آن دخل نه و یامرون بالمعروف وینهون عن المنکره و اولئک

و بفرایند بکار پسندیده و منع کنند از ناپسندیده - و همین کرده

هُمُ الْمُفْلِحُونَ وَاَمْرٌو بِالْمَعْرُوفِ وَهُوَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ

رست گاران اند - و بفرایند بکار پسندیده و منع کنند از ناپسندیده - و خدای راست نهایت همه کارها -

الغزیر شجر و حجر و طیور حتی که حشرات الارض همه مخلوق از ذکر خالق خود غافل نیستند

ع نذکرش هر چه بینی در فروش است **وَاِنْ مِنْ شَيْءٍ اِلَّا يَسْبُحُ بِحَمْدِهِ**

و نیست هیچ شئی مگر آنکه تسبیح میکند به حمد او -

هر گویایی که از زمین روید و دیده لا شریک له گوید - تو نیز باید خدا تعالی مشغول باش

که بے ذکر خدا تعالی بنده تار یک میگردد - هرگاه جماعتی مردم که ذکر خدا تعالی میکنند

گروهی از فرشتگان با رحمت الهی تعالی شانه برو محاصره میکنند - و خداوند عالم ذکرش در آن

۲۰
تسبیح و تهنیت
نموده اند

۲۱
تسبیح و تهنیت
نموده اند

۲۲
تسبیح و تهنیت
نموده اند

۲۳
تسبیح و تهنیت
نموده اند

۲۴
تسبیح و تهنیت
نموده اند

۲۵
تسبیح و تهنیت
نموده اند

۲۶
تسبیح و تهنیت
نموده اند

جماعت نشینگان میکند که نزد ربّین است چنانکه فرموده کُرُونِ

أَذْكُرْهُ فَادْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ وَأَشَدَّ ذِكْرًا ۚ وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ رِجَالًا وَكُنْتُمْ دُجُرًا

تا یاد کنم شما را - پس یاد کنید خدا را به یاد کردن شما پدران خویش بکنید یا دو تریا و کردن - یا کن پروردگار خود را
وَسَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ ۚ وَادْكُرُوا اللَّهَ أَكْبَرًا ۚ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْعُقُونَ

و تسبیح بگو به شام و صبح - و هر آینه ذکر خدا بزرگ تر است و خدا میداند آنچه میکنید
وَالَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ كَثِيرًا ۚ وَالَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ أَكْبَرًا ۚ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا

و مردان یاد کننده خدا را به بسیاری و زنان یاد کننده - همیا کرده است عظیمی برای ایشان آفرینش و فردی بزرگ -
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا ۚ وَسَبِّحُوا بِحَمْدِهِ وَاصْبِرُوا لَهُ هُوَ الَّذِي

ای مسلمانان یاد کنید خدا را به یاد کردن بسیار - و به پاکی بخوانید او را صبح و شام - او است که
يُصَلِّيَ عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ خَافِجَاتٌ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ۚ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ

رحمت میفرستد بر شما و دعای رحمت میکند بر شما فرشتگان و تبار او دشمنان از تاریکیها بیروشنی - و هست خدا به مسلمانان
رَحِيمًا ۚ تَحْتَ هُوَ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ ۚ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا ۚ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

مهربان - دعای خیر ایشان بکنید ملاقات کنند بخدا سلام - و آماده کرده است برای ایشان نیک -
آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ ۚ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ

مسلمانان مشغول نگرداند شما اموال شما - و سرزدان شما از یاد کردن خدا - و هر که بکند این کار
فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَسِرُونَ ۚ

پس آن جماعت ایشانند زیانکاران
چو پر شد خانه سیب باشد بجا خانه جاکتر - برگ و درختان سبز در نظر موشیار

هر ورقی و قری است معرفت کردگار **ای عزیز** انسان را چه جائی تکر است

سوره زمر (۲۴)
سوره زمر (۲۵)
سوره زمر (۲۶)
سوره زمر (۲۷)
سوره زمر (۲۸)
سوره زمر (۲۹)
سوره زمر (۳۰)
سوره زمر (۳۱)
سوره زمر (۳۲)
سوره زمر (۳۳)
سوره زمر (۳۴)
سوره زمر (۳۵)
سوره زمر (۳۶)
سوره زمر (۳۷)
سوره زمر (۳۸)
سوره زمر (۳۹)
سوره زمر (۴۰)
سوره زمر (۴۱)
سوره زمر (۴۲)
سوره زمر (۴۳)
سوره زمر (۴۴)
سوره زمر (۴۵)
سوره زمر (۴۶)
سوره زمر (۴۷)
سوره زمر (۴۸)
سوره زمر (۴۹)
سوره زمر (۵۰)
سوره زمر (۵۱)
سوره زمر (۵۲)
سوره زمر (۵۳)
سوره زمر (۵۴)
سوره زمر (۵۵)
سوره زمر (۵۶)
سوره زمر (۵۷)
سوره زمر (۵۸)
سوره زمر (۵۹)
سوره زمر (۶۰)
سوره زمر (۶۱)
سوره زمر (۶۲)
سوره زمر (۶۳)
سوره زمر (۶۴)
سوره زمر (۶۵)
سوره زمر (۶۶)
سوره زمر (۶۷)
سوره زمر (۶۸)
سوره زمر (۶۹)
سوره زمر (۷۰)
سوره زمر (۷۱)
سوره زمر (۷۲)
سوره زمر (۷۳)
سوره زمر (۷۴)
سوره زمر (۷۵)
سوره زمر (۷۶)
سوره زمر (۷۷)
سوره زمر (۷۸)
سوره زمر (۷۹)
سوره زمر (۸۰)
سوره زمر (۸۱)
سوره زمر (۸۲)
سوره زمر (۸۳)
سوره زمر (۸۴)
سوره زمر (۸۵)
سوره زمر (۸۶)
سوره زمر (۸۷)
سوره زمر (۸۸)
سوره زمر (۸۹)
سوره زمر (۹۰)
سوره زمر (۹۱)
سوره زمر (۹۲)
سوره زمر (۹۳)
سوره زمر (۹۴)
سوره زمر (۹۵)
سوره زمر (۹۶)
سوره زمر (۹۷)
سوره زمر (۹۸)
سوره زمر (۹۹)
سوره زمر (۱۰۰)

سوره زمر (۲۴)
سوره زمر (۲۵)
سوره زمر (۲۶)
سوره زمر (۲۷)
سوره زمر (۲۸)
سوره زمر (۲۹)
سوره زمر (۳۰)
سوره زمر (۳۱)
سوره زمر (۳۲)
سوره زمر (۳۳)
سوره زمر (۳۴)
سوره زمر (۳۵)
سوره زمر (۳۶)
سوره زمر (۳۷)
سوره زمر (۳۸)
سوره زمر (۳۹)
سوره زمر (۴۰)
سوره زمر (۴۱)
سوره زمر (۴۲)
سوره زمر (۴۳)
سوره زمر (۴۴)
سوره زمر (۴۵)
سوره زمر (۴۶)
سوره زمر (۴۷)
سوره زمر (۴۸)
سوره زمر (۴۹)
سوره زمر (۵۰)
سوره زمر (۵۱)
سوره زمر (۵۲)
سوره زمر (۵۳)
سوره زمر (۵۴)
سوره زمر (۵۵)
سوره زمر (۵۶)
سوره زمر (۵۷)
سوره زمر (۵۸)
سوره زمر (۵۹)
سوره زمر (۶۰)
سوره زمر (۶۱)
سوره زمر (۶۲)
سوره زمر (۶۳)
سوره زمر (۶۴)
سوره زمر (۶۵)
سوره زمر (۶۶)
سوره زمر (۶۷)
سوره زمر (۶۸)
سوره زمر (۶۹)
سوره زمر (۷۰)
سوره زمر (۷۱)
سوره زمر (۷۲)
سوره زمر (۷۳)
سوره زمر (۷۴)
سوره زمر (۷۵)
سوره زمر (۷۶)
سوره زمر (۷۷)
سوره زمر (۷۸)
سوره زمر (۷۹)
سوره زمر (۸۰)
سوره زمر (۸۱)
سوره زمر (۸۲)
سوره زمر (۸۳)
سوره زمر (۸۴)
سوره زمر (۸۵)
سوره زمر (۸۶)
سوره زمر (۸۷)
سوره زمر (۸۸)
سوره زمر (۸۹)
سوره زمر (۹۰)
سوره زمر (۹۱)
سوره زمر (۹۲)
سوره زمر (۹۳)
سوره زمر (۹۴)
سوره زمر (۹۵)
سوره زمر (۹۶)
سوره زمر (۹۷)
سوره زمر (۹۸)
سوره زمر (۹۹)
سوره زمر (۱۰۰)

که اول او نطفه ذلیل است از شکم تا بجنا آمده از ره بول دو بار آمده و آخر او میت متفنن

و خود حال نجاستین - و تکبر کن که تکبر سزاوار صفت قادت یراست

مرا و رارسد کبر یا و منی که ملکش قدیم است و آتش غنی و شیطان تکبر کرد و خوار و ذلیل شد

تکبر عز ازیل را خوار کرد و بزرندان لعنت گرفتار کرد و لا تمش فی الارض

مرحاً انّا انک لن تحرق الارض و لن تبلغ الجبال طولا کُلّ ذلک کان

خرامان هر آینه تو نخواهی شکافت زمین را و نرسی به کوه باد و درازی - همه این نصیحت ها هست
سینه عند ربک مکر و هاه و لا تصعّر خدک للناس و لا تمش فی الارض
بدی آن - نزدیک پروردگار تو ناپسندیده - و تشاب خسار خود را از طرف مردمان یعنی متکبر و راه مرد در زمین خرامان

ان الله لا یحب کل فحشال فخور و اقصد فی مشیک و اغضض من صوتک

هر آینه خدا دوست نمی دارد هر نازنده خود ستاننده را - و میان روی کن در زقار خود و مشر و آرا و از خود را
ان الذین یسکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم داخرین و غره
هر آینه آنکه تکبر میکنند از عبادت من داخل خواهند شد بد و زخ خوا ر شده

مباش که من و لد فلا نم که فردا قیامت از عمل نیک پر سنده از نسب

المنت لله که نیازم به نسب نیست و انیک به شهادت طلبیم لوح و تسلیم را

بنده عشق شدی ترک نسب کن جامی که درین راه فلان ابن فلان پذیرفته

سوره

سوره زمره (۷۵)

سوره زمره (۷۵)

سوره زمره (۷۵)

سوره زمره (۷۵)

إِنَّ آتَكُمْ مَكْرًا عِنْدَ اللَّهِ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ۝ الْبَتَّةَ سَادَاتٍ تَحْسِبُ كُن
 هر آینه گرامی ترین شانزدکیت خدا پر مهر گرامی ترین است - هر آینه خدا وانا خبردار است -

اگر چه فاسق باشند ۵ اولاد نبی که نیست بر آدینی ۶ چون آیه منسوخ کلام الله است

الغرض فکر صد سال میکند بنده ۵ موت بروش میکند خنده ۶ منی منی که در چندین

مقابر و مزار خفته اند پیر و جوان و اطفال شیر خوار - فَاَعْبُدُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ هَمَّةً ۵
 پس عبادت گیرید ای خداوندان دید ۵

کرمه و نعمتها خورند - ناگاه شربت اجل حشیدند و حسرتها بردند - كُلُّ نَفْسٍ رَافِقًا لِمَوْلَاتِهَا وَارْتَبَتْ
 هر نفسی چشیده موت است -

بنیدیش - و عمل کوش - و زوا و آخره بر داریش - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِمَّا أَرْسَلَكُمْ
 ای مسلمانان - هر آینه بعضی از دواج شما

وَأُولَادِكُمْ عُذٌّ وَالْكَوْفُ أَحْذَرُ مِنْكُمْ ۵ بدینا دل نه بند و هر که مرد است
 و بعضی اولاد شما دشمنان اند و حق شما پس ترسید از ایشان

که دنیا سر بسر اندوه و درد است ۶ برو باری بگوستان نظر کن ۶ که دنیا شیر مردان ۶ چه کرد

غافل ز احتیاط نفس یک نفس مباحش ۶ شاید همین نفس نفس و پسین بود ۶ تا کی طلبی نعمت دنیا

چشم را ۶ از دل چسبده اموش کنی خوف عدم را ۶ هر کس که دلش پاک شد از کلفت دنیا

میند به عیان در همه جا - نُورِ قَدَمِ رَا ۶ این دولت این نعمت این حشمت شوکت ۶ هاند به یکجا ۶ کاه و شوم

سوره بقره (۱۰۶)

سوره بقره (۱۰۶)

سوره بقره (۱۰۶)

ناحق چه خوری مالِ یتیمانِ غریبان ؟ مملو مکن آتشِ سوزنده شکم را ؛ عجب کین مشوا ز سختیِ ایام که باشد

شادی فراوان پس ہر رنج و الم را بگر عقل رسا داری و گردیدہ دنیا از بیم گنہ خشک کن یٰ نوح!

الدُّنْيَا خِفَّةٌ وَطَالِبُهَا كِلَابٌ ۖ إِنَّمَا تَكُونُوا يَدْرِكُ كَوْنُ الْمَوْتِ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ ۖ

وَنَامُوا رَاسَتًا وَمَطْلَبُ آن سَكَنَ - ہر جا کہ باشید در یاد شمار امگ و اگر چه باشند در محلہائے محکم -
فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ۝ آدمی بر امر گست بقا و امی

پس چون برسد آنوقت مقرر ایشان باز مانند ساعتی و نه بیش روند۔

باوست تقاشانه ۵ درین قیفه بهار و خزان هم غوش است زمانه جام بدست و جازه بردوش است

كُلُّ شَيْءٍ إِلَّكَ أَتَوَجَّهُ ۖ كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَإِنَّهُ وَبِقِي وَجْهِ رَبِّكَ نُوَاجِلٌ وَأَمَّا كَرَمُ

ه وقت هست که زمین را فدا گردیم و کاروان گشت روان بسازیم و پیغمبر را توشه را بداریم و بهی ستیم

سفر دور و از است چنان آہ سپریم ۛ جمع کر دیم بے گو سرو سامان لیکن ۛ خبر کفن یارہ و گر هیچ نہ ہوا ۛ

پادشاہِ اکبرؒ کی وحشی و غفورانہ دستِ مالگیر کہ در ماندہ بے بال و پریم و عاقبت خیر مگر دانِ لطیف

بر عطای تو بر لطیف بنی منی گیریم **و حشر** دنیا دوروزه عجب ناپا یادار و عجب مکار است

کہ در دام او چہ پیرو چہ نوجوان بلکہ طفل شیرخوار ہم گرفتار است وائے دریغ! و عجب

بے رحم و بے وفاست کہ با کسی از چشمِ ترحم نہ مگرست۔ دنیا سرائے

ترک است۔ این را و خطرناک طے نمودن و بہ وحشت خانہ یحیٰ خفتن مسلم پس دین دنیا

فانی و برین متیل زنگانی دل منہ۔ و ہرگز بران اعتماد مکن۔ و با وراک احوال و اعمال

مذمومہ خود بسیار باید گریست و خندہ کم فلیضو کو اقلید و کمیکو اکندرا

پس باید کہ بخندند اندکے و بگریں بسیارے

حجت زندہ ولی دیدہ گریان باشد ۛ شاید مژدگی دل لب خندان باشد ۛ

تا نہ گری طفل کے جو شد لبین ۛ تا نہ گرید ابر کے خند و چمن

و ترا جہت خور و نوش و سیر و بازی و عیاشی و تحصیل داری و تعلقداری نیافریدہ اند

مگر بنا بر عبادت (منیخواہم تعلقدار باشم ۛ اگر باشم بجاریار باشم) و ما خلقت الجن و لا انزل الیک عبدک

دنیا فریدہ ایم جن انس اگر بای نگہ پرستند۔

خور و ن برائے رستین و ذکر کردن آ ۛ تو معتقد کہ رستین از بھر خور و ن است عبا

تا چند بفکر دل خراش دنیا ۛ سرمایہ حسرت انعاش دنیا ۛ از دست مدہ شرافت اشرف خلق

ادنی تو مگر در تلاش دنیا ۛ اگر طالب دنیا ۛ رنجور شوی ۛ و طالب عقبائی فرد و رشی

یائے خطاب

یائے خطاب

رباعی

ۛ
سورہ (نور)

ۛ
سورہ (نور)

زین هر دو چو بگذری و مولی جوئی به سرتا به قدم نورشوی نورشوی - نور علی نور
روشنی افزوده و در روشنی

يَهْدِي اللَّهُ لِنُورٍ مِّنْ نَّشَاءُ ۚ

راه نماید خدا تعالی نور معرفت خود هر گرامی خواهد -

از حیات جاودانی برخورداری و آسایش تن نخواهد که دنیا جائی آسایش نیست بلکه

جایی زماشت آذنی خلق الموت والحیوة لیسئلوکم انکموا احسن عملا ۚ

آنکه آمدید مرگ و زیست را برای آنکه بپایزاید از شما کیست نیکو کار -

الدُّنْيَا مَزْرَعَةٌ ۚ وَالْآخِرَةُ دَرِينٌ نَّيَا آخِرَةٍ خَوَابِي كَشْتِ ثَمَرُهُ ۚ

دنیا مزرعه است -

خوابی یافت گندم از گندم بر وید جو ز جو به از مکافات عمل غافل مشو -

حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ ۚ دَوْرُ دَوْرٍ زَوْدِ گَدَشْتَنی و گَرِ اشْتَنی است ۚ

محبت دنیا سر مبدعها است -

کمر اجاودان ماندن امید نیست بکسی را نه مینی که جاوید زیست - خردمندی نیست

که غفلت بگذاری - و دل از دنیا برداری ز اذعقی حاصل کنی - الدُّنْيَا سَجْنُ الْمُؤْمِنِ

دنیا قفسه است مؤمن -

وَجَنَّتُ الْكَافِرِ قُلُوبٌ مَّتَالُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ ۚ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ انْقَرَأَ

و جنت کافر است - بگو بهر مندی دنیا اندک است - و آخرت بهتر است کسی را که پندیرد و کند

الْمَالُ وَالْبُنُونُ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۚ وَالْبَقِيَّةُ الصَّلَاحُ وَخَيْرُ

مال و فرزندان آرایش زندگانی دنیا است - و حسنات پابنده بهر اندر دیک

عِنْدَكَ سَيِّئٌ نَّوَابِا وَخَيْرٌ أَمَّا دُنْيَا وَآخِرَتِ بِهِمْ جَمْعٌ نَمَى شُونَد -

پروردگار تو از جهت ثواب خوب تر از جهت اید داشتن -

حَقَّتِ الْجَنَّةُ بِالْمَكَارِهِ وَحَقَّتِ النَّارُ بِالشَّهَوَاتِ ه

جنت بذیل تکالیف مخفی است و دوزخ بذیل شهوات - **اورده اند** که فربله در راه واقع شده بود تا مترودین عند المرور از آن بقبضه نفس

و نفْسُ پر داختند و برائے اینکه متادنی به عفونت نشوند و تنال به مشام خود پاکشد

اذیت پذیر

سبک بدتر مآخذی - قضا را صاحب دلی روشن ضمیر را در آنجا گذر افتاد و فرمود که یا ایها الناس

فضلہ راه اقتاده را از زبان حاش بیانی است که خالق عالم او را اولاً غذای لطیف و

پاکیزه پیدا نموده - تا آنکه او در شکم مخلوق فرو رفت و تحیل گشت آخر از بدبوی ازان

تفر پیدا شده و نوبت با کراه رسید - درین صورت خواستگار انصاف است که

در میان ما و شما باعث این نفرت کیست - **انکف فی ذلک لَعِبْرَةٌ لِّأُولِی الْأَبْصَارِ**

بر آینه درین مقدمه پند است خداوند ان چشم را

و باند ختن مال و متاع دنیا حریص مباش که بعد مرگ تو مالک مقسوم و علیک الحساب

مال تو تقسیم می شود و حساب آن بر تو باشد

وَحَلَّالُهَا حِسَابٌ وَحَرَامُهَا كَذَابٌ - **وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ** ه

و حساب مال حلال و عذاب مال حرام بدم است - و خداوند ددکننده حساب است -

۹۱
مکذبه ضعیف

۹۲
بازر دانه
سوره نور

۹۳
بازر دانه
سوره نجر

اگر حیات نباشد جهان چه کار آید **الغریز** دعویٰ انا ولا غیر ی بگذارد و خود را مثل

مردہ انکار ۵ ما اگر از سر من و مائی نهیم پو همچو نے سر بر خط نائی نخسیم۔

رغم ما گوئیم ز اسرار قدم پو نکته ما خوانیم از لوح و قلم پو باب و مساز خود گر خفته

همچو نے من گفتنیها گفتمی **پو اناک مہیت** ۵ **موتو اقبل انموتو اناک** ۵

ہر آئینہ تو خواہی مرد۔ پیش از مردن میرید۔

عیب است بزرگ بر کشیدن خود را ۵ و ز جملہ خلق برگزیدن خود را ۵ از مرد مکیدہ باید ہو

ویدن ہمہ کس را و ندیدن خود را ۵ بر تہو و تحلف نام شروع مکن۔ ۵

از طلا و نقرہ گر سازند گنبد اغینا ۵ بر سر گور غریبان گنبد گردون بست

آورده اند کہ خلیفہ مارون رشید با آنکہ قصور مرتفعہ بوقلمون داشت

با حداثہ عمارتی بی ستون خورنق ۵ رونق کہ فراتر از ہمہ باشد و در بلندی سہر بر آسمان

برافراشد ہمت برگاشت ۵ رفعتش برتر از گمان بودہ ۵ آسمان زیر آسمان بود

در مہنگام نبائے این محل عظیم البیان وسیع الشان از اقطار عالم سامان مصالح

بنیاد

۵
سورہ (زمر)

۵
نام تھری فیض
ساختہ گمان
بن شدہ۔

فراہمی آمد تا چو بکیہ تمچو غمِ مستقیم و قدرِ ریفیع وید طولامی ہارون راست و بلند و دراز
۳ ۲ ۱ ۳ ۲ ۱

و بر آستقمانہ خرگاہ بے ستونِ آسمان استوانہ سرفراز بود رسید۔ شہرتِ آن در آوا

افتادہ مردم دور و نزدیک بیدارِ آن شتافتند و آن را اعجوبہ روزگار یافتند تا

بھلول دانانیرہ تماشائے آن رفت و بمعائنہ سراپا آن چون مردم

خردہ بین غور و تامل در گرفت ہر دو سرچوہ مذکور یکے بعد دیگرے گرفتہ بغیر یکبیر

در حرکت آورد۔ اما تھر یک میانہ آن دستگاہی نہ داشتہ کہ زورِ تمام بکار بُرد۔ مردم

از چگونگی تھرک و سکون پرسیدند فرمود کہ ہر دو سرچوہ طالبِ دین و دنیا بودم

آخر بدعائے دلی مستفید و کامیاب گشتم چون نوبتِ آزمائش تھر یک جنبش میانہ چوہ

رسید خواستم کہ از آن سرمایہ دارین حاصل کنم آوازی از چوہ بگو شتم رسید کہ ۵

گر خدا خواہی وہم دنیا رود و این خیال است و محال است و جنون۔ باز از چوہ

از کمالاتِ حالش دریافتم کہ با وجود آنکہ چوہ بے بیش نیستی سببِ چسبیت کہ شہرتِ الملقا

مشاق دیدگشته بایشش گفت راستی حسنه ندارم نه پری ام نه حورم لیکن بشیوه راستی

جواب

که دارم منظور ام **ه** راستی موجب ضای خداست بکس ندیدم که گم شد از روستا

هُدًى وَذِكْرَىٰ لِلْأُولَى الْأَلْبَابِ **ه** **الغریز** اعتقاد باید کرد که ایصال ثواب
برای او نمودن و پند دادن حسنه او ندان خسرو را -

بر طبقه مسنون حق است و وعاے زندگان اموات مومن را و صدقه و خیرات بجهت

شان با طعام و استقاء عام از آنکه جاری باشد - یا منقطع و احداث بقاع النحر و البرشل
خورانیدن - نوشانیدن مقامات نیک

پل و مدرسه و مسجد و سرا و غیره نافع است اما اولی آنکه **ه** برگ عیشی بگو و خوش فرست

بفرستد که تو پیش فرست و سوال منکر و نکیر و سنجیدن کردار بندگان بر روز جزا

حق است و پل صراط بر روی دوزخ نهند - تمام خلایق را از آنجا بگذرانند و جنت

و دوزخ و حوض کوثر و فرشتگان و کتب سماوی و کرامات اولیا و شفاعت

نمودن انبیاء و اولیا و علما حتی اولاد خود که در صغیر سن بمیرند و صورت حسن خاتمه از

پروردگار تعالی شانه و عذاب قبر کافران و بدکاران را و هر چه خبر او بتی ماصی علیه

باز در (م)

والہ وسلم از علامات احوال قیامت ہمہ حق است و معراج پیغمبر صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم بتجلی ہر بی ربیداری

بر آسمان تا مقامیکہ خدای تعالیٰ خواہستہ حق است و شریعت و صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم کامل ترین شریعت ما۔

و دین و مآخ و دنیا و است و بہترین امتہا و یاران و بہترین امتہا است صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم و پیچ کرا

بہ تشخیص لغت نباید کرد الا انکہ نبض معلوم شود کہ (مثل فرعون) کافر مردہ ہمچنین کسی قطعاً ہستی نتوان گفت

سویا عشرہ مبشرہ غیر ہستی در حق کسانیکہ خبر صادق بشارت ادا نہد اہل قبلہ اکافر نشاید گفت ہر کہ برادر

دینی خود را بکافر خطاب کند در صورت غیر ہستی بودنش این کلام بر قابل عاید میگردد و ہیچ عاقل بالغ تا وقتیکہ

عقل و حواس او بر جا باشد بر تہ نہ رسد کہ حکام دین تکلیف شرع شریف از وساطت گردود (اورودہ اند کہ

مرشدنا حضرت پیر دستگیر می الدین جیلانی رحمۃ اللہ تا دوازدہ سال در بیابان و در مجاہد نفس و ریاضت

نن شاغل و بمشاق فوق العادۃ با اختیار قیام و صیام عامل بودہ بتجلیات بر آنحضرت یافتی و ہر

و نکات معرفت را بمکاشفہ دریافتی شبہ در حالت جذب و شوق نورے بر آنحضرت نظر

شد کہ ہمہ بیابان مستفی و مستنیر از ان گشت و نہاد اند کہ اسے محبوب حق و اسے

ضیا پذیر نورگیر

حضرت شاہ عبدالحق
محدث دہلوی اور
اخبار الانامی کتاب
در بحث اقلیدین ترا
نقا گویند کہ بوس
ان دن و جن بابہ
می جویند

مقصود مطلق از میان خلق برگزیده و از مخلصان برچیده تکلیف شرع را از تو برداشتم و مبرا

عنایت بناصیه حال تو نقش اعمال بمایشنت و آنقدر غفرت لک

کن هر چه خواهی پس بدستی که بخشیدم ترا -
 گناشتم - آنحضرت با سماع این مذاکفت - اِحْسَا اَیْهَا الْمَلْعُون -

دور شوا سے مردود

لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم - تا آن نور مبدل بظلمت شد

نیت برگشت از بدی و نیت توانائی بیکدیگر بعد از خداوند بلند و برتر -

و شیطان پیش آنحضرت آمد و پرسید که چون دوستی که آن ندانای شیطان بود تا بدین

کلمات تسکیم شدی و فسر بود آن را که عیان است چه حاجت به بیان است تکلیف

شرع هرگاه از مرسلان که مالکان شرع اند ساقط نمی شود تا به استتبعان چه رسد -

گفت ز سبب خوش نصیبی که از خدایه من رستی ببا و لیار که از ولایت سرفراز بودند
 مگر

از زمین فریب گمراه کرده بودم پس اتباع شریعت لازم و حتمی است که بهیچ حال
 واجب

ساقط نمی شود) و در پس هر مسلمان اگر چه صالح نبود نماز جایز است و در حالت

مستی و بیوشی اگر کسی کلمه کفر گوید کافر نگردد و گناه های کبیره مومن را از ایمان

خارج نکند و سوال حق تعالی که در دنیا چه کردند حق است و ائمه اربعه ^{علیهم السلام} برحق و

حقی و شافعی و مالکی و حنبلی

در مشککانی فقه ماجور و مشاب اند - و از دلائل کلامیه و تدقیقات فلسفیه خود را

کلام عقلی کلام باریک منطق

در ورطه حیرت و تذبذب میفکن و بر عقاید اسلام و قواعد ملت و بر طریقه سنیّه

اہل سنت و جماعت قایم و ثابت قدم باش و سلامتی ایمان در میان بیم و امید است

و تصدیق بنگار و کاهنان و در خبر غیب کفر است و نیز می خوردن را جایز دانستن

و تبار با نسن ^ع یا ایها الذین آمنوا انما الحمر و المیسر و الانصاب و الانکاح و الحرس

اے مسلمانان جز این نیست که نمر و قمار و نشا نهائے مبهودان باطل و تیره هائے فال پلید است

من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون و انما یرید الشیطان ان یوقع بینکم

از کردار شیطان است پس اجتناب کنید از وی تا بود که شمار تنگ نشوید جز این نیست که میخواست شیطان که باندازد و در میان شما

العداوة و البغضاء فی الحمر و المیسر و یصدکم عن کراه الله و عز الصلوة فاعلم انکم

دشمنی و ناخوشی بسبب نمر و قمار و شمار از یاد خدا و از نماز پس ای احوال شما باز ایستادید -

روزی یهودی بگرمایند مت حضرت علی کرم الله وجهه رسید و عرض نمود

که بعث و نشتر و نمر و جشر قابل اعتبار نیست و نه پیش عقلا تصدیقش بپایه ثبوت می رسد

محض امر خیالی است پس دنیا با عیش و عشرت و مقام خوشی است - بخورد و بنوش

تا از فکر بے سود عقوبتی فارغ شوی و بسر مودند که راسخ الاعتقاد ام که ظهور قیامت و

مواخذة ذره ذره اعمال مردم بر وزن حساب امر حیج و لازمیت من بر حکم خدا و رسول ^{لهم}

عمل می نمایم. بارے حسب گفته تو اگر قیامت را اثری نباشد هر آئینه از اطلاق ریا

و محنت شاقه چند روزه خود فکری نذارم مخفی و عاصی نشدم. بخلافش اگر قیامت برپا

چنانکه ذکرش درست آن مجید است از ضعف اعتقاد و انکار مخلصی فیم و تو ما خود و ملحدی

مرا خیال بر امور دوا می عقوبتی است معامله دو روز و دنیا را اعتباری نیست و بس

وَمَنْ يُضِلَّ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْهَا ۖ وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ ۚ

و هر که گمراه کند خدا پس نیست او را هیچ راه نایده و هر که راه نماید خدا نیست او را هیچ گمراه کننده.

فَإِنْ أَهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ ۚ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهِ ۚ

پس هر که راه یاب شد پس نفع او است و هر که گمراه شد پس جز این نیست که گمراه میشود بضر خود.

العزیز از دروغ گفتن زبان خود را نگهدار که خدا تعالی دروغ گو یان را دشمن دارد

و در قیامت سخت ترین عذاب دروغ گو یان را باشد. لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَذِبِينَ

لعنت خدا بر دروغ گو یان

اما سه جایز است. یکی در دفع ظلم. دوم بصلح و کس. سوم به معاملات زن و شو

در روز قیامت
این حدیث
در سنن ترمذی
در سنن ابوداود
در سنن نسائی
در سنن ابن ماجه
در سنن بیهقی
در سنن حاکم
در سنن ابویوسف
در سنن ابوالخضر
در سنن ابوالقاسم
در سنن ابوالفرج
در سنن ابوالفضل
در سنن ابوالحسن
در سنن ابوالمنذر
در سنن ابوالمنذر
در سنن ابوالمنذر

در روز قیامت
این حدیث
در سنن ترمذی
در سنن ابوداود
در سنن نسائی
در سنن ابن ماجه
در سنن بیهقی
در سنن حاکم
در سنن ابویوسف
در سنن ابوالخضر
در سنن ابوالقاسم
در سنن ابوالفرج
در سنن ابوالفضل
در سنن ابوالحسن
در سنن ابوالمنذر
در سنن ابوالمنذر
در سنن ابوالمنذر

یا میان ایشان مودت کرد و دروغ مصلحت مہینہ باز راستی فتنہ نگیز

اور وہ اندک شیخ شیوخِ محضتِ محبوبِ بھائی غوثِ صمدانی سید

عبدالقادر جیلانی رحمۃ اللہ علیہ باسترضا و استجارتِ مادرِ مشفقہ خودش در ایامِ طفولیت

بغرض تحصیلِ علمِ دینی بمرادِ قافلہ بارادہ بغداد برآمدند۔ ہنگامِ ترخیصِ والدہ ماجدہ

انحضرت چہل دینار کہ از ترکہ والد ماجد حضرت مدوح بود زیر بغل در جیبِ آستین

قباد وختہ وصیتِ نمود کہ ای جانِ مادر تا آنکہ باشی راسخ باش۔ و بجز رہت گوی

صرفِ دروغ مگوئی۔ بعد طے شدن منازلِ قافلہ مذکور بمقامِ خطرناک کہ کہیں گاہِ قطعِ الطریق

در اہرنمان بودند و آمد۔ قضا را سیہ در و نان از این حال خبر داشتہ بر سرِ قافلہ قناد

و بر مالِ مردم ماخت آورده بگی بغارتیند۔ الحکم اللہ حضرت مدوح از دستِ انہا نجات یافتند

و مالش محفوظ شدہ رہنے از آن میان پیشِ حضرت رسیدہ بدریافتِ مقدال

موجودہ شان پرداخت۔ چون سینہ آن روشن ضمیرِ ہجو آئینہ صفائی میداشت

از کیفیت دنیا مطلع نموندند آن تیره باطن کو چشم - بر راست گوئی و بر سادگی مزاج شان

متعجب شده مخوف گشت و راه منزلِ خودش گرفت تا بدگیرد شرکایش از این حال خبر نیانده

آنها یکی بعد دیگری برائے آزمائش خدمتِ حضرت رسیده از موجودگیِ دینار با

مستفسر شدند پیر و شن دل از حالات آن کما حقہ بلا کم و کاست چنانکه بشخص اولین

بیان فرمودند همچنان بسوال دیگران هم برداختند که حرفی غلط حسب فرمان و وصیت

مادرشان از زبان بر نیاید - بر اندام شان نیز لرزه افتاد به عجب و حیرت تا مہ بر نمرنگ

خود رفته به تقسیم مالِ غنیمت مصروف شدند - درین آوان سرخیل آنها با جماع حالات

عجیب و غریبہ به پرسید که مالِ جملہ مردمانِ قافله بدست افتاد یا چیزی از آن هنوز باقی است

گفتند جوان پسرے را دیدیم کہ صورتش همچو خورشید تابان و درخشان است - از موجودگی

دینار ما واقف نموده - احتمال بر دروغ و استهزا کرده نظر بآش نکردیم - و از دست

تقص دینار نجات بخشیدیم - جملہ قطع الطریق حسب فرمانِ خسریل خود آن خوش پسر

پیش او گرفته بودند. تا آنکه سیاه را بخین دینار ماکه در جیب بغل خود میداشتند بدستش

تحویل نمودند. آنها دوست بدندان شده و سرور گریبان انداخته در مدحش زبان رانند

فی الجمله سرخیل مذکور باز جانب حضرت مخاطب شده عرض نمود که ما عارت گرانیم قطع الطریق

پیشینه ماست. چرا افتاد حال کردی. و مال مخفی با پیش نمودی. ارشاد فرمود که برگشت نصیحت

ما در غریز م عمل کردم تا کار از دست نرود. و از جاده صداقت متجاوز نباشم. چون اینج

شنید بر سید و بر کردار خود نادم گشته عرض نمود که تو از گفته مادر خویش برگشتی و اے

بر حال ماکه خلاف حکم احکام بحاکمین عمل میکنیم. غرض بر دست مبارک حضرت مدد و

توبه کردند و همه اسباب غارتیده را بر دمان قافله و نیز مال پیرستگیر باز دادند تا آنکه

حضرت مدد و با قافله مع انخیز به منزل مقصود رسیدند **زهی کرامات**

و خرق عادات که در آن صغری سنی دل عالمی مسخر نمودند اما در میان اسلام فریقی است که

از فضایل و بزرگی شان منکر و بغض وافی میدارد. و فریقی هست که روایات بے دلیل

و بغیر ثبوت بیان کرده عوام را گمراه و بر آن حضرت اتهامات میکند و فریعی است که بر جاوہ

مستقیم قایم و فضایل حق را قایل است درین امر طول کلامی مقصودم نیست خدا تعالی

ہر کرا خواہد راہ صواب نماید۔ **يَهْدِي مَنَاشَاَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ** اَمَّا اَز جَاوُ

راہ می نماید ہر کرا خواہد بسوئے راہ راست

اعتدال متجاوز مشو۔ ع اگر حفظ مراتب نکنی ز ندیقی **كُلُّ حِزْبٍ بِالَّذِي هُوَ فَرِحُونَ**

بسہ گروہی یا پنچہ نزد ایشان است شادمانند

الغیر روزے حضرت شیر خدا علی مرتضیٰ کرم اللہ تعالیٰ وجہہ بیان فرمودند کہ من

با کسی کار نیک و بد درین عالمی نکرده ام۔ آنہا عرض نمودند کہ یا امیر المومنین اگر با و گیرا

بد نکردی ہر آئینہ خیری کرده باشی۔ باز سوی یاران مخاطب شدہ اصراراً فرمود کہ خیر

با دیگران کردم و نہ کار بد انچہ کردم متعلق از نفس خود است بمصدق

اینکہ **مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلِيَهَا** **الغیر** از حضرت تھان

ہر کہ بکند کار نیک پس نفع او راست ہر کہ بدکاری کند وبال بردیت۔

حکیم منقول است کہ من از چہار صد کتب پنج امر برداشتم۔ سہ یادداشتی و دو فراموش

کردنی۔ انچہ یادداشتی است مرگ۔ و خدا۔ و کسیکہ با تو احسان کند۔ آنچہ فراموش کردنی

۴
سورہ (الغیر)
سورہ (الغیر)
سورہ (الغیر)

۴
سورہ (الغیر)
سورہ (الغیر)
سورہ (الغیر)

احسانے کہ باکے کردہ باشی۔ و بدی کیسکہ باتو کردہ باشد۔ **العزیز** بگذار امور خلق

کہ بی گذر و بحال خود۔ و مباشرت مگر غالی از تفکرات و اعتراضات بر امور قضا و قدر زیر کہ در

طرقه العین خدائے جلشانه تغیر میداد از حالی بحال دیگر۔ پس اعتراض و تفکر تو بجا خواهد بود
چشمزدن

وَلَا تَقْفُ مَا لِكُلِّ بَدِيعٍ زَرِيعٍ زَمَانَةٍ عَيْنِ شَيْءٍ خَدَايَتِهَا اسْتِ
و مژدہ پیچیدہ کہ ترا دانش آن نیست۔

لهذا بقضا و قدر راضی باش۔ ہر نیکی و بدی کہ بتو رسد از خدایتعالی دان۔ ۵

سرمشت مابدست خود نوشت ۴ خوشنویس است و نخواهد بد نوشت

وَالْقَدْ خَيْرٌ مِنْ شَرِّهِ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى فَلَنْ يُجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ يُجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا
خیر و شر تقدیر از خدایتعالی است۔ پس نخواہی یافت آئین خدا را تبدیلی و نخواہی یافت آئین خدا را تغیر۔

۵ ہرگز ندیے رسد ز خلق مرنج پاک کہ نہ راحت رسد ز خلق خرنج۔ اگرچہ بندگان را نیز تقدیر

قدرتے و اختیارے دادہ اند کہ بر آن کار میکنند و ثواب نیکی و عذاب بدی یابند

اما از نیکی خدایتعالی راضی بود و از بدی نہ۔ اگر طاعت کنی تو نقیش از خدایتعالی

دان۔ و اگر گناہ از تو صادر شود و بنفس خود شمار کن ۵ نیکی و بدی کہ در نہاد و شہرت

۴
صفحه (۳۵) م
۵
بازہ (۳۶) م
مورہ (فاطر)

۵
بازہ (۳۶) م
مورہ (فاطر)

شادی و غمی که در قضا و قدر است ؛ با پر خ مکن حواله کاند ر و عشق

چرخ از تو هزار بار بچیا ره تراست **الغریز** تعظیم کن علماء را

که تعظیم اہل علم کامل سازد ایمان را۔ و استہزاء شریعت کفر۔ و امانت کنندہ علم ختم

خدا و رسول است۔ علم دین بیا موز کہ عمل جاہل مقبول نیست۔ علم دین فقہ است تفسیر

ہر کہ خواند غیر از این گرد و خبیث ؛ چون دانستی عمل کن کہ علم بی عمل۔ و عمل بے علم خیا کہ

باید متوجہ عالم بے عمل کو رست مشعلہ دار۔ علم را ہرگز نیابی تا نباشد شش فصل

حرص و انس نہیم کامل جمع خاطر کل حال ؛ شفقت استاد باید ہم سبق یابی مدام

لفظ را تحقیق خوانی تا شوی مردِ کمال ؛ ^{قطعہ} آنکس کہ بداند و بداند کہ نداند

اسپ طرب خویش بر افلاک دوز ؛ آنکس کہ بداند و بداند کہ بداند

آنہم خدک لنگ مبزل برساند ؛ آنکس کہ نداند و بداند کہ بداند

در جہل مرکب ابد الدہر بماند۔ **فَقِنَّا بَصَرَ فَلَنَفْسِہٖ وَمَنْ عَمَّ فَعَالِمُہَا**

پس ہر کہ بینا شد پس نفع آرد و ہر کہ ناجینا ماند پس یان بربست۔

ع
سورۃ النجم

ع
سورۃ النجم

وَمَنْ كَانَ فِيهِ ذَلِكَ كَانَ فِيهِ غِنًى مِنَ الْآخِرَةِ آمَنَ وَأَصْلُ سَبِيلِهِ

وہر کہ باشد در دنیا کورے وے در آخرت نیز کور است و خطا کننده تراست راه را۔

و از تعلیم و مطالعہ چند کتب ضروریہ قانع مباش و حتی الوسع در تالیف و تصنیف

و دیگر خود را استعداد آموخہ بدار۔ و ہمت بر نگار کہ چیز بکار آید بضمنش از معاینہ دیگر

نسخجات مستفید و مستفیض باشی۔ و از تفہیم و وقوف مضامین تازہ سواد عظیم و

و بہارت کلی حاصل کنی۔ بجلافش از مشغلہ و فکر سخن بنجی و موشگافی محترز باش
لا یعنی

کہ تو ضیع وقت و تخلیہ دماغت نشود و بکارت نخورد۔ کُلُّ يَغْنَلٍ عَلَى شَاكِلَتِهِ
ہر کسی کار میکند بر طریقہ خود۔

الشَّعْرُ كَلَامٌ مَحْسَنٌ حَسَنٌ وَقِيحُهُ قَبِيحٌ الْعَزِيزُ مِمِّشٌ بَاوُضُو بَاشْ كَمَا وَضُو اسْلَاحٍ
شعر کلام است بہتر و بہتر است و قبیح او مبشج۔

مومن میگویند کسیکہ با وضو باشد شیطان از او میگریزد۔ ما و امیکہ مومن با وضو باشد

خدا تعالیٰ او را دوست میدارد۔ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ
و خدا دوست میدارک پاک باشندگان را۔

مکن۔ مسواک را از یک وجب زاید مدار۔ و از جانب عرض مسواک کنی نہ از
بالشت عرض دندان

طوش۔ و استعمال مسواک فواید کثیرہ دارد۔ بجمہ آن دو رکعت نماز با مسواک برابر است

سورہ بقرہ (۱۱۰)
سورہ بقرہ (۱۱۱)

سورہ بقرہ (۱۱۲)
سورہ بقرہ (۱۱۳)

سورہ بقرہ (۱۱۴)
سورہ بقرہ (۱۱۵)

سورہ بقرہ (۱۱۶)
سورہ بقرہ (۱۱۷)

سورہ بقرہ (۱۱۸)
سورہ بقرہ (۱۱۹)

بانیقما و رکعت بے مساواں) انہم ہر گاہ وضو کنی متوجہ قبلہ شوی خجہ تیم آن نظر سوی آسمان کنی و

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ سَيِّدَنَا مُحَمَّدًا عَبْدَهُ وَرَسُولَهُ

گو اہی میدہم کہ نیت ہی معبود و گرانہ تھا اذیکتا است و شریک و دیگر نیت گو اہی میدہم کہ محمد (صلی اللہ علیہ وسلم) بندہ و رسول اوست

بخوان ثواب بسیار یابی و این عاخوانی که اَللّٰهُمَّ کَمَا طَهَّرْتَنَا بِالْمَاءِ فَطَهِّرْنَا مِنَ الذُّنُوبِ

خدا یا چنانکہ مارا باب پاک کر دی ہیمچنان از گناہان پاک بکن۔

چون برین عبادت کنی هشت دروازه بهشت براتو گشاده شود و خدا تعالی گناہان می بخشد

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ

اے مسلمانانِ چون بر خیزید بسوئے مناز پس بشوئید روی خود را و دستہائے خود را تا آرنج

وَأَمْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلُكُمُ إِلَى الْمَعْبُوتِ ۚ الْغُرُزُ هِرْگَاهِ اَوَازِ اَذَانِ بَکُوشِ تَوَ

و مسیح کنسید سر خود را و بشوئید پا بہا، خود را تا نشا لنگ۔

برسد - در آنوقت سخن گوی - جواب اذان ^{۵۲} سنت است آنچه موزن میگوید تو نیز جواب آن گوی

وَبُوتَ حَتَّى عَلَى الصَّلَاةِ وَحَتَّى عَلَى الْفَدَاحِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ جُؤَاءِ

بِعِزَّتِهِ اَوْ اِنْ يَنْجَاكَ اَللّٰهُمَّ رَبَّ هَذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ وَالصَّلَاةِ الْقَامَّةِ

اے مالک! این طلب کاملہ و رحمت قائمہ ہستی

اَتَسَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَالْوَسِيْلَةَ وَالْفَضِيْلَةَ وَالْدَّرَجَةَ الرَّقِيْعَةَ وَابْنَهُ مَقَامًا

بدنِ نزارِ محمد (صلی اللہ علیہ وسلم) را وسیلہ و بخشش اور افضلیت و درجہ بلند و برانگیز اور اہم مقام

مُحَمَّدٌ الَّذِي وَعَدْتُمْ وَأَرْزَأْتُمْهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّكَ لَخَلْفُ الْمِعَادَةِ إِخْرَاقُ

محمود که دغدغه کرده تو او را نصیب گردان ما را شفاعت اور و ز اقیامت بدستیکه تو خاتم نخواهی کرد وعده را!

4
(4) 5 6 7 8 9 10 11 12 13 14 15 16 17 18 19 20 21 22 23 24 25 26 27 28 29 30 31 32 33 34 35 36 37 38 39 40 41 42 43 44 45 46 47 48 49 50 51 52 53 54 55 56 57 58 59 60 61 62 63 64 65 66 67 68 69 70 71 72 73 74 75 76 77 78 79 80 81 82 83 84 85 86 87 88 89 90 91 92 93 94 95 96 97 98 99 100 101 102 103 104 105 106 107 108 109 110 111 112 113 114 115 116 117 118 119 120 121 122 123 124 125 126 127 128 129 130 131 132 133 134 135 136 137 138 139 140 141 142 143 144 145 146 147 148 149 150 151 152 153 154 155 156 157 158 159 160 161 162 163 164 165 166 167 168 169 170 171 172 173 174 175 176 177 178 179 180 181 182 183 184 185 186 187 188 189 190 191 192 193 194 195 196 197 198 199 200 201 202 203 204 205 206 207 208 209 210 211 212 213 214 215 216 217 218 219 220 221 222 223 224 225 226 227 228 229 230 231 232 233 234 235 236 237 238 239 240 241 242 243 244 245 246 247 248 249 250 251 252 253 254 255 256 257 258 259 260 261 262 263 264 265 266 267 268 269 270 271 272 273 274 275 276 277 278 279 280 281 282 283 284 285 286 287 288 289 290 291 292 293 294 295 296 297 298 299 300 301 302 303 304 305 306 307 308 309 310 311 312 313 314 315 316 317 318 319 320 321 322 323 324 325 326 327 328 329 330 331 332 333 334 335 336 337 338 339 340 341 342 343 344 345 346 347 348 349 350 351 352 353 354 355 356 357 358 359 360 361 362 363 364 365 366 367 368 369 370 371 372 373 374 375 376 377 378 379 380 381 382 383 384 385 386 387 388 389 390 391 392 393 394 395 396 397 398 399 400 401 402 403 404 405 406 407 408 409 410 411 412 413 414 415 416 417 418 419 420 421 422 423 424 425 426 427 428 429 430 431 432 433 434 435 436 437 438 439 440 441 442 443 444 445 446 447 448 449 450 451 452 453 454 455 456 457 458 459 460 461 462 463 464 465 466 467 468 469 470 471 472 473 474 475 476 477 478 479 480 481 482 483 484 485 486 487 488 489 490 491 492 493 494 495 496 497 498 499 500 501 502 503 504 505 506 507 508 509 510 511 512 513 514 515 516 517 518 519 520 521 522 523 524 525 526 527 528 529 530 531 532 533 534 535 536 537 538 539 540 541 542 543 544 545 546 547 548 549 550 551 552 553 554 555 556 557 558 559 560 561 562 563 564 565 566 567 568 569 570 571 572 573 574 575 576 577 578 579 580 581 582 583 584 585 586 587 588 589 590 591 592 593 594 595 596 597 598 599 600 601 602 603 604 605 606 607 608 609 610 611 612 613 614 615 616 617 618 619 620 621 622 623 624 625 626 627 628 629 630 631 632 633 634 635 636 637 638 639 640 641 642 643 644 645 646 647 648 649 650 651 652 653 654 655 656 657 658 659 660 661 662 663 664 665 666 667 668 669 670 671 672 673 674 675 676 677 678 679 680 681 682 683 684 685 686 687 688 689 690 691 692 693 694 695 696 697 698 699 700 701 702 703 704 705 706 707 708 709 710 711 712 713 714 715 716 717 718 719 720 721 722 723 724 725 726 727 728 729 730 731 732 733 734 735 736 737 738 739 740 741 742 743 744 745 746 747 748 749 750 751 752 753 754 755 756 757 758 759 760 761 762 763 764 765 766 767 768 769 770 771 772 773 774 775 776 777 778 779 780 781 782 783 784 785 786 787 788 789 790 791 792 793 794 795 796 797 798 799 800 801 802 803 804 805 806 807 808 809 810 811 812 813 814 815 816 817 818 819 820 821 822 823 824 825 826 827 828 829 830 831 832 833 834 835 836 837 838 839 840 841 842 843 844 845 846 847 848 849 850 851 852 853 854 855 856 857 858 859 860 861 862 863 864 865 866 867 868 869 870 871 872 873 874 875 876 877 878 879 880 881 882 883 884 885 886 887 888 889 890 891 892 893 894 895 896 897 898 899 900 901 902 903 904 905 906 907 908 909 910 911 912 913 914 915 916 917 918 919 920 921 922 923 924 925 926 927 928 929 930 931 932 933 934 935 936 937 938 939 940 941 942 943 944 945 946 947 948 949 950 951 952 953 954 955 956 957 958 959 960 961 962 963 964 965 966 967 968 969 970 971 972 973 974 975 976 977 978 979 980 981 982 983 984 985 986 987 988 989 990 991 992 993 994 995 996 997 998 999 1000 1001 1002 1003 1004 1005 1006 1007 1008 1009 1010 1011 1012 1013 1014 1015 1016 1017 1018 1019 1020 1021 1022 1023 1024 1025 1026 1027 1028 1029 1030 1031 1032 1033 1034 1035 1036 1037 1038 1039 1040 10

کتابت فیروز (۱۹۱۵ء)

۹۲
تکلیفیه
(۱۰)

رباجاعت) نماز فرض گزاردن افضل است و آخر وقت مکروه - چون آواز اذان

فرض امر حق و تقاضاست قول فعل سول صلی الله علیه وسلم

بگوش تو برسد - کارهای خود بگذار - و به نماز مشغول شو - و نماز را بروقت باد آب و شیرا

بجا آر نماز بشرایط چون برق تابنده با آسمان رود - و نماز بکراهیت با آسمان راه نیابد - با

بروئ گزارنده برزنند - بوقت نماز از جمیع اندیشه‌ها دل خود را پاک ساز - و با خشوع

و خضوع ادا کن و یقین دان که خدایتعالی ترا می بیند - و نماز بغیر حضور قلب نفع نمی دهد ششوی

پاره از گوشت در پهلوی تو بزرگتر داند ورق از خوی تو بپاره آن گوشت را دل خواند

استین بر بیدلان فسانده بزرگتر است بی سالی بکل کجا بزرگتر است و معنی است آن دل کجا

هیچ مشکل نیست جز بچاک دل عجل حیران است و در ادراک دل

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ ۚ اِلَّا مَنْ اَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ

روزی که فائده ندهد مال و فرزندان و لیکن صاحب فائده آن بود که با روح پاک و خالص خدا را بپسندد

لَا يَصْلُحُ اِلَّا بِحُضُورِ الْقَلْبِ ۚ نماز خواص همین است الصلوة عماد الدین

نیست نماز مگر بحضور قلب نماز ستون دین است

و مدار دین بر نماز است - نماز بارگزاران است - اگر از عهد نماز برآید می میرد

نماز
مکروه

نماز
مکروه

نماز
مکروه

نماز
مکروه

وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِيْ أَسْتَجِبْ لَكُمْ ۚ اِنَّ اُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ
 گفت پروردگار شما دعای بندگان را بپذیرد و استجاب کند برایشان. اینان بندگان پرهیزگارند.

اِنَّ رَبِّيْ قَرِيبٌ مُّجِيبٌ ۚ اِنْ دَعَاكَ دُعَاؤُهُ وَدَعَا بَعْدَ نَازِ سَجَابَتٍ - رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاؤَنَا ۝
 پروردگار من بسیار نزدیک است و جواب می‌دهد. اگر تو مرا دعا کنی و دعا بعد از نماز استجاب است. - ای خداوند ما را بپذیر و بپذیر دعای ما را.

وَرَسَانِ بَشٍ كَمَا يَقْبُولُ دُرَّكَاهُ شَدِيدًا - وَمَا يَوْسُ شَوْوُ مِيدِ قَبُولِ بَدَارِ لَا تَقْضُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ
 و در سان باش که ای قبول درگاه شدیدی است. و مایوس نشوید قبول بدار را. قطع نکنید از رحمت خدا. این خداوند است.

يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ۝ رَابِعِي ۝ بَارِئًا بَارِئًا آهَرَ نَاجِي ۝ بَارِئًا
 می آمرزد گناهان را همه یکجا. او بخشنده و مهربان است. چهارم: باری باری آهسته آهسته نجات دهنده. باری باری آهسته آهسته نجات دهنده.

گَر کافِر و کَرِبت پَرستی بَارِئًا این درگاه مایوس نمیدی نیست. صد بار اگر تو شکستی بَارِئًا
 چون نماز ادا کردی در هر فعل و حالت از یاد رازق و آفریننده و آمرزنده ما غافل مباش.

فَوَيْلٌ لِلنَّفْسِ مِنَ الْقَسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ أَوْ لِيَأْكُلَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۝ حَتَّى يَهْتَفِ بِكَ
 پس وای برای نفس از قسیت قلبش از یاد خداوند. او را بگردانند از یاد خداوند. او را بگردانند از یاد خداوند. او را بگردانند از یاد خداوند.

فرو میرود و تمجیحات است در آن کَلَامُ اللَّهِ و چون برمی آید منج ذوات

در آن کَلَامُ اللَّهِ نگاهدار. که او تعالی شانه روزانه بر ما بحساب احسانات

میکنند هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ ۝ هَر خِند که معاوضه احسان
 نیست جز آن نیکوکاری که مگر انعام بسیار

احسان است و لے با خدا تعالی احسان نمودن از طاقت بشری دور. و امکانی ندارد

۹۴

سوره (سجده)

۹۵

سوره (سجده)

۹۶

سوره (سجده)

۹۷

سوره (سجده)

۹۸

سوره (سجده)

۹۹

سوره (سجده)

۱۰۰

سوره (سجده)

۱۰۱

سوره (سجده)

۱۰۲

سوره (سجده)

۱۰۳

سوره (سجده)

۱۰۴

سوره (سجده)

۱۰۵

سوره (سجده)

۱۰۶

سوره (سجده)

۱۰۷

سوره (سجده)

۴۰
سوره الفاتحه (۱۰۰)

اَنَا يَا مُحْسِنِ حَقِيقِي خُودِ غَافِلِ بُوْدُنِ عَيْنِ عِبُوْدِيَّتِ اسْتَفْذَا اَقْضِيَّتِمَّ الصَّلَاةَ

فَاذْكُرْ وَاللّٰهَ قِيَامًا وَتُعُوْدًا وَ عَلٰى جُنُوْبِكُمْ فَاِذَا اطْمَآنَنْتُمْ فَاَقِمُوا الصَّلَاةَ

پس یاد کنید خدا را ایستاده و نشسته و بر پهلو و پیش
پس چون آرامیدید برپا کنید نماز را
اِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِيْنَ كِتَابًا مَّوْقُوْتًا ۝ اَللّٰهُمَّ يَا مُجُوْلَ الْاَحْوَالِ حُوْلِ اَحْوَالِ الْجَنِّ حُوْلِ
هر آئینه هست نماز بر مومنان فرض وقت معین کرده شده - اے خدا اے برگرداننده حالات برگردان حلالات ملامت
و در روز جمعه غسل سنت است غافل مباش که شب جمعه و روز جمعه مورد رحمت الهی است

تَعَالٰی شَانُهُ - و عِبَادَتِ مَعْبُوْدِ حَقِيقِيْ مُشْغُوْلِ بَاشِ رُوْدِ شَرِیفِ کِبَرَتِ بَخْوَانِ وَ صَلُوْةِ اَبَسْتِیْجِ

ہم ادا کن - سورہ کہف قرأت نما تا از فتنہ مسیح و جال امین باشی و ہر گاہ مسجد داخل شو

اَوَّلَادٍ وَ رُكْعَتِ نَازِحِیَّتِہِ لِمَسْجِدِ اِدَا بَکِنِ وَ نِیَّتِ اعْتِکَافِ بَازِ وَ سَوَآءِ - قَالَ اللّٰهُ وَقَالَ الرَّسُوْلُ

فَرَسُوْدُہِ خُدا وَ فَرَسُوْدُہِ سَلٰمِ
سخنی از امور دنیاوی بزبان میار - ہر کہ در مسجد سخن گوید حسناش پا مال میگرد و چنانکہ

اتش - ہنیرم رامی خورد - تا مدتیکہ در مسجد بلا تحکم و انتظار نماز باشی گویا در عین نماز بود

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمٍ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ

اے مسلمانان چون اذان داده شود بر اے نماز برو جمعہ - پس سعی کنید بسوی یاد کردن خدا و بگذاردید خرید و فروش
ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ وَ أَذْكُرْ اللّٰهَ كَثِيْرًا اَلَعَلَّكُمْ تَفْلَحُوْنَ ۝

این بہتر است شمارا اگر میدانید - و یاد کنید خدا ایتعالی را بسیار تا شمار ستگار شوید -

۴۰
سوره الفاتحه (۱۰۰)
انجیل

العزیز هرگاه امام گردانیده شوی بر عایت مقتدیان نماز ادا کنی - بعض تبخروا لها

لیاقت و قراءت سوره ها و وظایف مطول میخوانند و نیز دعا پس این موجب اذیت مقتیدان

است و نماز تهجد بخوان که نماز تهجد بسیار فضیلت دارد - **يَتَجَاوَزُ جُؤُهُ عَنِ الْمَضَالِجِ**

اقل درجه چهار رکعت

يَدْعُو زَكَّيْمًا و خوف و طمأنه ایتعالی بر پیغمبر مصلی السد علیه وآله وسلم فرض گردانیده - و براسا

می خوانند پروردگار خود را ترس آمیز

وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ و نماز تراویح سنت موكده و چون نماز باشد

و بعضی شب بیدار باش بقرآن شب بخیزی زیاد است

اذا کردی - افضل آنست که تا برآمدن آفتاب از مصلی خود برخیزی بعد برآمدن آفتاب و رکعت نماز

اشراق بگذاری و نماز صبحی نیز بگذاری که در آن فضایل کثیره است و نماز عید

و کسوف و استسفاست و نماز جنازه فرض کفایه و بے وضو داخل مسجد نشو - و دود

رکعت نماز تحیتة المسجد و بعد الوضو سنت است در حالت حدیث کبیر قیام در مسجد

هر وقت که داخل مسجد شوی هر وقت که وضو کنی -

حرام - و تفصیل این همه ابواب از کتب فقه بدان **العزیز** اشتغاف بسیار بکن

غسل ۱۲

که استغفار محو گرداند تقصیرات - **وَأَسْتَغْفِرُكَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ لِمَنْ رَحِمَ**

و آمرزش طلب کنی از خدا - هر آینه خدا آمرزنده مهربان است

منه و بعضی از امامان

منه و بعضی از امامان

منه و بعضی از امامان

منه و بعضی از امامان

منه و بعضی از امامان

منه و بعضی از امامان

منه و بعضی از امامان

منه و بعضی از امامان

منه و بعضی از امامان

منه و بعضی از امامان

خواندن سنت است **فَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ**

پس وقتی که خواهی قرآن خواندن پناه طلب کن بحد از شیطان رانده شده.

و در ابتدای سوره **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** خواندن هم سنت است و کوشش و سعی

نما در ادائی حروف تا از مخارج شان ادا کنی **وَدَّرَّ تِلْ الْقُرْآنُ تَرْتِيلًا** قرآن را مثل

در تریل کن قرآن را بواضح خواندن.

نفس کعبه مشاهده و معاینه نمودن عبادت است **مُحَدَّرَاتِ** سراپا و های قرآنی

چه دلبر اند که دل می برند پنهانی **وَبِ وَضُوءٍ مِّنْ آن مَكْنٍ** **لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ**

که دست نیرساند بآن مگر پاک گرد

و بر نکات و معنی اش نگا هدار. و برو عید از قهر کبر بای پناه جو و زونخ هراسان باش هر که

از دوزخ ترسان باشد. او را خدا تعالی از آتش دوزخ خلاص دهد. و برو عده های خدا

خواهان بهشت باش. **إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِعَادَ الْعَزِيزُ** با وضو بخواب

بدستیکه خدا آیتها خلاف نمی کند و عده را

که روح مومن بعرضش میرود. و بعد نماز خفتن. پیش از خواب

آيَةُ الْكَرْسِيِّ تا **وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ** بخوانی. و رو بقبیل بخواب

و او بلند و بزرگ است

آیه کرسی

و دست راست زیر روئے خود بگذاری. و چون از خواب برخیزی

سوره بقره (۲۱)

سوره بقره (۲۲)

سوره بقره (۲۳)

سوره بقره (۲۴)

سوره بقره (۲۵)

سوره بقره (۲۶)

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانَا بَعْدَ مَا أَمَاتَنَا وَإِلَيْهِ الْمَشُورَةُ يَا بَحَّانَ اللَّهِ

شکر خدا تعالی است که او ما را بعد مردن زنده نموده و بجانب اوست رجوع - خدا پاک است
بگو و دست خود را در هیچ طرف آبه مینداز - تا آنکه سه مرتبه آنرا نشوئی - زیر آنکه مینداز

در منام دست تو بجا بود **یغریز** آخر شب بیدار باش که آنوقت رحمت الهی است

تعالی شانه هر که در آنوقت در خواب است - از رحمت خدا تعالی محروم است -

صبح صادق مرهم کافور دارد و در غسل ۴ اگر علاج زخم عصیان میکنی بشیار باش

تو در خواب غفلت هستی و خدا تعالی بیدار - لَا تَأْخُذُ سِنَةً وَلَا نَوْمًا

نگیرد او را غنودگی و نه خواب -

پس میان نخفته و بیدار محبت چگونه تواند شد - لهذا همواره سحر خیزی عادت کن از

و عاغل منشی ۵ هر کان سعادت که خدا داد بجا نهد از او در شب مار و دعا سحری بُوَد

هر چند که در در در رمی افزاید - و در دندم می نماید - شل مار و دم بریده و مرم

مار گزیده پیچ و تاب میخورد ۵ کجایم و کچیم حال دل کز گویم ۴ که گشته ام زغم و جور و زکا

۵ مراد دیت اندر دل اگر گویم زبان سوزد و دگر دم در کشم ترسم که مغز استخوان سوزد

۴
شکر خدا تعالی
۵
بگو و دست خود را

۴
باید که در
سوره تغیر

۵ از آن گریان است چشم من که از لوح وجود خود به بشویم نقش خویش صورت آن یار بر بندم
مگر آنقدر دانه که دعای بهنگام در مقبول و مدعا زود حصول میشود. یارب دعا من جز این نیست

حشر ما برسول کن و این عار قبول کن

عید کسان بغیر شوال میشود و عید من آن زمان که بنیم حال دوست و آه مقصد جان مطلب دل

مطلوب دل از در تو حاصل و مشکل تو بجه آسان و آسان بغافل مشکل و آهی فراق تو یار دیرینه

غم تو غم کسار دیرینه و در تو تو همان هر روز و داغ تو یادگار دیرینه

رَبِّ اَوْزِعْنِي اِنْ اَشْكُوْكَ الْغَيْثَ الَّذِي اَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَتِي

ای پروردگار من الهام کن مرا که شکر این نعمت تو کنم که انعام کرده بر من و بر پدر و مادر من

وَ اَنْ اَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَاَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِيْ عِبَادِكَ الصَّالِحِيْنَ

و الهام کن که بجا آیم که در شایسته که خوشنود شوی بآن و در آرم بر رحمت خود و زوره بندگان شایسته خویش -

۵ ارباب حاجت تیم و زبان سوال نیست و در حضرت کریم تنای حاجت است

جان جهان نماست ضمیر منیر دوست و اظهار احتیاج خود آنجا چه حاجت است

۵ چو کل منبش ما خاک رگه تو بود و کجارویم بفرما از این جناب کجا

۵
باز در دعا
سوره نوح

۵ آنجا که لطفِ شاملِ خلقِ کریم تست ۵ جُرمِ گزشتۀ عفو کن و با جبرِ پیرس ۵

دل گفت و صالش بدعا باز توان یافت ۵ عمر سیت که عمرم همه در کار دعا رفت ۵

دست از طلب ندارم تا کار من بر آید ۵ یا جان رسد بجانان یا جان ز تن بر آید

ذوقی چنان ندارد بے دوست زندگانی ۵ بے دوست زندگانی ذوقی چنان ندارد ۵

آنچه از بارِ غمش بر دل مسکین نیست ۵ برود دل ز من و از دل من آن نرود ۵

شنیده ام سخنِ خوش که پیر کنعان گفت ۵ فراقِ یار نه آن میکند که توان گفت ۵

گر یک شب بے دست من افتد بخار من ۵ مشکل بود که دانش از کف رها کنم ۵

دی گفت طبیب از سرِ حسرت چو مرادید ۵ مہیات که در دو ز قانونِ شفا رفت باعی

تا طن نبری که از جهان میترسم ۵ از مردن از رفتن جان میترسم ۵ مردن چو حقیقت است از آن نیست ۵

چون نیک نزیستم از آن می ترسم ۵ ۵ رسیده مرده که آیا مغم نخواهد ماند

زندگی نکردم

چنان ماند و پسین نیز هم نخواهد ماند ۵ یقین می پندارم که هم درین نزدیکی دعا می

اثر آید- و سرین بر آن در آید- آمین ۵ یا بنی الله اَلَسْتَ لَمْ عَلَیْكَ

روضه مقدس

اِنَّمَا الْفَوْزُ وَالْفَلَاحُ لَدَیْكَ ۶ بِسَلَامِ اَدَمِ جَوَابِمِ ده ۶ مَرَمِ بِرَدْلِ خَرَابِمِ نه

بس بود جاہِ احترام مرا ۶ یکِ علیک از تو صد سلام مرا ۶ زاری من شنو تحکم کن

گریه من نگر قسم کن ۶ لب بجناب پئے شفاعت من ۶ منکر در گناه و طاعت من

ایغریز محبت سه قسم است - اولاً مثل در در که تکلیف میدهد و ایند امیر ساند

و آن محبت ماسوا الله است - و دوم مثل دارو که تلخ است دفع مرض - گاه بگاه

ضرورت آن می افتد - سوم مثل غذا که بغیر آن گذیرے نیست - پس اگر تو

با خدا اتیعالی و رسول مقبول علیه الف الف صلوة و سلام - اعلی ترین محبت مثل غذا

(که بدون آن رستگاری نیست) بدل داری ایمان تو کامل است - و اگر

قسم دوم مثل دارو و نیداری از حسن خاتمه تومی ترسم - هر قدر که محبت

میداری - همان قدر یادش می کنی - مَنْ أَحَبَّ شَيْئًا كَدَّ ذِكْرَهُ ۶

هر که محبوب دارد و پذیرای بسیار می کند ذکر او

ع چراغِ خانه دل روئے یار است ۵ دانه چون اندر زمین پنهان شود
 بعد از آن آن سرسبزستان شود قطعه ای از کرمت امیدوارم ۶ جز در محبت تو کس ندانم
 رحمی کن و دستگیر من شو ۶ برتست حواله جمله کارم رباعی یارب تو کریمی و رسول تو کریم
 صد شکر که هستم میان دو کریم ۶ ما را چه غنیم روز قیامت باشد
 سلطان چو کریم آمد و دیوان چو کریم ۵ بصرم ما پیشه رحمت تو هست
 در هوا پیشه مستقیم کجاست رباعی شاما ز کرم بر من دلش نگر ۶ بر حال من خسته و دلش نگر
 هر چند نیم لایق بخشایش تو ۶ بر من منگر بر کرم خویش نگر رباعی با رحمت تو من از گنه نشدم
 با توشه تو زرنج ره ننداشتم ۶ اگر لطف تو ام سپید روان گیرد ۶ یکند زه ز نامه سیه ننداشتم
 مشومی بر کجا آب روان حضرت بود ۶ گریه من باعث رحمت بود
 نه که نالان است بیش از چوبیست ۶ چوب نال دل نالده خوب نیست
 تا نگرید کودک حلوا فروشنش بحر بخشایش نمی آید بوجوشش

سوره زمره
ایضاً

ایضاً

أَدْعُوا رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا ۚ إِنَّهُ يَكُونُ رَازِقًا يُغِثُ الْغَائِبِينَ ۚ وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا ۚ
یا کنید پروردگار خود را زاری کنان پوشیده از مردمان آئینه او دوست اندازد که زندگان را - و پیرستید او را ترس و امید
إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ ۚ وَادْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً ۚ
هر آینه بخشایش خدا نزد یک است از نیکوکاران یاد کن پروردگار خود را در ضمیر خود بزاری و ترسکاری و یاد کن
وَدُونَ الْجَهْمِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُقِ وَالْأَصَالِ وَلَا تَكُن مِّنَ الْعَافِينَ ۚ
پروردگار خود را بکلام پست تر از بلند آوازی بآید و شش نگاه و بهاش از غافلان -

خیال کن

مذبح می شوند چون آنها را عموماً عادت سحر خیزی است. او تعالی شانه در توالد و نما

خیله خیر و برکت داده - با وجودیکه ماده اش یک یا دو بزغاله می زاید و همیشه کر و باموجود

می باشد ۵ خوشتر آن باشد که سر و لبران ۶ گفته آید در حدیث دیگران

و بخلافش

تخفیف تولید سگان را بخواهیدگی دم صبح - سبب است بین ما و

آن بهر دفعه چهار و پنج پنج تولد می دهد و کسی این را نمی خورد - با وجود این تعداد سگ

مقابل گوشت آن هیچ نیست حضرت اتمان سپهر نصیحت فرمود یبسی لا یكون الذی لا یمنی

ای سپهر دشمن باشد مغ زیرک از تو

ای عزیز

مرست مادر و پدر خویش نگاهدار - در رضای آنها رضای خدا تعالی دان

چگونه بگویند

و با ایشان در کلام هرگز خشونت و درشتی مکن - ^{۱۵}وَبَالُوا الدِّينَ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ

و بکنید با پدر و مادر نیکو کاری اگر برسد

عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا آفٍ وَلَا تُنْهَرُهُمَا

نزد یک تو بچکان سال کی از ایشان یا هر دو پس گوا ایشان را آفت و بانگ مزن

وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ۖ وَانْخِفْضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ

بر ایشان و بگو با ایشان سخن نیکو - و پست کن بر ایشان بازوی تواضع را از جهت مهر با آن

وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْنِي صَغِيرًا ۖ پس از مردن خامه اعمال میشو - اما

د بگو ای پروردگار من بخش بر ایشان چنانکه پرورش دهنده مرا در غایت

عمل ستم کس که ثواب و نتیجه آن پیوسته برقرار می ماند - ^{۱۶}أُولَ الْأَوْفَاقِ دَوْمَ تَعْلِيمِ

علم - سوم اولاد و صاحب که جهت مادر و پدر خود دعای خیر به کنند

فَإِنِ اهْتَدَىٰ فَاِنَّمَا هَدَىٰ لِنَفْسِهِ ۚ وَمَنْ ضَلَّ فَاِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهِمَا وَمَا اَنَّا عَلَيْكَ بِوَكِيلٍ ۚ

پس هر که راه یافت جز اینست که راه یافت بر خود - و هر که گمراه شد جز این نیست که گمراه میشود بریان خود و نیم من بر شما نگهبان

مَنْ اهْتَدَىٰ فَاِنَّمَا هَدَىٰ لِنَفْسِهِ ۚ وَمَنْ ضَلَّ فَاِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهِمَا ۚ

هر که راه یا بد پس جز این نیست که راه میابد بر نفس خود - و هر که گمراه شود پس جز این نیست که گمراه میشود بر نفس خود

وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ۚ ذَرْهَا لَهَا وَ اَلْغَرِزُ مَحْطِيسٌ رَابِعِيَّتُ يَادُنْ

و نه بردار هیچ بردارنده بار گناه دیگر -

که غیبت از زنا بدتر است - و نیکی با راحو سازد - غیبت آنست که پس

پشت کسی عیب او بیان ساز نمی شخصی عرض کرد که یا رسول الله صلی الله

سوره (نجم) (۱۵)

سوره (نجم) (۱۶)

سوره (نجم) (۱۷)

علیه وسلم اگر درو آن عیب باشد فرمود عیبی که باشد ذکر او غیبت است چنانکه

درو نباشد بهتان کردی برا و همت ساختی - ^{۱۰} **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا هَؤُلَاءِ الظَّنَّ**
 اے مسلمانان! خراز کنید از بسیاری گمان بد

إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا هَؤُلَاءِ أَعْيُنُ
 هر آینه بعض بدگمانی گناه است و جاسوسی نکنید و غیبت نکنند بعض شما بعض را - ایا دوست میدا
أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ هَؤُلَاءِ أَعْيُنُ النَّاسِ
 کسی از شما که بخورد گوشت برادر خود که مرده باشد پس متنفر شوید از او به ترسید از خدا که تحقیق خدا از تو به پدر و برادر
الغیر از نامحرمان چشم بدوز که نظر بسوی نامحرم بدتر است از ترکش

^{۱۱} **زَهْرُ الْوَدَّاءِ بَلِيسٌ - وَأَمَّا يَنْذَرُكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ**
 و اگر دوسوسه اندازد ترا از جانب شیطان سوسه اندازنده پس بنا طلب کن از خدا هر آینه شنوا و
^{۱۲} **وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانِي إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا هَؤُلَاءِ قُلُوبُ الْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّونَ أَبْصَارَهُمْ**
 و نزدیک مشوید زنا هر آینه و بی حیائی است بدراهی است - بگو مردان مسلمان که پوشند چشم خود را
^{۱۳} **وَيَحْفَظُوا أَرْوَاحَهُمْ ذَلِكَ أَنْزَلَ اللَّهُ خَبَرٌ بِمَا يُصْنَعُونَ هَؤُلَاءِ**
 و نگاه دارند شرکگاه خود را این پاکیزه تر است ایشانرا هر آینه خدا خبردار است آنچه می کنند
^{۱۴} **وَقُلُوبُ الْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّونَ أَبْصَارَهُمْ وَيَحْفَظُونَ أَرْوَاحَهُمْ هَؤُلَاءِ قُلُوبُ الْمُؤْمِنِينَ**
 و بگو زنان مسلمانانرا که پوشند چشم خود را و نگاه دارند شرکگاه خود را - و او با شماست هر جا که باشد
وَاللَّهُ يُبَيِّنُ لَكُمْ بَصِيرَتَهُ الْغَيْرُ که کهن جائه خویش پیر استن
 و خدا با آنچه میکند مبنا است -

مطلب
 به از جائه عاریت خواستن * آنچه خواهی از خدا تعالی بخواه و از غیر او خیر

۱۰
 بایزه (دو)
 سوره (احزاب)

۱۱
 بایزه (دو)
 سوره (اعوان)
 ۱۲
 بایزه (دو)
 سوره (احزاب)
 ۱۳
 بایزه (دو)
 سوره (احزاب)
 ۱۴
 بایزه (دو)
 سوره (احزاب)

وَأَعْتَصِمُوا بِاللهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ إِنَّ اللهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ
 وچنگ زیند بخدا است خداوند شما۔ پس نیکو خداوند است و نیکو مددگار است۔ ہر کس نے خدا کو اپنا غالب
 وَاللهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ۝ اگر تو فتوحی حلال رسد و مکن۔ بقدر
 و خدا سے روزی دید ہر کس کو اپنا مددگار۔

احتیاج خود قناعت کردہ تتمہ محتاجین و مستحقین را بدہ۔ چیر کیہ حلال بی سوال رسد

دادہ خداست ۵ یارب تو چنان کن کہ پریشان نشوم ۶ محتاج برادران خوششان نشوم

بے منت مخلوق مرا روزی و دہ ۷ تا زور تو برد ایشان مُرم ۵ یارب دے خلق تکیہ گاہم کنی

محتاج گدا و پادشاہم کنی ۸ موسیٰ سیہم سفید کردی ز کرم ۹ باموے سفید رو سیاہم کنی

و آنچه خوری از کسب خود بخور۔ ہر کہ از کسب دیگر لقمہ خورد۔ او در ثواب عباد

شرک شود ۱۰ یک نان جوی نصیب تو شود نیمی بخور۔ و نیمی دیگر بفرا بدہ۔ خدا تیرا

نمی پسند کہ تو سیر باشی و فقیر گر سنہ ۱۱ نیم نامے گر خورد و مرد خدا ۱۲ بدل درویشان کند

نیمی دگر ۱۳ نیم نان بستاند و صد جان دہد ۱۴ آنچه در و ہمت نیاید آن دہد

وَمَنْ يَخْلُ فَلَا يَخْلُ عَنْ نَفْسِهِ ۝ **الغریز** لقمہ کسب حلال بدست
 و ہر کہ بخل میکند جز این نیست کہ بخل می کند از خویش

۴
 یارب تو چنان کن کہ پریشان نشوم
 ۵
 محتاج برادران خوششان نشوم

۵
 شکوہ صفحہ ۵۴

۵
 یارب تو چنان کن کہ پریشان نشوم
 ۵
 شکوہ صفحہ ۵۴

واز حرام و شبهات دور باش - هر طاعتیکه از قوتِ حلال کرده شود - مقبول - و از قوتِ حرام

ع
شکسته

مردود - اگر یک بقعه از حرام یا مشبه بجرام خوری - تا چهل روز نظر رحمت تو نمیرسد

و حلاوتِ عبادت نمی یابی - **فَكُلُوا مِن ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ وَاسْكُرُوا**

پس بخورید از آنچه خدا روزی داد شمارا حلال پاکیزه - و شکر کنید

بِعَمَلِهِ إِنَّ اللَّهَ إِنَّكُمْ إِيَّاهُ تُعَبِّدُونَ پیغمبران علیهم السلام و دیگر ارکان دین کسبِ حلال
بر نعمت خدا اگر او را می پرستید -

ع
باید در سر
سوره زلزال

اختیار کرده بودند - اکثر اهل دین را کسب و حرفت را کسر خود میداند - و نوکری

فخر - حالانکه معامله بالعکس است - نهانی بد و روزگارشود حاصل مرد

و زکوزه بشکسته دم آب سرد و ما مور کس و گرچه باید بود تا خدمت

چون خودی پس باید بود - و علاوه بر آن در بسیاری از نوکری خلافِ شرع است

واقع میشوند و حرام - و اگر پیشه ملازمت اختیار کنی - خیال دار که در آن خلاف

احکام الهی حکمی نباشد که بر آن ترا عمل کردن افتد - **وَمَنْ لَوْ حَضَرَ بِنَا أَنْزَلَ اللَّهُ**

و هر که حکم کند با آنچه خدا فرستاده است

فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ عیدی است سخت - و عمل موجب اوبار دنیا است
پس ایشانند نامعتقدان -

ع
باید در سر
سوره زلزال

ویک سبب و بالِ آخرت۔ اوّل ملازم را خلافِ حکمِ بالادستِ خود عمل کردن دوم

بیمار را خلافِ رائے طبیبِ حُسن۔ سوم مرید را خلافِ حکمِ مرشدِ راهِ پیوند

دستِ زنِ بردار منِ صاحبِ دلے پڑبو کہ آسانِ کرد و دستِ ہر مشکلے ۴ لیکن تجبت

بالادستِ ظالمِ ملازمِ مکن۔ اَللّٰهُمَّ لَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا جَارًا شَقِيًّا و از علاج

خدا یا جبار شقی را بر ما مسلط نہ ما۔

طبیبِ نادان بہ پرہیز۔ نیم طبیبِ خطرِ جانِ مشہور است۔ و بردستِ پیرِ مخالف

شرعِ شریفِ بیعتِ مکن۔ و نیم مرشدِ خطرِ ایمان است ۵ اسی بسا ابلیس آدم و ہست

پس بھر دستے نباید داد دست۔ و مرشدِ کامل و حاکمِ عادل و حکیمِ حاذق بدستِ آر

ور نہ بالعکس نتیجہ ظاہر میشود ۶ منتِ منہ کہ خدمتِ سلطانِ ہمین کنم

منتِ شناس ازو کہ بخدمتِ بدشت ۷ بر بلا ہا صابر باش۔ اگر بر بلا صبری

بلا از تو دفع گردد۔ و کفارہ گناہ تو شود ۸ صبر تلخ آمد ولیکن عاقبت

میوہ شیرین وار و پر منفعت۔ اَلصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ ۹ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
صبر کلیدِ فرحت است۔ اے مسلمانان

اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿۵۴﴾ خداوند عالم

مدجوید در تحصیل ثواب آخرت بصبر و نماز - هر آنکس خدا با صابران است

بسیح مرضی را خلق نفرموده که دوایش پیش از مرض نیافریده باشد لیکن بی حکم او دوا نمی

شود ۵۵ از قضا سرنگین صفرافرو ۴ روغن بادام شکلی می نمود ۴ چون قضا آید طبیب بلبه

آن دوا در نفس او گمراه شود ۵۶ هر فرد بشر که شدت مرض و تحلیف دیگر مبتلا باشد چون

برگ درختان گنااهش میریزد پس لازم است که در شدید مرض تحلیف ناگون صبر تحمل و شکر

وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَكُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّيَ عَنِّي كَرْهٍ ﴿۵۷﴾

و هر که شکرگزاری کند پس جز این نیست که شکرگزاری میکند برافع خویش هر که ناپاسی کرد پس پروردگار من بپناز کم کند است

و بر نعمتها شکر کن - و شکراندهش فریضت - وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ ﴿۵۸﴾

و هر که شکر کند پس جز این نیست که شکر میکند برای نفس خود

و همیشه در اسباب دنیا موازنه و مقابله خود از آنکس مکن که از تو کمتر باشد نه از شخص

برتر تا در آتش رشک حسد نسوزی و کفران نعمت مکنی - وَلَا تُدْنِ عَيْنُكَ إِلَى

و کشائ و چشم خود را بسوی

مَا مَتَعْنَاهُ أَرْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ ﴿۵۹﴾

آنچه بهره مند ساخته ایم با آن جماعت را از ایشان از قسم آرایش زندگانی دنیا تا مبتلا کنیم ایشان را در آن

و جناب سعدی شیرازی رحمة الله علیه فرموده که روزی بر بے کفشی خود گریستم شخصی

و هر که شکرگزاری کند پس جز این نیست که شکرگزاری میکند برافع خویش هر که ناپاسی کرد پس پروردگار من بپناز کم کند است

و بر نعمتها شکر کن - و شکراندهش فریضت - وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ ﴿۵۸﴾

آنچه بهره مند ساخته ایم با آن جماعت را از ایشان از قسم آرایش زندگانی دنیا تا مبتلا کنیم ایشان را در آن

دیدم کہ پائے نداشت شکر ایزد تعالیٰ بجا آوردم کہ مرا از پا محروم و معذور نداشت

وَأَشْكُرُ إِلَى وَلَا تَكْفُرُونَ هُ وَأَشْكُرُ وَنِعْمَتِ اللَّهِ إِنَّ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ

و سپاس گویند مرا و ناسپاسی من نکنید۔ و شکر کنید بر نعمت خدا اگر او را سے پرستید
اگر شکر نعمت کنی خدا تعالیٰ نعمت را بر تو زیادہ کر داند۔ اگر کفر ان نعمت کنی در عذاب

اہی گرفتار شوی۔ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ

اگر شکر کنید زیادہ دہم شمارا و اگر ناسپاسی کنید۔ ہر آئندہ عذاب من سخت آ
الغریز پیشہ قناعت اختیار کن۔ قناعت کنجیست غیر فانی۔ و از فقر و فاقہ

شکایت مکن کہ درجہ تو کم میشود۔ و فقر میراث پیغمبران علیہم السلام است و خاصہ

خاندان نبوت۔ يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ

اے مردمان نیاز مند اند بھوکے خدا و خدا دوست بے نیاز ستودہ
ہ بوقت تنگدستی آشنا بیگانہ میگردد و صراحی چون شود خالی جدا پیانہ میگردد

قطعہ پس زانو نشین و غم بہودہ مخور و پڑ کہ ز غم خوردن تو رزق نگر و کم و بیش

چون از این کوشش بفائدہ سودی ندہد پڑ پس میازار دل خود ز غم ای و راندش

مکن ز غصہ شکایت کہ در طریق ادب پڑ براحتہ نرسید آنکہ ز حمتہ مکنشید

سورہ زمرہ (۳۹)
سورہ زمرہ (۳۹)
سورہ زمرہ (۳۹)
سورہ زمرہ (۳۹)

سورہ زمرہ (۳۹)
سورہ زمرہ (۳۹)

وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ فَأَنْ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ۖ إِنْ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ۖ

و خدا تو گمراست و شما محتاجید - پس زیرا که هر گاه به کمین متصل شوری آسایت - البته متصل و شوری آسایت
سَبَّحَ لِلَّهِ الْمَعْلُومُ الْعَزِيزُ ۖ كَمْ خَوْرُونَ وَ كَمْ خَفْتَنَ وَ كَمْ كَفْتَنَ عَادَتِ كُنْ
پدید خواهد آورد و خدا بعد از تنگدستی آسایش را -

گوش بند و چشم بند و لب به بند و اگر نه بینی سر حق بر من نبند - و زبانم در گنجها دراز بسیار

اگر چه همه راست باشد بجز ضرورت سخن مگو - تا آنکه کسی نه پرسد هیچ مگو - آنچه گویی

مختصر و بامعنی مگو - نقصانات گویائی از مطالعه کیمیائی سعادت حجت الاسلام بدان

سَخَنَ بِيَا كَفْتَنَ دَلَّ بِمِيرَانَد - إِنْ كَعَزَّةَ الْكَلَامِ يُقْبِلُ الْقَلْبَ الْعَزِيزَ
گفتگو به بسیار دل را سخت میکند -

خارج باندازه دخل کن - بر احوال نکس بیاید گریست تا که آمد بود نوزده خرج بیت و دهم

مَكُنْ بِهَلَاكٍ يَكْشِدُ - إِنَّهُ لَا يَحِبُّ الْمُسْرِفِينَ وَلَا يَبْذُرُ مَرْبَذِينَ ۖ

هر آئینه خدا دوست نمی دارد از حد گذرندگان را و اسراف مکن اسراف کردنی

إِنَّ الْمُبْذِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيْطَانِ ۖ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا ۖ

هر آئینه اسراف کنندگان هستند برادران شیاطین - و هست شیطان به نسبت پروردگار خود ناپسند

الْعَزِيزُ ۖ اَيْنَ عَالِمٍ عَالِمٍ سَبَابُ اسْتِ بَرَاءِ بَهْبُودِي دَارِينَ سَعِي كُنْ بَلْ
دوست و پاشده کامل مباش - و نه بر سعی خود غره کن - بر توکل زانوی شتر بند

دوست و پاشده کامل مباش - و نه بر سعی خود غره کن - بر توکل زانوی شتر بند

سوره زمره (۳۹)
سوره زمره (۳۹)
سوره زمره (۳۹)
سوره زمره (۳۹)
سوره زمره (۳۹)

سوره زمره (۳۹)
سوره زمره (۳۹)
سوره زمره (۳۹)
سوره زمره (۳۹)
سوره زمره (۳۹)

وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ۝ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ ۝

وہ خدا باید کہ کل کنند مسلمانان۔ ہر آئینہ خدا دوست پیدا کر توکل کنندگان

وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ۝ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا ۝

توکل کن بر خداوند غالب مہربان۔ توکل کن بر خدا۔ و خدا وکیل

حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ ۝ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ ۝

بس است مرا خدا ہے بروے توکل میکنند توکل کنندگان۔ و ہر کہ توکل کند بر خدا پس خدا بس است

ہر حاجتی کہ داری اولاً از خدا تعالیٰ بخواہ۔ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْليُّكُمْ ۝

پس بدانید کہ خدا مددگار شماست

نِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ ۝ وَبَعْدَ ذَلِكَ أُنْزِلَ آيَاتُ الْكِتَابِ ۝

نیک مددگار است و دے نیک یاری دہندہ است۔

خود عزت یابی و سر بر آورده شوی شکر سبب الاسباب بجایاؤ

وَإِذَا أَحْكَمْتَ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ ۝ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ ۝

وہی فرماید کہ حکم برستی کینہ چون حاکم شوید میان مردمان۔ ہر آئینہ خدا انیکو پیرست کہ با آن پندیدہ شما

انکساری و حاجت برآری مردم را شعرا خود گردان ۝ اعتبار نیست قدسی طایر قبائل

این کہوتر ہر زمان شتاق با ہم دیگر است ۝ ہمیشہ برب فوارہ این سخن جاریست

کہ اوج مردم دنیاے دون نگون ساریست۔ ہر عروجے راز و لیت دے

درے۔ قدمے۔ سخن درین مدارع نھد شاخ پر میوہ سہر بر زمین

۱۰
سورہ آل عمران
۱۱
انف
۱۲
سورہ بقرہ
۱۳
سورہ شمر
۱۴
سورہ بقرہ
۱۵
سورہ اخراہ
۱۶
سورہ بقرہ
۱۷
سورہ زمر
۱۸
سورہ بقرہ
۱۹
سورہ طلاق
۲۰
سورہ صافات
۲۱
سورہ بقرہ
۲۲
سورہ انفال
۲۳
سورہ بقرہ
۲۴
سورہ بقرہ

خَذَّ النَّاسُ مِنْ يَنْفَعِ النَّاسَ - إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ۝

بهترین مردم کسی است که نفع رساند مردم را - هر آینه خدا دوست میدارد نیکوکاران را
 إِنَّ اللَّهَ لَا يُضَيِّعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ۝ باده نوشیدن و هوشیار نشستن سهل است
 هر آینه خدا ضایع نمی کند مزد نیکوکاران را -

گر بدولت برسی مست نگر دی مردی ۝ فروتنی است دلیل رسیدگانِ کمال

که چون سوار بمنزل رسد پیاده شود ۝ خدام خود را بدگویی و خدمت ناقابل برداشت

مفرمائی ع یارب مباد کس را مخدوم بے عنایت - که خواجگی مسلم با دست

تعالی شان اِنَّ الْحُكْمَ لِلَّهِ ۝ ما همه بندگانِ اوئیم - هر که رحم نکند رحم را نشاید -
 نیست حکم مگر خدا را

رحم بر بدن ستم است بر نیکان ۝ من تو پر دو خواجه ما شنیم ۝ بنده بارگاه سلطانیتم
 به سلطان جلال

احیانا از خدمتگارے تقصیرے سرزند عفو فرمائی - ع

خواجہ آنت که باشد غم خدمت گارش ۝ چوب آب فرومی نه برد حکمت است

شرمش آید ز فرو برون پرورده خویش ع در عفو لذتیت که در انتقام نیست

نواخته را نباید انداخت - تا عفو رتب عفو کند و اِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ ۝
 و هر آینه خدا عفو کننده آمرزگار است

سوره بقره (م)
 سوره بقره (م)
 سوره بقره (م)
 سوره بقره (م)

سوره بقره (م)
 سوره بقره (م)

سوره بقره (م)
 سوره بقره (م)

دولت جاوید یافت ہر کہ مکنام زی
کز عقبش ذکر خیر زبہ کند نام را

عَزَّ مَنْ اِنْ كَسَرَ وَ ذَلَّ مَنْ اِسْتَكْبَرَ ۝ خود را واقع نباید نہا
عزت یافت آنکہ عز و ورزید دولت یافت آنکہ غرور کرد۔

و بحشم کم نباید دید تا بر تہ توان رسید ۝ کی قطرہ باران زابرے چکید

نخل شد چو پیناے دریا بدید ۝ کہ جائیکہ ریاست من کیستم ۝ اگر او بہت تھا کہ من قسم

چو خود را بحشم تحارت بدید ۝ صدف در کنارش بجان پرورید ۝ سپہرش بجائے رسانید کا

کہ شد نامور لو لوئے شاموار ۝ بلندی بدان یافت کویت شد ۝ فرستی کوفت تہمت

تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ جَعَلْنَا لِلَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ عُلُوفًا فِي الْأَرْضِ وَلَا خَدَاةً

این سرائے باز پسین مقرر نہ کیسم آزار اے آمان کہ نمی طلبند تکبر در زمین و نہ فساد
و در اظہار خوبی و کمال خود مجوش۔ بلکہ در اخفائے آن مگوش۔ کمال و خوبی ہمو جو اہر

کالنے با وجود اخفائے خود پوشیدہ نمیتواند بود و عاقبت از حفیض پستی با وج عزت

و قدر جلوہ خواہد نمود ۝ لعل کو بود مختفی در کان ۝ شد سرانجام زیب تاج شہان

حاصل کلام اگر بہ ثروت و حکومت برسی از پرداخت و تواضع

۹۱
سورہ زمرہ

حالِ غمزہ و ضغنا غافل نباشی و تا امکان بصلاح و رفاهِ ماتحتان جد و جد بکار برسی

مَا دُمْتَ تَحْفِظُهَا يَزِيدُ عِلَاقًا وَالْعَكْسُ فَانْظُرَايَ ذَلِكَ أَحْوَاةٌ

چند آنکه پست غالی نفس را مرتبه اش زیادہ مسکروند و اگر نہ برعکس شود و بین کہ کہ ام حالت بہتر است
آوردہ اند کہ حضرت عمر فاروق رضی اللہ عنہ در عہدِ خلافتِ خود با آنکہ منہیان

دیگر برگماشتہ خود را نیز بر آن داشتہ کہ شبہا و ظلمت تنہا بنفسِ نفیس گردیدہ طیبہ

گشتہ۔ و از ہر کوچہ و برزن و محلہ و شہمن برگزشتہ تا با استعلام و استخبار مسکر
دانستن خبر گرفتن

معمول را متروک فرماید و معروف متروک را معمول نماید و مظلوم را از ظالم رہاند
تلافی شرع حکم شرع

و داد شکش از جاکار رساند شبہ گزرش بخرابہ افتاد۔ دید کہ بیوہ زنی بیچارہ

با جگرے پر خون و دلے صد پارہ خستہ زیر درختی نشستہ است و بصورتِ

درد آلود آواز غم آلود بفریاد و نالہ الجمعیت میانِ خسرو سالِ خود و بھوئی می نمود

و بچہ تسکین آہنا بلطافیت اخیل مصروف بود کہ اسے جانانِ مادر ببینید کہ برہ

بالائے اچاق است۔ مادر را بے ارامی شمشاق است۔ اندک راحت بیابید

و تا طبع نجو ابید حضرت عمر کہ این شنید بسر وقت اور سید و حال پرسید آن در نما

فاقہ زدہ در شورش حال و ضحرت طبع کہ اغلب درین صورت پیدا میشود نسبت
شورش

بخلیفہ نفرین ساعت و شب و شتم آغاز نہاد و گفت و آبر او بر خلافتش کہ یا
و شنام ایضا

از غر باندارد و خبرے از در ماندگان نگیرد انیک کہ بر ما صورت فاقہ رو نمود

بخرصدائے الجوع تاب و طاقتی نداریم من برائے غمیش و بغرض تسلی طفل

خرد سال خود آتش زیر دگ خالی میزنم تا اطمینان خواطر آنها گردد و دومی

سکوت و رزیدہ بخواب بروند و مضطرب الحال نشوند چون آنها را باز از

بیداری بعالم اضطراب می یابم برائے و بجوئی آنها ہمین لطایف الحیل کا میگیر

و نیاگذشتنی و گذاشتنی است انشاء اللہ تعالیٰ برو ز حساب دست من و دامن خلیفہ است

ندانم کہ فردا بروے حاکم حقیقی جلش از بجائش بچہ عنوان میگرد و دل حضرت عمر

از سخنش سخت تر بناثر گشته بآن ترن شد و کہ درین خصوص خلیفہ راقص و نیست

تو از بیچارگی و مصائب خود خبرش نکردی - زن گفت که چرا خلیفه با گرگان خلافت را
بر عهده خود گرفته است خبرگیری ضعیفا تعلق بذات اوست - قوت آن کو که دین
عالم پریشانی و سخت جانی تا بدار الاماره خلیفه مع اطفال رسیده با ظهار حال خود
در آیم حضرت عمر با سماع سخنش آب در دیده گردانید - و فوراً راه خودش گرفت - و در سبک
آرد و نمک و انگشت و تابه و دیگر اسباب ضروری اکل و شرب محمول کرد - غلامی خواست
که پیش بویه بر دوش بپارد - امیر المومنین فرمود که ای کس با برادر قیامت تو نتوانی برداشت
بگذار بار خود من خود می برم - خود آن سبد بر سر خود گرفته پیش بویه روان شد و با ستر ضعیف
خاطرش بدست خود نان تیار کرده زن و بچگانش حواله نمود - زن بعد فراغ و سیری بدست
برداشت و گفت که جامه خلافت بر حسبتم میزید - خدا در جزای این لطف و مرحمت
ترا خلیفه بسازد - و قایم مقام فاروق شوی - حضرت عمر فرمود که خلیفه را از علم غیب آگاهی
نیست و نه خلیفه الوقت را دار الاماره است پیش خلیفه برو و با ظهار حال خویش بر پرداز

تا به تهیه سامان معاش توهمت بگارد. و وجه کفاف مقرر دارد. زن حسب فرموده حضرت عیسی

عازم شهر دین گشته چون خلیفه الوقت را دید شناخت و تبرید و هراسان شد که

در دل خود اندیشید که وای بر عقلم و حیف بر بے صبوریم که من از فقر و فاقه دیر و زعمان

از دست دادم. و از آتش گرسنگی سوخته نسبت امیر المومنین زبان راندم. ندانم که امروز

خلیفه بامن چه طور پیش می آید. خلیفه با دراک پریشانی زن مذکوره تبسم کرد و با بجمه در اہم چند

از بیت المال بغرض پرورش مقرر فرمود تا آنکه پس از وے بنام اطفالش جاری بانی

لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿۱۰﴾ ریزه نان راحمت دار که فردا قیامت

بر آمینہ هست در قصہ ایشان پندے خداوندان خود را.

کابین حوران بهشت همین است ﴿۱۱﴾ چون خوابی که تزویج کنی. این امر مطلع نظر باشد که

بعد امکان زن از تو در مال. و جمال. و کمال. و سال. کمتر باشد. و بقرار داد و مهر

حسب استطاعت خود و تبرک رسوم مروجہ و بموجب شرع شریف مناکحت نامی

و حقوق زوجہ را که هفت اند. اولاً آنیکہ او از فعل مذموم زوج را محترز دارد و گویا مانع

۱۰
سوره بقره (۱۰۱)
سوره اعراف (۱۰۱)
سوره صافات (۱۰۱)
سوره صافات (۱۰۱)

آتش دوزخ باشد. دوم خازنه و نگهبان نقد و جنس شوهر خود است. سوم طباطباعت
 از هر گونه طبع و با انواع نچت و زیر سیر و تنگد می دارد. چهارم دایه اولاد و اطفال است. پنجم
 خیاطه است که دخت ملبوسات تو و اطفال تو می سازد و ششم خادمه است که بر وقت کار
 بکارش می خورد. و در تهیه اسباب آسایش جسمانی و راحت روحانی مستعد و آماده می باشد
 هفتم مونس و مهوای خواست که در رنج و راحت زوج خودش دایما شریک می باشد
 حفاظت کنی. و رزق پشیمان شوی و زن بد وقت است. منانه. و آنان مختصر تعریف منانه اینکه
 غرور مال خود کند. و مال زوج را بیچ و لا شی و اند مختصر توصیف آنان که هرگاه شوهر خود را ببیند
 او آرزو وضعیف کند. و بیمار نماید. و حیل و مایه انواع و اقسام در میان آرد و غیره
 و بدکارترین زن همان که از خاوند خود بدل رضا مند نباشد. از دیدار چنین زن هر است
 تاریکی موت بنظر می آید زن بد و سر اے مرد نکو با هم درین عالم است دوزخ
 اَلرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ ه

مرد آن تدبیر کارکننده مسلط شده اند بر زنان بسبب آنکه فضل نهاده است خدا بعضی آدمیان را بر بعضی

از خوشنود نشود **العزیز** هر کاریکه کنی ناسته کن از نادان جهان و در باش همشین با ایشان هرگز نباش

همشین تو از تو بیاید تا تر عقل و دین بفزاید و نیکنامی خواهی آید بآیدان صحبت مدار

خود پسند جان من بآیدانی بود و ع هرگز نیست و لایق صحبت نبود - صحبت تاثیر داند

الْضُّبَّةُ مَوْثِقٌ وَلَوْ كَانَ سَاعَةً هـ پس رنج بآیدان نبشت و خاندان نبوتش گم شده
صحبت اثر کند اگر چه یک ساعت باشد

صحبت صالح ترا صالح کند و صحبت طالح ترا طالح کند قطعه صحبت نادان بین کوه آهنگران

ورنه دهن از خوش شعله رسد بگمان و صحبت انما ترا بطلد عطار دان و ورنه دهن عطر خوش

لیک سبوی آن و اگر اتفاقا نشینی - جز سخن نپند و نصیحت چیز و مگر گوشتاید هدایت تو مشرور

ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ هـ

دعوت کن یعنی مردمان را بسوی راه پروردگار خویش با دانش و پند نیک منظره کن با ایشان بطریقی که نیک است

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ هـ

هر آینه پروردگار تو داناست که گمراه شد از راه او و او داناست که راست برآید یا بآید

و هر کاریکه کنی در مشورت نما که حق تعالی فرموده - وَشَاوْهُمْ فِي الْأَمْرِ هـ

و مشورت کن با ایشان درین روزگار

و بکارها استخاره کن از احادیث صحیح ثابت است مَلَخَابَ مَنْ اسْتَحَارَهُ هـ

یعنی خراب نشد هر که استخاره کرد

سوره بقره (۱۶۵)

سوره آل عمران (۱۵۹)
سوره بقره (۱۶۵)
سوره آل عمران (۱۵۹)

صحن
صحن (۱۱)
از کمال و بزرگی

مِنْ سَعَادَةِ ابْنِ آدَمَ اسْتَخَارَتُهُ اللَّهُ وَمِنْ شِقْوَتِهِ تَرْكُ اسْتَخَارَتِهِ اللَّهُ لَنْظْمِ
از سعادت اولاد آدم استخاره کردن است از شقاوت او ترک استخاره است از خدا تکیه
در بارگاه حضرت سلطان سخن گوید و در کوی اختیار بدست بان به ازل سپردن چه گوید همان گوید تا مشورت بد

نخنی دل بان و دل هرگز با تو حیدشت و بهشیار باش در کف دل هم غمان و بهیرون بخلق بر آیین خلق باش
کس ابسوی از درونی نشان مده و صد مریس و از پی کجرف می رود و خاموش باش مان هر خود

رائگان مده و اَللّٰهُمَّ خَوِّلِيْ وَ اخْنَلِيْ وَ كَاتِبِيْ اِلَى الْخِيَارِ هـ شلی سوال کرد در گاه کرت
خداوند از طرف خود اختیار عنایت کن و گذارم با اختیار من
منصور را بدچار دادی ای حکیم و منصور بود و واقف به سر آمد دوست و هر کس که راز فاش کند

این سمرای اوست و بر سخن بزرگان ارباب حقوق گوش دار و از مصلحت سخن بزرگان

و درمباش سخن شنیدن بیخ دولت **الغیر** الْمُؤْمِنِ لَا يَدْخُلُ مَجْمَعِ مَوْتَيْنِ هـ
مرد دیندار از یک سو راخ دو مرتبه گزیده نمی شود -
اعنی از علامات ایمان آنست که اگر خلائی و خطا نمرند مرتبه دیگر در آن خطا گرفتار نشود و از خود

صحن
صحن (۱۲)
صحن (۱۳)
صحن (۱۴)

حذر کن که وعید سخت و سزایش خلوه و ناست و شمشیر حرام مده **الغیر** عِزِّ عِزِّ يَكُنْ هـ
دوام غصه
حضرت علیه الصلوٰة و السلام فرمود که جبریل علیه السلام بار و در حقوق همسایه بن تا کید نمی و بجان من سید که

همسایه ادرورنه قرار میدهند **الغرض** برنجی رخیده بگیرد که مبادا بدن عیب گرفتار نشوی بلکه تو

شکر کن که بدان فعل متبادله شتی - **إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ** و طعنه کن که بال است

بسته تیکه اداست شنو ادا

یا ایها الذین آمنوا لا یخز قوم من قوم علی ان یتکونوا خیاراً منهم ولا نساء

ای مسلمانان متشکرم که گروهی با گروهی احتمال است که آن گروه بهتر باشد از ایشان و نفس الامر و نه زنان
من نساء یعنی آن یک خیاراً منهنج و لا تلیزوا انفسکم و لا تباروا باللقاب
متشکرم که از زنان که احتمال است که زنان بهتر باشند از ایشان - و عیب کمیند در میان خویش و یکدیگر را بخطاب های ناخوش

الغرض در دل کمینه دار که عمل حسنه را باطل گرداند مبارک است آن سینه که از کمینه پاک است

کفرست در طریقت ماکینه داشتن و ایمین است سینه چو مینه داشتن و با هیچکس حسد مبرکه حرام است

غمناک نباید بود از طعن جسود اول و شاید که چو دانی خیر تو درین باشد **شعوی** بان بان که حسد کن میا

ورنه ابلسی شود جهان و چوب هم بود ابرو آن ستون و کز فراق مصطفی بگریست خون و ای تو نس

چوب تو بهتر است و کمینه دار سینه تو مضرت و کمینه و بغض و حسد ایمان است و دشمنی کشتها حسرت جان است

ای منافق این میوه نفاق و خیر خور از بهای اتفاق و عیب کس و مجلس مگو که خدایتا العیوب است

هر چه گوئی در تنهایی حسنه لله بگو - و برادر و دینی خود را در مجلس بجا رت از جایش برداشته

سوره شورا
سوره احزاب
سوره نساء
سوره مائده
سوره انفجار

سوره نساء
سوره مائده

خود بجا و نشینی آنچه بر خود نه پسندی بد گیران پسند بنی آدم اعضا یک گیر اند که در آفرینش یک جوهرند

الغزير

ایغریز وعدہ و اخلاف مکن وعدہ خلافی کی از علامتِ منافقت۔ **یَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوفُوا بِالْعُقُودِ**

ای ممان فاکینه بجهه یعنی عہدہ کا فاکد الشہ

وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَقُولُوا مَلَأْنَا الْقُلُوبَ

و وفا کنند بعهد - ہر آئینہ عہد پر سید و خواہد شد از و - اے مسلمانان چہا میگوئید آنجہ نمی کنند

كَبُرَ مَقَاتِلَ إِسْدَاقِهِ أَنْ يَقُولُوا أَمَّا لَفَعَلُونَهُ ۚ هَيْفَ شُكِرْتُمْ أَنْ عَهْدِ السَّيِّئَةِ

بسیار ناپسندیده شد نزدیک آنکه گویند آنچه نکشند.

زان شکست آید بکارِ ناشکست و عهدِ یارِ بسته شکستیم ما و با شکستن عهدِ بر بستیم ما

فَمَنْ نَكَتْ فَإِنَّمَا يَنْتَكُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِالْعَهْدِ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَوْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا

پس هر که بشنود عهد را این عزیزانست که متشکک نفس خود هر که وفا کند با نخی عهد کرده است بر آن با خدا این دو دیدار او را خدا فرمودی بزرگ

و در امانت هرگز خیانت مکن۔ اِنَّ اللّٰهَ يَافِيْكُمْ مَّا اَنْتُمْ تَوَدُّوْنَ اَلَا اَمِنْتَ اِلٰى اَهْلِيْهَا

ہر آئینہ خدای فرماید شمار کہ ادا کنید امانت مابوسے اہل آن

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِسِينَ ۖ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْخَائِسِينَ ۝

بد رستیکه خدا دوست میدارد خیانت کنندگان را - و بداند که خدا را دینی نماید حمیلہ خیانت کنندگان را

● مردم را فریب بده که فریب علامتِ نفاق است یکرودیکند بان و یکدل باش علامتِ مومن

ہمیں استر و نفاق اور اِن اِنَّمَا فِئْتَيْنِ فِي الدَّرَكِ الْاَسْفَلِ مِنَ النَّارِ اِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنْفِقِينَ

هر آئینه منافقان در طبقه زیرترین اند از آتش هر آئینه ظالم رنده است نفاق

وَالْمُكَذِّبِينَ فِي هَٰؤُلَاءِ جَمِيعًا **الغرض** در وزنِ نیامه نهایت احتیاط مذکور دارد و از جاوه عمدتاً متجا

و کا فرمان را ہمہ یک جا در دوزخ :-

وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ ۚ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كُلْتُمْ

وتمام کنید پیمانه و ترازو را با انصاف و تمام کنید پیمانه را چون پیمایید
وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ۚ ذَٰلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ۝

و پس بنجید به ترازوی راست - این بهتر است و نیکوتر است از جهت عاقبت -
الغیر در معامله داد و ستد بر شخص اول اقدام مکن اگر کسی پیش از تو قیمت چیزی را از باب

قرار داده باشد تو بر آن افزوده معامله اشیا را بر هم مکن و از ظلم حذر کن و بر کسی ظلم مکن

تبرس از آه مظلومان که هنگام دعا کردن و اجابت از در حق بهر استقبال می آید

وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ۚ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ۚ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ۚ

خدا دوست نمیدارد ستمکاران را - و نیست بر ستمکاران هیچ یاری دهنده - لعنت خدا است بر ستمکاران
وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۚ مَنْ آعَانَ ظَالِمًا فَهُوَ ظَالِمٌ لَكَ ۚ

و خدا راه نمی نماید گروه ستمکاران را - هر که ظالمی را اعانت کند او خود هم ظالم است
و در نمازت تقدیم مکن الابدائی اظلماء یعنی تقدیم کننده تم گار ترست و در میان

برادران دینی خود آتش افروزی و منسده پروازی و نمازی و همواره بکشاده پیشانی

و مباهت پیش آئی - وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ۚ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ ۚ

و خدا ایتعداد دوست نمیدارد و مفسدان را - هر آینه ما ضایع نمی سازیم مزد نیکوکاران
إِنَّ اللَّهَ لَا يَصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ۚ
هر آینه خدا تعالی راست نمی آرد کار مفسدان را - هر آینه خدا ایتعداد دوست نمی دارد و فسادکنندگان را

سوره بقره (۱۰۵)
سوره بقره (۱۰۶)
سوره بقره (۱۰۷)
سوره بقره (۱۰۸)
سوره بقره (۱۰۹)
سوره بقره (۱۱۰)
سوره بقره (۱۱۱)
سوره بقره (۱۱۲)
سوره بقره (۱۱۳)
سوره بقره (۱۱۴)
سوره بقره (۱۱۵)
سوره بقره (۱۱۶)
سوره بقره (۱۱۷)
سوره بقره (۱۱۸)
سوره بقره (۱۱۹)
سوره بقره (۱۲۰)
سوره بقره (۱۲۱)
سوره بقره (۱۲۲)
سوره بقره (۱۲۳)
سوره بقره (۱۲۴)
سوره بقره (۱۲۵)
سوره بقره (۱۲۶)
سوره بقره (۱۲۷)
سوره بقره (۱۲۸)
سوره بقره (۱۲۹)
سوره بقره (۱۳۰)
سوره بقره (۱۳۱)
سوره بقره (۱۳۲)
سوره بقره (۱۳۳)
سوره بقره (۱۳۴)
سوره بقره (۱۳۵)
سوره بقره (۱۳۶)
سوره بقره (۱۳۷)
سوره بقره (۱۳۸)
سوره بقره (۱۳۹)
سوره بقره (۱۴۰)
سوره بقره (۱۴۱)
سوره بقره (۱۴۲)
سوره بقره (۱۴۳)
سوره بقره (۱۴۴)
سوره بقره (۱۴۵)
سوره بقره (۱۴۶)
سوره بقره (۱۴۷)
سوره بقره (۱۴۸)
سوره بقره (۱۴۹)
سوره بقره (۱۵۰)

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

جز این نیست که مسلمانان برادران یکدیگر اند پس صلح کنید میان دو برادر خویش و بترسید از خدا تا بر شما رحم کرده شود
الغیر راجحاً تا از برادر دینی خود مخالفتی با تو واقع شود - باید که بصاحت و اتفاق کلامی

و رجوع کنی بحکم الله جلشانه و امر رسول کریم علیه الصلوٰۃ و التسلیم - یا ایها الذین آمنوا

اے مومنان

أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ

فرمان برداری کنید خدا را و فرمان برداری کنید پیامبر را و فرمان ردایان اجتناب از پیش گرفتن اختلاف کنید در چیزی پس راجع کنید
 اِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا

بپس خدا و پیامبر اگر اعتقاد میدارید بخدا و روز آخر این بهتر است و نیکوتر با اعتبار عاقبت
 و هرگاه کسیکه در غائب برادر دینی خویش دعا بخیر میکند - فرشته میگوید که

بعض این دعا تو بهم ثواب میرسد **الغیر** اگر کسی بتو بدگوید - تو او را بدگویی

اگر ترقی درجات میخواهی - و هر پنجگانه از دست و زبان خلق بتو رسد تو بخدا ایتعا حواله کن

وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ و اگر توانی معاف نمائی رباعی با دشمن دوست فعل نیکو است

و خدا غالب صاحب انتقام است

بد که کند آنکه نیکیش عادت و خواست ۴ با دوست چو بد کنی شیو دشمن تو

با دشمن اگر نیک کنی گردد دوست ۵ درخت دوستی نشان که کام دل ببارد

باید در دعوت
 صلح
 صلح
 صلح

باید در دعوت
 صلح
 صلح
 صلح

نهال دشمنی برکن که رنج بشمار آرد - وَلَا تَنْتَوُوا الْحَسَنَةَ وَلَا السَّيِّئَةَ ادْفَعِ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ

و برابر نیست نیکی و بدی دفع کن بدی را با آن خصلت

فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ ۝ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝

که آن نیکو تراست پس چون چنین کنی گردد آن کسی که باشد میان تو و او دشمنی سازا - سید شخصی است که از غیر خود پند گیرد -

الغزیر حضرت علیه الصلوٰة و السلام فرمودند که در جماعت شما که ام کس پہلوان است

از صحابه یکی عرض نمود یکمشتش بزمین نخورده باشد - فرمود آنچه بجان شمار سید

چنان نیست - بلکه جوان مرد همان است که در حالت غیظ و غضب (که غفلت ایل مشو)

خود را از فحش و نهی این گوی نگا دارد - وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ ۝

و فرو خورندگان خشم و عفو کنندگان تقصیر از مردمان

وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ۝ **الغزیر** پیران را تعظیم کن ۝ ادب تا بصیت از لطف الهی

و خدا دوست میدارد نیکوکاران را -

بنه بر سر برو هر جا که خواهی بگو که پیران احق دوست میدارد و شهره که در آن عزت پیران نشود

آن شهر عجب نیست که ویران نشود و عبادت در جوانی کن که جوانان عابد را

حق تعالی دوست میدارد و جوانان را طاعت امروز گیر بگو که فردا جوانی نیاید ز پیر

من آن روز را قدرش ناختم بگو بدستم اکنون که در باختم **الغزیر** هر چه در راه خدیتان

سوره زمره
آیه ۴۰

سوره زمره
آیه ۴۱

میدهی زبان میاور - که ثواب تو ضائع میشود یا ایها الذین امنوا لا تبطلوا

صدقکم بالحق والاذی کالذی ینفق مالک ربنا الناس ولا یؤمن بالله والیوم اخره

و سائل را توبیخ مکن - و اما السائل فلا تنهره قول معروف حیثین صدق فی بیعها اذ

هر چه خوری به نیت طاعت بخور و هر چه پوشی برای ستر عورت بپوش

سفید رنگ از همه بهتر سرخ و معطر برای زن است الغرر شیرین گویا ز

حق تعالی دوست میدارد - همواره شیرین زبان باش - ترش رویی پسند

ع نعمت برگزیده شیرین است - شیرینی را دوست دار که نشانی ایمان است

و پیاز خام و مائل آن مخور که از بد بوش ملائکه میگزینند و به خوشبوی

خود را مطیب کن که ملائکه طیب را دوست میدارند و بوقت خفتن سرمه کش

که بصارت چشم را زیاده گردانند و وقت خفتن آوند های زیره کان را پوش اگر چه

از یک گاه باشد و قبل و بعد از طعام نمک اندک بخور که فواید کثیره است

سوره بقره (۱۰۲)

سوره بقره (۱۰۲)

سوره بقره (۱۰۲)

سوره بقره (۱۰۲)

و بغیر اشتہائے صاف طعام مخور که ضرر دارد و با بقا اشتہا دست از طعام
 بازدار که از امراضِ باطنی خلط کند و اندرونِ طعام خالی ارطو تا در و نور معرفت
 و طعام را تنها مخور که شیطان شریک تو باشد ع خاک بر آن خورده که تنها خوری
 و طعام را انتظار مده که بزه کار شوی و طعام را بسیار گرم مخور از قبضه نگشت
 بخور که برکت دارد و و از کنار ه بخور و و از میان مخور که برکت زایل می شود
 و آب را باندازه سه نفس خور که آب حکم طعام دارد و زیادتی آب ضرر دارد
 و اکثر علت های آب پیدا گردد و و معده را از زمان و آب تا خلق پُر مکن و
 همیشه طعام لذیذ مخور که مبادا بدله نعمت های بهشت گردد و همیشه گوشت مخور
 که دل سخت میشود و جامه نازک پیوش هر که جامه باریک بپوشد دین او
 سخت گردد **ایغرزی** اول روز بخواب مَرَو و آخر روز بخواب مَرَو
 که زیان دارد و اول شب پیش از نماز خفتن بخواب مَرَو و قیلو لیکن

کسفات۔ بشرطیکہ تہجد گزاری و رو بقبلہ مُتَّف و پا بجانب قبلہ و
 مکن کہ بے ادبی است و شب برہنہ خواب مکن کہ ملائکہ از تو نفرت گیرند
 و لباس مردان زنان و لباس زنان مردان پوشیدن حرام است و
 ہر کار عمدہ از دست راست کن و ہر کار مکروہ بدست چپ مکن و پوشیدن
 کفش ابتدا بپائے راست کن و در کندن بیائے چپ و چون سکہ
 یک جانشستہ باشد نباید کہ دو کس ہم دیگر مگر گوشی کنند و استادہ تنجیان
 و ہر گاہ از خانہ بیرون آئی اول پائے راست بگذار و داخل شدن با چپے
 و در سوراخ بول و در آب ساکن بول براز مکن **الغریز** علی الدوام از رسوایا
 خلاف شرع شریف و دیگر امور ات مکروہات و حرام احتیاط باید و در مسائل
 مختلف فیہ ترجیح بر تجویز اہل سنت ماند و از پوشیدن کوٹ پتلون

وغیرہ پرنہی کن۔ در حدیث آمدہ انجیکہ از شتا لنگ از ازار فرو د آید و نہ پیش

پوش تا همراه ایشان مجتوشوی رسول قبول فرموی. امر مع حاجت من تشبه بقوم فهو منهم

ہر کہ با قومی شباهت پیدا کر دیاں اولیاء قومیہ

يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا تَوَارِي سَوْآتُكُمْ وَرِثَاةَ وَلَدِكُمْ لِكَيْ تَقْوَى

اسے فرزندِ آدم ہر آئینہ مافرد آوردیم بر شما لباسی کہ پیرشدہ شرمگاہ شمارا و نوزاد آوردیم جامہٴ باریت را و لباس پرہیزگاری

ذَلِكَ خَيْرٌ مِنَ الْغُرُزِ بِرَكَ زَرَنْدَارِ دُغْتُ دُنْيَا نَدَارُ. وَبِهِرْ كِه زَن نَدَارُ

وی از همه بهتر است

اسایش تن ندارد - و هر که فرزند ندارد - روشنائی چشم ندارد - و هر که برادر ندارد

قوت باز و ندارد. و هر که این چهار ندارد هیچ غم ندارد **ای عزیز**

نوح چشم آدمی افزون شود از هشت چیز ۴ اگر میسر مشود با او نظر کن هر زمان

برز رو بر مصحف شیخ کبار و شاه عدل ۴ خط خوب و حسن خوب و سبزه آب و ان

الغریز یا دیگر که حاکم و حافظ و حکیم و جام و حمام کهنه بایه الغریز

و چیر آما رنیکنجی است ترس از ربِ حلّیل - و قناعت بقلیل و دو خیر است

یکی بہتر از آن و دیگری بدتر از آن در جهان نیست۔ اول وادن۔ دوم خواستین

و دُوْخِیرِ افراموشِ مساز - اولِ عبادت - و ثانیِ سخاوت و دُوْخِیرِ پادشاهی
 غفلتِ وزیر و نفرتِ فقیر و دُوْخِیرِ آثارِ سعادت است - رغبت با علما و صحبت
 با فقرا و دُوْخِیرِ بهترین نعمتها است - خلقِ ملیح - و زبانِ فصیح و دُوْخِیرِ نشانِ
 بدبختی است - بزرگان را بدمی یاد کردن و خود را از همه بهتر دانستن و
 دُوْخِیرِ دلیلِ احمق است سخنِ زنا ن شنیدن و از سفلگان توقع داشتن و
 دُوْخِیرِ دل را روشن سازد - ذکرِ خدا و کلامِ انبیا ^{علیهم السلام} و دُوْخِیرِ بهتر از همه چیزها است
 قبول کردنِ نصیحتِ کبار - و پذیرفتنِ عذرِ گناهکار و دُوْخِیرِ انسانِ بهتر است
 طلبِ خوشنودی و ابوالجلال - و استدعایِ معاشِ حلال و دُوْخِیرِ علامتِ یاس
 صبر بر بلا - و شکر بر نعم و دُوْخِیرِ غنیمتِ شمر - جوانی پیش از پیری - و صحت
 قبل از بیماری و دُوْخِیرِ باعثِ تاریکی دل است - کثرتِ کلام - و فرطِ ^{زیادتی} منام
 و دُوْخِیرِ ملامتِ دائمی است - مخدوم متلون - و خادم غیر متدین و دُوْخِیرِ

در نقصان نیگند - گفتار سنجیده - و عمل پسندیده و دو چیز به محقق منسوب است

ستایش خویش - و اتباع بکیش و دو چیز حافظه را زیاده گرداند - اول صبح بخاستن

و همیشه با وضو بودن و دو چیز شیوه صداقت خلعت است - گرفتن دست دوستی

دوست در پریشانی - و دادن مشورت نیک در حیرانی - دوست آن باشد

که گیر دست دوست پُر پریشان حالی و در ماندگی و دو چیز آثر نادانی است

قطع کلام نمودن و بے محل گفتگو کردن و دو چیز انسان را نام آور میکند - هوشیار

از کام - و بردباری از عام و دو چیز علامت فراست است - دریافتن انجام کار

و توقف در الزام قصور و دو چیز بهتر از همه کارهاست - قول موافق آیات قرآن

و فعل مطابق حدیث رسول سبحان صلی الله علیه و آله و اصحابه و سلم **الغریز**

سه چیز موجب عزت است - با پیران خدمت - و با جوانان نصیحت - و با خردان

شفقت و سه چیز مردان خدا اختیار میکنند - فقر اختیار - و رضا بقضاء الهی

و صبر بر سوگواری و سہ چیز شرمشویت است۔ کینہ در دل داشتن۔ وحسرت

مردمان خوردن و در طلوع آفتاب خوابیدن و سہ چیز بحرستہ چیز پایدار نماند

مال بے تجارت۔ و ملک بے سیاست۔ و علم بے مباحثت و و چیز

و عوی آن نکند۔ یکی شجاعت۔ و دوم سخاوت۔ سوم شرافت و سہ چیز اختیار کند۔ نماز

بخصوص قلب گذاردن۔ و شب بیداری کردن۔ و کلام اللہ خواندن و سہ چیز نشان

کفر است۔ نفاق بدن نهادن۔ و محبت دنیا بدل داشتن۔ و حرام را حلال دانستن

ایغریز چہا چیز و طیفہ باید کرد۔ صورت بندگی۔ و سیرت فکندگی۔ و دلجوئی

و دوستان و نیکوئی با مردمان و چہا چیز موجب تزايد دولت است۔ با بدن

نفاق۔ و بانیکان اتفاق۔ با دوستان ملطف۔ و با دشمنان مدارا و چہا چیز چہا

یاد می آرد۔ در دستدستی را۔ و غم راحت را۔ و افلاس دولت را۔ و نافرمانی بہت

و چہا چیز علامت صاحب دلی است۔ ہنگام طیش حفظ مراتب داشتن و بحق ہر کس

کلمہ کفر گفتن۔ و دل کسی رنجیدہ نساختن۔ و عیب مردم فاش نکردن ﴿چهار چیز کہ مردم

از ارتکاب آن منفعل میشوند سخن بے محل گفتن۔ و صحبت با بدان داشتن۔ و جنگ

با مہتران نمودن۔ و حقارت علما و فقرا کردن ﴿چهار چیز را چہا روز داند مال را

سرقت۔ و شعور را جاہلیت۔ و علم را نخوت۔ و محبت را قرض فان الْقَرْضُ

مِقْرَضُ الْحَبَّةِ ﴿چهار چیز آدم را ضعیف میکند۔ دشمن بسیار و قرض مٹیا

مقراض محبت است

و پریشانی روزگار۔ و مخالفت پروردگار ﴿چهار چیز چہا چیز را برباد میکند۔ ناشکر

نعمت را۔ و بیداری دولت را۔ و غرور غرّت را۔ و خندگی حکمت را ﴿چہا چیز

نتیجہ حیات مستعار است۔ شنائے بزرگان۔ و دعائے درویشان۔ و نوازش

سلطان۔ و دیدن دستان ﴿چهار چیز باز نتوان یافت۔ عمر گذشتہ۔ و سخن گفت

و تیر حبستہ۔ و قضا رفتہ ہر لب جوئی نشستہ گزیر عمر بین پاکین اشارت ز جہان گذرن

ما رابس ہ از دست قتمہ بیچ نیاید بہیچ حال و چند آنکہ او فغان کند و جا مہا درو

چهار چیز سرمایه سعادت است - وفاداری بر قول خود کردن - و در کسب

خویش کوشش بلیغ نمودن - و بقدر هر یک در تواضع کوشیدن و راز دل خود

از غیر پوشیدن و چهار چیز خلاصه جمیع عبادات است - و فامودن عهود

نگاهبانی کردن حدود - و صبر بر مفقود - و خوشنودی بر موجود **الغیر** چون

الحاکم حق

کر شده

بر علم خود عمل نمائی علم لدنی داده شوی - وَعَلَّمَناهُ مِمَّنْ كَدُّ تَأَمَّلْناهُ اشاره

و آموختیم او را از نزدیک خود علم -

بسوی اوست و حدیث مَنْ عَمِلَ بِمَا عَمِلُوا اتَّاهُ اللهُ عِلْمًا كَرِيمًا كَوْنًا

هر که عمل کرد به علم خود بدین اتفاق آن علم که ندانسته بود

شاید بدوست ۷ علم باطن همچو مسکه علم ظاهری همچو شیر و کله بود بی شیر مسکه کی دبی پیر

چه خوش گفته - و رفته ۷ روزها باید که تا یک پنبه دانه زاب گل

شاهی را حله بخشد یا شهیدی را کفن و ماهها باید که تا یک نطفه آب اندر شکم

صفدری خیزد بیدان یا عروسی انجمن و سالها باید که تا یک کودک از روی خود

عالم دانا بود یا شاعر شیرین سخن و قرنهای باید که تا صاحب دله پیدا شود

سوره زکریا (۱۵)

بایزید اندر خراسان یا اویس اندر قرن **الغریز** در هر کار نیک اول **بِسْمِ اللَّهِ**

بنام خدا
گو که هیچ کار سبب بسم الله برکت ندارد و در آن کار شیطان شرک تو با

پس در ابتدا هر امر بسم الله و بر انتهایش **الْحَمْدُ لِلَّهِ** و بنا بر دفع ذنوب

تسبیح است خداست
أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ و بر هر مصیبت **إِنَّا لِلَّهِ** بگو **لَكَ فَضْلُ اللَّهِ** یوتیله منیتا
از خدا آمرزش میخواهم
میان بخواهیم نیست افضل خدا میدش به هر که خواهد

وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ **الغریز** آنچه گوی نخستین بر آن عمل نمائی و
و خدا خداوند فضل بزرگ است

چون گفتی و لیش بیار و قدر مردم بدان و دوست را بسودوز یا امتحان کن

و بر زن واسپ و شمشیر اعتماد مکن و خدمت مهران بقدر امکان ادا کن و

مهران را کار مفرما و پیش مهران بر کسی خشم مکن و بخانه که در آئی چشم و زبان را

نگاهدار و دل و تن و جامه پاک دار و فرزندان خود را علم و ادب و سواری آ

و تفنگ زدن بیاموز و همه خواشهبائے اولاد با انجام مرساں و بلا اندیشه

کار مکن - مدبرانه کار کن و جوان مردی اختیار کن و نه آموخته استادی مکن

سوره (صدی)

و ناکرده کرده شمر و بازرگان مزاح مکن و عوام را گستاخ مساز و هزل آئیز
 گفتگو مکن و کارِ امروز به فردا گذار و جنگِ گزشته یاد مکن و مالِ خود
 به کسی ننمائی و مالِ مردم و عقلِ خویش را زیاده شمار و اندکِ خود را بهتر از
 بسیاری دیگران دان و در فازه دست بردهن بدار و پیشِ مردم
 خمیازه مکش و در بینی انگشت و از آن خلال دندان و ریش مکن
 ع خواهی نشوی رسوا هم رنگِ جماعت شو و کیفیتِ سماعی بلا تحقیق پیش
 کسی مگو ع شنیده که بود مانند دیده و بعیبِ خود مینا باش و عیبِ کسان
 مستأد و شفیق را غنیمت دان و آبِ دهن مینی به بلند آوازی از دهن
 خلافِ تهذیب شمر و نامی و غمازی حتی از چشم و ابرو مکن و از قیقه
 و خنده با صدا حد رکن و سخن گفته مکرر مگو و مشنود خود را مثل زنان میار
 ع شنائی خود بخود کردن نه زید مردِ قاتل را و خلوت را بر جلوت ترجیح

باید بود
در راه
از بزرگان

و باناشناخته همسفر مباش و کم از سه کس سفر نکنند و به بدی کسان
 بهمستان مشو و بنجم کسان شادی مکن و اگر برود عدو جائے شادمانی نیست
 که زندگانی مانیز جاودانی نیست و مردگان را بجز نیکی یاد مکن و فتنه انگیزی
 مکن و مصلح مردم باش ^{و الصلح خیر} و نان خود بر دسترخوان گیران مخور
 و تنه پیش مردم مخور و از دشمن دوست رو حذر کن و در راه از بزرگان
 پیش مرو و از آستین بسینی پاک مکن و پیش از وقت و بیش از قیمت
 نخواه خریده بر و اگر چه دور است و با مست و دیوانه سخن مگو و
 با او باش و خیره سران بر سر کوچه ها نشین و زیر درخت مره دار بول و بران
 مکن و عجلت بکار با مکن الا بضرورت ع مفتون معاش خود نمی باید بود
 ع مغرور بقل خود نمی باید بود ع با مردم نیک بدنی باید بود و هر که
 از خدا تعالی نترسد از و تبرس و آزموده را مکر میازما - ^{من جَبَّ الجَوِبُ}
 کسیکه آزموده شده

حَلَّتْ بِهَا الْمَدَامَةُ بِدَانِكُم بِدِی بآبدان سبکساریست و نیکی بانیمان خیرجاست

آز مایه نجاست برد

و نیکی بآبدان کار عبد الله انصاریست رباعی از داده چه بهتر است گفته که طعام

نا داده چه بهتر است گفته و شام ۛ و ز خورده چه بهتر است گفته که غضب

نا خورده چه بهتر است گفته که حرام **ایغریز** قطعه یاد داری که وقت ادن تو

همه خندان بند و تو گریان ۛ آچنان زری که وقت مردن تو ۛ همه گریان بند تو خندان

ۛ چنان زندگانی کن اندر جهان ۛ که چون مرده باشی نگویند مرده ۛ

خیر کن ۛ فلان و غنیمت شمار عمر ۛ زان پیشتر که بانگ برآید فلان مانند

ایغریز گفته می شود که روزی پیغمبر ما علیه الصلوة و الف الف تسلیم

باشه یا ران خود بدولت خانہ امیر المومنین حضرت علی کرم الله وجهه مہمان

آمدند حضرت علی رضی الله تعالیٰ عنہ ما حاضر یک طاس روشن پراز غسل حاضر

منو و ند چون حضرت رسالت پناه صلی الله تعالیٰ علیہ وآلہ و اصحابہ وسلم بر طاس

و غسل نظر فرمودند۔ گفتند کہ عجب طاس روشن پُر از غسل و بر و موی باریک
 افتاده است۔ باریارانِ خویش فرمودند کہ ہر یک تشبیہ این طاس غسل و موی
 بدہند۔ و روبرو بجانب حضرت ابوبکر صدیق رضی اللہ تعالیٰ عنہ آوروںد۔ چنانچہ حضرت
 صدیق اکبر رضی اللہ تعالیٰ عنہ گفتند کہ یا رسول اللہ صلی اللہ علیک وسلم۔ مرد و نیک
 ازین طاس روشن تر۔ و ایمانِ دل و دے ازین غسل شیرین تر۔ و ایمانِ آخر باخو
 بردن ازین موی باریک تر۔ و حضرت عمر ابن خطاب رضی اللہ تعالیٰ عنہ عرض کردند
 کہ یا رسول اللہ صلی اللہ علیک وسلم۔ پادشاہی ازین طاس روشن تر۔ و مملکت
 اعنی حکومت پادشاہی ازین غسل شیرین تر۔ و در مملکت عدل کردن ازین موی
 باریک تر۔ و حضرت عثمان ابن عفان رضی اللہ تعالیٰ عنہ گفتند کہ یا رسول اللہ
 صلی اللہ علیک وسلم۔ علم دین ازین طاس روشن تر۔ و خواندنِ علم ازین غسل
 شیرین تر۔ و عمل کردن بر علم ازین موی باریک تر۔ حضرت علی کرم اللہ وجہ

عرض کردند کہ یا رسول اللہ صلی اللہ علیک وسلم۔ همان ازین طاس روشن تر
و خدمتِ همان ازین غسل شیرین تر۔ و همان را راضی داشتن ازین موی بار یک تر
و بعدہ حضرت رسول مقبول علیہ الصلوٰۃ والسلام بجانب حضرت فاطمہ الزہرا
رضی اللہ تعالیٰ عنہا التفات فرمودند کہ شما ہم چیزے بگویند۔ بلامعی تمام گزارش نمودند
کہ یا رسول اللہ صلی اللہ علیک وسلم۔ زنان را حیا ازین طاس روشن تر۔ و
چا در بے روئے ایشان ازین غسل شیرین تر۔ و خود را از چشم نامحرم نگاہ داشتن
ازین موے بار یک تر۔ و بعد از آن پیغمبر صلی اللہ علیہ وآلہ و اصحابہ وسلم فرمودند
کہ ما ہم چیزے بگویم۔ کہ معرفت ازین طاس روشن تر۔ و شنیدن معرفت ازین
غسل شیرین تر۔ و نگاہ داشتن معرفت در دل ازین موے بار یک تر۔ و بعد از آن
حضرت جبریل علیہ السلام در رسید کہ یا رسول اللہ صلی اللہ علیک وسلم۔ من ہم چیز
بگویم کہ راہ خدا تعالیٰ ازین طاس روشن تر۔ و رفتن در راہ خدا تعالیٰ ازین غسل شیرین تر۔

و شناختن راه خدا تعالی ازین موسی باریک تر- بعد از آن از حضرت جبرئیل و علاء حجت

که یا محمد صلی الله علیه و آله بهشت ازین طاس روشن تر- و نعمت بهشت ازین غسل شیرین تر- و گزشتن

بندگان بر پل صراط ازین موسی باریک تر- **ای عزیز** این حکایت در الهی نامه

مصنفه حضرت شیخ فرید الدین عطار رحمته الله علیه چه خوب نگاشته است

یکه ترسا مسلمان گشت پیروز و بی خوردن شد آن جاہل و گرو ز

چو مادر مست دید او را زور دی و بدو گفت ای پسر آخر چه کردی

که شد آزرده عیسی زود از تو لیکھ محمد شد ناشد خوشنود از تو

مخنت دار رفتن رو نکو نیست و کہ ہر عنافرا جی مروا و نیست

بردی رو در آن دینی کہ ہستی و کہ نامردیست در دین بت پرستی

ای عزیز یا اگر قدر عقل هست ہمین قدر بس است ہدیٰ و ذکری

لَوْ لِيَ الْآلِ الْكَأْبَابِ ۚ أُنْظُرْ إِلَى مَا قَالَ وَلَا تُنْظِرْ إِلَى مَنْ قَالَ ۚ خُذْ مَا صَفَا وَدَعْ غَمَّاكَ
خداوند این خبر و را تفتیش کن در قول و تفتیش کن در قائل - بگیر صفارا و بگذار غم را

۴
سورۃ یونس

الغرض این چند کلمه که گفته شد بگوشِ هوش بشنوی و یا وگیری و بدان عمل نمائی

بلا شائبه شک و آمیزش شبهه بر تبه علیا برسی - اَوَّلَیْكَ اَصْحَابُ الْجَنَّةِ

آنجا که باشندگان بهشت اند

هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ هَ اَلَا اِنَّ اَوْلِیَاءَ اللّٰهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ

ایشان آنجا جاوید باشند - آگاه باش هر آئینه دوستانِ خدا هیچ ترس نیست برایشان و نه ایشان

وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ هَ وَ مَنْ یُّؤْمِنْ بِاللّٰهِ وَ یَعْمَلْ صَالِحًا یُدْخِلْهُ

اندوگین شوند - و هر که ایمان آورد بحد ابد کند کار شایسته در آردش

جَنَّتٍ یَّجْزِیْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ خَالِدِیْنَ فِيْهَا اَبَدًا هَ

بهستان نامیرود زیر آن جو یها جاوید آن آنجا همیشه

و به دیگران هم امر کنی - و ترغیب نمائی - و بیا موزی ثواب بسیار یابی

انشاء الله تعالی وحده الغفور

اگر خواهد خدا که بگردد واحد بخشنده -

مناجات بدرگاه قاضی حاجات

تو آن رفیع مکانی که ساکنانِ فلک ؛ بر آستان تو دارند میل در بانی

چه احتیاج به پیش تو را ز دل گفتن ؛ که حال خسته دلان تو خوب میدانی

سوره (اعراف)
سوره (زمر)
سوره (نور)
سوره (طه)
سوره (طه)

تو خود دانی اے خالقِ کبریا ^{قطعه} ترا اگر نگویم بگو یم کرا

ترا ہیچو من بیش از بیشتر ۛ مرا تو یکے قصہ بس مختصر

رباعی

اے آنکہ ترا جود و سخا می زیب ۛ مارا گنہ و بُرم و خطا می زیب

من با تو نگویم کہ مباینکی کن ۛ با ما ہمہ آن کن کہ ترا می زیب

رباعی

یارب ز تو آنچه من گدا می خواہم ۛ افزون ز ہزار پادشا می خواہم

ہر کس ز در تو حاجت می طلبد ۛ من آدہ ام از تو ترا می خواہم

رَبَّنَا اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ۛ رَبَّنَا غَفِرْ لِي وَلِوَالِدَتِي وَلِلْمُؤْمِنِينَ

خدا یا را درست ما را ۛ اے پروردگار یا بیامر زمراد ما و پدر مرا و مسلمانان را
یَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ ۛ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيْثُ أَصْلِحْ لِي شَأْنِيْ

روزیکہ قایم شود حساب - اے زندہ اے قایم دارندہ بواسطہ رحمت تو مددی جویم - درست فرما

عَلَيْهِ وَلَا تَكِلْنِيْ اِلَى نَفْسِي طُفِّئْ عَيْنِيْ ۛ اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَسْأَلُكَ

کل حالات مرا - و گذا ر بر نفس من یک چشم زدن یا اے طلب میکنیم

حُبَّكَ وَحُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ وَحُبَّ عَمَلٍ يُقَرِّبُنَا اِلَى حُبِّكَ

از تو محبت ترا و محبت آنکس کہ تو را در محبت آرد و محبت آن عمل کہ ما را بسوی محبت تو نزدیک کند

وَاجْعَلْ حُبَّكَ اَحَبَّ اِلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ الْبَارِدِ اِلَى الْعَطْشَانِ ۛ

و بسا ز محبت ترا محبوب تر نزد ما از آب سرد کہ نزد تشنگان باشد

سوره ابراہیم (۳۱)

الْمُؤْمِنِينَ

اَللّٰهُمَّ زِدْنَا وَلاَ تَقْصُصْنَا وَارْحَمْنَا وَلاَ تُخَيِّرْنَا

اے خدا زیادتی دے مارا نقصان دہی نفرما و بزرگی دے مارا دہانت نفرما و عطا کن مارا و محروم نفرما

وَارْتِزْنَا وَلاَ تُؤْخِرْ عَلَيْنَا وَارْضِنَا وَارْضَ عَنَّا ۝

و مارا برگزید کن و از دیگران مارا کستہ کن و راضی شو از ما و خوشنود شو۔

رَبَّنَا فَخَقِّرْ كُنَّا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّافًا مَعَ الْآبِرَارِ ۝

اے پروردگار ما پس پیامز گناہان مارا و دور کن از مایہیکار مارا و ہمیران مارا بانیسکو کاران

رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلاَ تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ ۝

اے پروردگار ما دیدہ مارا آنچه وعدہ کردہ بر زبان رسولان خود و رسوا کن مارا روز قیامت

إِنَّكَ لَا تَخْلِفُ الْمِيعَادَ ۝

ہر آئینہ تو خلافت وعدہ نمی کنی

(نقل) نامہ کہ عالم ظاہر و باطن مانہ و قابل گناہ

مولانا و بفضل اولانا مخدومی و برحق سیدی سید

مولوی حاجی حافظ قاری اعظم عارف باندہ عید

(صدا) الحسبی و یسینی بقادر حق و یابودی من ظلالہ العالی انیکہ

۹۴
مکتبہ دارالعلوم
دہلی

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِهِ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ

از حمد گفتن زبان قاصر۔ و برائے نذر دادن جان حاضرے این جانِ عاریت کہ بحافظ

پیرودہ دوست پڑ روزے رخش بہ بنیم و تسلیم و سکنم۔ اگر جان قبل طلب نہ زنی

جبراً و قہراً مقبوض میشود جان بجانان و دگر نہ از تو بتنا داخل پڑ خود منصف

باش حافظ این نکو یا آن نکو پڑ خداوند جان ملک تست بہ تو نذر دادن محال لیکن

بدست قدرت خود قبض نمائی از فضل و نوال رباعی غازی بہ شہادت اندر

مکت و پوست پڑ غافل کہ شہید عشق فاضل تر از دست پڑ در روز قیامت این

بان کے ماند پڑ کین کشتہ دشمنست و آن کشتہ دوست پڑ و در و نامحدود

نثار بر احمد مختار سید ابرار۔ صَلَّی اللہُ وَسَلَّوْ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم مَا دَامَ اللَّیْلُ وَالنَّهَارُ کہ

وَمَا ارْسَلْنَا اِلَّا رَحْمَةً لِّلْعٰلَمِیْنَ وِشَانِ اِنَّا ارْسَلْنَاکَ شَٰہِدًا وَّمُبَشِّرًا۔ بیان او شنوی

نذرستادیم شمارا مگر رحمت برای عالم بے شک نرسادیم شمارا گواہ و خوشخبری بہ

و نظر بوش مقاماتِ عباد پڑ لاجرم نامش خدا شاہد نہاد پڑ اگر خیران مدعی سر بر زند

گوش قاضی جانب شاہ کند و جویان رضایش مالک و معبود ہستی مبارکش با
 مکتوب و وجود و دوست ایجا و جهان را واسطہ و در میان خلق و خالق رابطہ و علت
 غائی ز امر کن فکان و نیست غیر از ذات آن صاحب قران و شل جالش در دنیا ناپید
 اَنَا اَمْلَحُ وَاِخْوَانِي يُؤْمِنُ بِكَ اَرْشَادًا وید ۵ اَلَا اِنَّكَ لِحَبِيبٍ الْوَحِيدِ اَشْبَاهُ
 ۵ ہر سینہ شبیر خود دارد دی
 وَلَا تَنْظُرْ لِمَنْ اَهْوَاٰهُ اِلَّا هُوَ ۵ ۵ زمان مصر بہ ہنگام جلوہ یوسف
 لیکت تو خود نظر خود شدہ
 ز روی بے خودی از دست خویش بریدند و مقرر است کہ دل پارہ پارہ میکرد
 اگر جمال تو اے دل نواز میدیدند و شاہا ماگہ ایان و خاکساریم تشنہ دیداریم
 برائے شربت وصال بقیراریم۔ ہمین یک تمناییداریم ۵ مغلستانیم آمد و رکونی
 شَمِئًا لِلّٰہِ از جمالِ روئے تو و دست بکشا جانبِ ربیل ما و آفرین بر تو
 بر بازوی تو و اگرچہ از مدینہ طیبہ دورم۔ لیکن از تصور تو مسرورام۔ رباعی
 در خواب ہمیشہ با خیال تو خوشم و در بیدارم بخت و خال تو خوشم و القصہ چہ در خوا

چه در بیداری و چه در خواب و دیده با جمال تو خوشم و اما بعد میگوید فقیر الی

له رسول الله ^{صلی الله علیه و آله} محمد عمر ^{بنی} القادری ^{تکاز الله} که این کتاب را از

اول تا آخر دیدم - اکثر مضامین احادیث را ظاهر و باهر دیدم - از آیات قرآنی خود

عنه خود گشته - و اشعار آبدار حسب موقع جسته - از درازی مُل و اختصار

مُخل تبر است - لفظ قلیل کثیر المعنی است - دل زنگ الو و از خوانند

پاک میگردود - و وقت مطالعه بر لب آه و دیده نناک میگردود - چرا همچنین نباشد

هر چه در و یک است از کفچه در آید - چونکه مصنف این صاحبِ دل و عالم با عمل است

در احیای سنت نبوی ^{صلی الله علیه و آله} بی بدل است - نور حال بر قال هویدا شد - جمال باطن نطا هر پیدا شد

خدا و ندانا با هم عقد حب تو بسته ایم - و از طریق علیّه قادریّه وابسته ایم - امید داریم که

روز قیامت همراه پیران کبار محشور گردانی - و از ویدار خود و دنیا و آخرت مسرور گردانی

آمین آمین - تحریر فی تاریخ ۲۱ ذی قعدة ۱۳۸۶ روز چهارشنبه مقام قرنطیّه کامران جزیره

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْهَلَالَةِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
 می پسندد از ماه مانے یعنی شهرج گوا اینها میسازد اند براسے مردمان و براسے حج میباشند و از است موقت است
 خَلَقَ الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ وَكَانَ عَلَى رُسُولِهِمْ خَصْمٌ بِالْخَلْقِ الْعَظِيمِ
 که انسان را بخوبستین صورت پیدا کرد رحمت کامله و سلام ابر رسول او که با خلاق بزرگ مختص است

الغریز جدول عجیب و غریب قاعده در یافتن غره قمری هر ماه تا ۳۵ هجری که

جمع ثانی اعداد ماه و سنه مطلوب معائنہ کنی تحت وز با مندرجہ شش بر اعداد مجتمع ویز

مقوم است همان روز غره ماه مطلوب باشد مثلاً اگر غره محرم ۳۲ در یافت نمایند پس جمع کنند

هر دو و ہندسہ ہا زیر محرم و سنہ ۶ و ۶ حاصل جمع ۱۲ میشود بر ہندسہ ۱۲ پنجشنبہ

کہ نگاشته است همان روز غره محرم سنہ ہجرت و بس قس علی ہذا - وَاللّٰهُ اعْلَمُ
 خدا داناتر است

۱۰۰	۱۰۱	۱۰۲	۱۰۳	۱۰۴	۱۰۵	۱۰۶	۱۰۷	۱۰۸	۱۰۹	۱۱۰	۱۱۱	۱۱۲	۱۱۳	۱۱۴	۱۱۵	۱۱۶	۱۱۷	۱۱۸	۱۱۹	۱۲۰	۱۲۱	۱۲۲	۱۲۳	۱۲۴	۱۲۵	۱۲۶	۱۲۷	۱۲۸	۱۲۹	۱۳۰	۱۳۱	۱۳۲	۱۳۳	۱۳۴	۱۳۵	۱۳۶	۱۳۷	۱۳۸	۱۳۹	۱۴۰	۱۴۱	۱۴۲	۱۴۳	۱۴۴	۱۴۵	۱۴۶	۱۴۷	۱۴۸	۱۴۹	۱۵۰	۱۵۱	۱۵۲	۱۵۳	۱۵۴	۱۵۵	۱۵۶	۱۵۷	۱۵۸	۱۵۹	۱۶۰	۱۶۱	۱۶۲	۱۶۳	۱۶۴	۱۶۵	۱۶۶	۱۶۷	۱۶۸	۱۶۹	۱۷۰	۱۷۱	۱۷۲	۱۷۳	۱۷۴	۱۷۵	۱۷۶	۱۷۷	۱۷۸	۱۷۹	۱۸۰	۱۸۱	۱۸۲	۱۸۳	۱۸۴	۱۸۵	۱۸۶	۱۸۷	۱۸۸	۱۸۹	۱۹۰	۱۹۱	۱۹۲	۱۹۳	۱۹۴	۱۹۵	۱۹۶	۱۹۷	۱۹۸	۱۹۹	۲۰۰	۲۰۱	۲۰۲	۲۰۳	۲۰۴	۲۰۵	۲۰۶	۲۰۷	۲۰۸	۲۰۹	۲۱۰	۲۱۱	۲۱۲	۲۱۳	۲۱۴	۲۱۵	۲۱۶	۲۱۷	۲۱۸	۲۱۹	۲۲۰	۲۲۱	۲۲۲	۲۲۳	۲۲۴	۲۲۵	۲۲۶	۲۲۷	۲۲۸	۲۲۹	۲۳۰	۲۳۱	۲۳۲	۲۳۳	۲۳۴	۲۳۵	۲۳۶	۲۳۷	۲۳۸	۲۳۹	۲۴۰	۲۴۱	۲۴۲	۲۴۳	۲۴۴	۲۴۵	۲۴۶	۲۴۷	۲۴۸	۲۴۹	۲۵۰	۲۵۱	۲۵۲	۲۵۳	۲۵۴	۲۵۵	۲۵۶	۲۵۷	۲۵۸	۲۵۹	۲۶۰	۲۶۱	۲۶۲	۲۶۳	۲۶۴	۲۶۵	۲۶۶	۲۶۷	۲۶۸	۲۶۹	۲۷۰	۲۷۱	۲۷۲	۲۷۳	۲۷۴	۲۷۵	۲۷۶	۲۷۷	۲۷۸	۲۷۹	۲۸۰	۲۸۱	۲۸۲	۲۸۳	۲۸۴	۲۸۵	۲۸۶	۲۸۷	۲۸۸	۲۸۹	۲۹۰	۲۹۱	۲۹۲	۲۹۳	۲۹۴	۲۹۵	۲۹۶	۲۹۷	۲۹۸	۲۹۹	۳۰۰	۳۰۱	۳۰۲	۳۰۳	۳۰۴	۳۰۵	۳۰۶	۳۰۷	۳۰۸	۳۰۹	۳۱۰	۳۱۱	۳۱۲	۳۱۳	۳۱۴	۳۱۵	۳۱۶	۳۱۷	۳۱۸	۳۱۹	۳۲۰	۳۲۱	۳۲۲	۳۲۳	۳۲۴	۳۲۵	۳۲۶	۳۲۷	۳۲۸	۳۲۹	۳۳۰	۳۳۱	۳۳۲	۳۳۳	۳۳۴	۳۳۵	۳۳۶	۳۳۷	۳۳۸	۳۳۹	۳۴۰	۳۴۱	۳۴۲	۳۴۳	۳۴۴	۳۴۵	۳۴۶	۳۴۷	۳۴۸	۳۴۹	۳۵۰	۳۵۱	۳۵۲	۳۵۳	۳۵۴	۳۵۵	۳۵۶	۳۵۷	۳۵۸	۳۵۹	۳۶۰	۳۶۱	۳۶۲	۳۶۳	۳۶۴	۳۶۵	۳۶۶	۳۶۷	۳۶۸	۳۶۹	۳۷۰	۳۷۱	۳۷۲	۳۷۳	۳۷۴	۳۷۵	۳۷۶	۳۷۷	۳۷۸	۳۷۹	۳۸۰	۳۸۱	۳۸۲	۳۸۳	۳۸۴	۳۸۵	۳۸۶	۳۸۷	۳۸۸	۳۸۹	۳۹۰	۳۹۱	۳۹۲	۳۹۳	۳۹۴	۳۹۵	۳۹۶	۳۹۷	۳۹۸	۳۹۹	۴۰۰	۴۰۱	۴۰۲	۴۰۳	۴۰۴	۴۰۵	۴۰۶	۴۰۷	۴۰۸	۴۰۹	۴۱۰	۴۱۱	۴۱۲	۴۱۳	۴۱۴	۴۱۵	۴۱۶	۴۱۷	۴۱۸	۴۱۹	۴۲۰	۴۲۱	۴۲۲	۴۲۳	۴۲۴	۴۲۵	۴۲۶	۴۲۷	۴۲۸	۴۲۹	۴۳۰	۴۳۱	۴۳۲	۴۳۳	۴۳۴	۴۳۵	۴۳۶	۴۳۷	۴۳۸	۴۳۹	۴۴۰	۴۴۱	۴۴۲	۴۴۳	۴۴۴	۴۴۵	۴۴۶	۴۴۷	۴۴۸	۴۴۹	۴۵۰	۴۵۱	۴۵۲	۴۵۳	۴۵۴	۴۵۵	۴۵۶	۴۵۷	۴۵۸	۴۵۹	۴۶۰	۴۶۱	۴۶۲	۴۶۳	۴۶۴	۴۶۵	۴۶۶	۴۶۷	۴۶۸	۴۶۹	۴۷۰	۴۷۱	۴۷۲	۴۷۳	۴۷۴	۴۷۵	۴۷۶	۴۷۷	۴۷۸	۴۷۹	۴۸۰	۴۸۱	۴۸۲	۴۸۳	۴۸۴	۴۸۵	۴۸۶	۴۸۷	۴۸۸	۴۸۹	۴۹۰	۴۹۱	۴۹۲	۴۹۳	۴۹۴	۴۹۵	۴۹۶	۴۹۷	۴۹۸	۴۹۹	۵۰۰	۵۰۱	۵۰۲	۵۰۳	۵۰۴	۵۰۵	۵۰۶	۵۰۷	۵۰۸	۵۰۹	۵۱۰	۵۱۱	۵۱۲	۵۱۳	۵۱۴	۵۱۵	۵۱۶	۵۱۷	۵۱۸	۵۱۹	۵۲۰	۵۲۱	۵۲۲	۵۲۳	۵۲۴	۵۲۵	۵۲۶	۵۲۷	۵۲۸	۵۲۹	۵۳۰	۵۳۱	۵۳۲	۵۳۳	۵۳۴	۵۳۵	۵۳۶	۵۳۷	۵۳۸	۵۳۹	۵۴۰	۵۴۱	۵۴۲	۵۴۳	۵۴۴	۵۴۵	۵۴۶	۵۴۷	۵۴۸	۵۴۹	۵۵۰	۵۵۱	۵۵۲	۵۵۳	۵۵۴	۵۵۵	۵۵۶	۵۵۷	۵۵۸	۵۵۹	۵۶۰	۵۶۱	۵۶۲	۵۶۳	۵۶۴	۵۶۵	۵۶۶	۵۶۷	۵۶۸	۵۶۹	۵۷۰	۵۷۱	۵۷۲	۵۷۳	۵۷۴	۵۷۵	۵۷۶	۵۷۷	۵۷۸	۵۷۹	۵۸۰	۵۸۱	۵۸۲	۵۸۳	۵۸۴	۵۸۵	۵۸۶	۵۸۷	۵۸۸	۵۸۹	۵۹۰	۵۹۱	۵۹۲	۵۹۳	۵۹۴	۵۹۵	۵۹۶	۵۹۷	۵۹۸	۵۹۹	۶۰۰	۶۰۱	۶۰۲	۶۰۳	۶۰۴	۶۰۵	۶۰۶	۶۰۷	۶۰۸	۶۰۹	۶۱۰	۶۱۱	۶۱۲	۶۱۳	۶۱۴	۶۱۵	۶۱۶	۶۱۷	۶۱۸	۶۱۹	۶۲۰	۶۲۱	۶۲۲	۶۲۳	۶۲۴	۶۲۵	۶۲۶	۶۲۷	۶۲۸	۶۲۹	۶۳۰	۶۳۱	۶۳۲	۶۳۳	۶۳۴	۶۳۵	۶۳۶	۶۳۷	۶۳۸	۶۳۹	۶۴۰	۶۴۱	۶۴۲	۶۴۳	۶۴۴	۶۴۵	۶۴۶	۶۴۷	۶۴۸	۶۴۹	۶۵۰	۶۵۱	۶۵۲	۶۵۳	۶۵۴	۶۵۵	۶۵۶	۶۵۷	۶۵۸	۶۵۹	۶۶۰	۶۶۱	۶۶۲	۶۶۳	۶۶۴	۶۶۵	۶۶۶	۶۶۷	۶۶۸	۶۶۹	۶۷۰	۶۷۱	۶۷۲	۶۷۳	۶۷۴	۶۷۵	۶۷۶	۶۷۷	۶۷۸	۶۷۹	۶۸۰	۶۸۱	۶۸۲	۶۸۳	۶۸۴	۶۸۵	۶۸۶	۶۸۷	۶۸۸	۶۸۹	۶۹۰	۶۹۱	۶۹۲	۶۹۳	۶۹۴	۶۹۵	۶۹۶	۶۹۷	۶۹۸	۶۹۹	۷۰۰	۷۰۱	۷۰۲	۷۰۳	۷۰۴	۷۰۵	۷۰۶	۷۰۷	۷۰۸	۷۰۹	۷۱۰	۷۱۱	۷۱۲	۷۱۳	۷۱۴	۷۱۵	۷۱۶	۷۱۷	۷۱۸	۷۱۹	۷۲۰	۷۲۱	۷۲۲	۷۲۳	۷۲۴	۷۲۵	۷۲۶	۷۲۷	۷۲۸	۷۲۹	۷۳۰	۷۳۱	۷۳۲	۷۳۳	۷۳۴	۷۳۵	۷۳۶	۷۳۷	۷۳۸	۷۳۹	۷۴۰	۷۴۱	۷۴۲	۷۴۳	۷۴۴	۷۴۵	۷۴۶	۷۴۷	۷۴۸	۷۴۹	۷۵۰	۷۵۱	۷۵۲	۷۵۳	۷۵۴	۷۵۵	۷۵۶	۷۵۷	۷۵۸	۷۵۹	۷۶۰	۷۶۱	۷۶۲	۷۶۳	۷۶۴	۷۶۵	۷۶۶	۷۶۷	۷۶۸	۷۶۹	۷۷۰	۷۷۱	۷۷۲	۷۷۳	۷۷۴	۷۷۵	۷۷۶	۷۷۷	۷۷۸	۷۷۹	۷۸۰	۷۸۱	۷۸۲	۷۸۳	۷۸۴	۷۸۵	۷۸۶	۷۸۷	۷۸۸	۷۸۹	۷۹۰	۷۹۱	۷۹۲	۷۹۳	۷۹۴	۷۹۵	۷۹۶	۷۹۷	۷۹۸	۷۹۹	۸۰۰	۸۰۱	۸۰۲	۸۰۳	۸۰۴	۸۰۵	۸۰۶	۸۰۷	۸۰۸	۸۰۹	۸۱۰	۸۱۱	۸۱۲	۸۱۳	۸۱۴	۸۱۵	۸۱۶	۸۱۷	۸۱۸	۸۱۹	۸۲۰	۸۲۱	۸۲۲	۸۲۳	۸۲۴	۸۲۵	۸۲۶	۸۲۷	۸۲۸	۸۲۹	۸۳۰	۸۳۱	۸۳۲	۸۳۳	۸۳۴	۸۳۵	۸۳۶	۸۳۷	۸۳۸	۸۳۹	۸۴۰	۸۴۱	۸۴۲	۸۴۳	۸۴۴	۸۴۵	۸۴۶	۸۴۷	۸۴۸	۸۴۹	۸۵۰	۸۵۱	۸۵۲	۸۵۳	۸۵۴	۸۵۵	۸۵۶	۸۵۷	۸۵۸	۸۵۹	۸۶۰	۸۶۱	۸۶۲	۸۶۳	۸۶۴	۸۶۵	۸۶۶	۸۶۷	۸۶۸	۸۶۹	۸۷۰	۸۷۱	۸۷۲	۸۷۳	۸۷۴	۸۷۵	۸۷۶	۸۷۷	۸۷۸	۸۷۹	۸۸۰	۸۸۱	۸۸۲	۸۸۳	۸۸۴	۸۸۵	۸۸۶	۸۸۷	۸۸۸	۸۸۹	۸۹۰	۸۹۱	۸۹۲	۸۹۳	۸۹۴	۸۹۵	۸۹۶	۸۹۷	۸۹۸	۸۹۹	۹۰۰	۹۰۱	۹۰۲	۹۰۳	۹۰۴	۹۰۵	۹۰۶	۹۰۷	۹۰۸	۹۰۹	۹۱۰	۹۱۱	۹۱۲	۹۱۳	۹۱۴	۹۱۵	۹۱۶	۹۱۷	۹۱۸	۹۱۹	۹۲۰	۹۲۱	۹۲۲	۹۲۳	۹۲۴	۹۲۵	۹۲۶	۹۲۷	۹۲۸	۹۲۹	۹۳۰	۹۳۱	۹۳۲	۹۳۳	۹۳۴	۹۳۵	۹۳۶	۹۳۷	۹۳۸	۹۳۹	۹۴۰	۹۴۱	۹۴۲	۹۴۳	۹۴۴	۹۴۵	۹۴۶	۹۴۷	۹۴۸	۹۴۹	۹۵۰	۹۵۱	۹۵۲	۹۵۳	۹۵۴	۹۵۵	۹۵۶	۹۵۷	۹۵۸	۹۵۹	۹۶۰	۹۶۱	۹۶۲	۹۶۳	۹۶۴	۹۶۵	۹۶۶	۹۶۷	۹۶۸	۹۶۹	۹۷۰	۹۷۱	۹۷۲	۹۷۳	۹۷۴	۹۷۵	۹۷۶	۹۷۷	۹۷۸	۹۷۹	۹۸۰	۹۸۱	۹۸۲	۹۸۳	۹۸۴	۹۸۵	۹۸۶	۹۸۷	۹۸۸	۹۸۹	۹۹۰	۹۹۱	۹۹۲	۹۹۳	۹۹۴	۹۹۵	۹۹۶	۹۹۷	۹۹۸	۹۹۹	۱۰۰۰
-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	------

ماہ محرم زربہ بین اند صفر بین آئینہ و اول ربیع آب روان آخر غم اے منکر
 اول جادی نقرہ بین پیرہ بین در آخرین و ماہ رجب مصحف بہ بین شعبان گیاہ سنبر
 شمشیر در رمضان لکر شوال جامہ سنبرین و ذیقعدہ مینی کود کے ذیحجہ دختر خوب تر

۹۷
 محرم و رجب

۹۷
 شاه راجہ قال
 رحمت اللطیف

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِمَوْلَانِ وَلِقَارِيهِ وَلِكَاتِبِهِ

من دادند ا مؤلف و قاری و کاتب این را

وَالْحَمْدُ وَاجْعَلْهُمْ مِنَ الْمُحْشُورِينَ فِي زُمْرَةِ النَّبِيِّينَ

مغفرت فرما و برایشان رحم کن و ایشان را بر وزقیاست از فضل خود بزمه پیغمبران

وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءَ وَالصَّالِحِينَ وَالْمُقَرَّبِينَ

و صدیقان و شهداء و صالحین و مقربین محشور فرما

يَوْمَ الْقِيَمَةِ بِفَضْلِكَ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ آمِينَ آمِينَ

ای مهربان در دنیا و بنحشده در آخرت این دعا را قبول فرما

يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

ای پروردگار عالم

هر که بیند و عاظم و ارم زانکه من بنده گنهگارم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



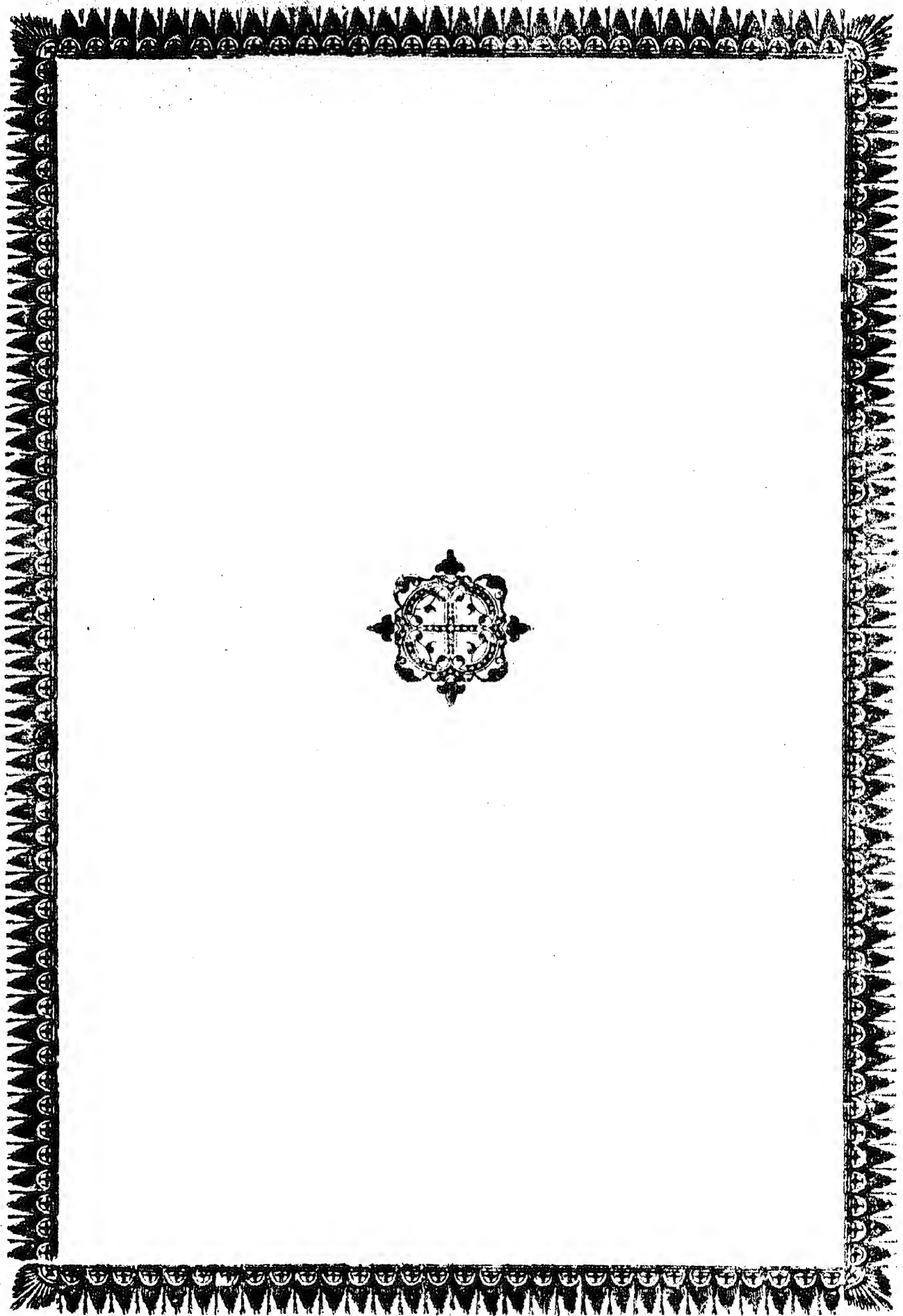
التاس

این مختصر مجموعہ محض لغرض نفع رسانی عام مطبوع و شائع نموده از قید رجسٹریشن و آزاد
 کردم بمقتضای خاطر من آن نیست کہ از بیع و شراعت متنع شوم۔ بدانست ناقص بلحاظ تعدد
 مردم شماری صد یا بلکہ نو بقیت تیمیم ہزار ہا می رسد کہ خارج از امکان خو و یا فہم و نہ چند
 استطاعتی است کہ بالذات بقیتیم عوام ہر دازم پس چند صد نسخہ طبع نموده بے غرض منافع
 بقرینت اصل کاغذ و اجرت طبع بقتیم فراہم داشتہ ام۔ آنانکہ در خریدش مستعد ہستند برسر
 فی نسخہ (عص) از بندہ ضعف طلب فرمودہ مطالعہ نمایند و مولف ابد عاجز فراموش نہ سازند

تحریر فی التاریخ ۲۴ رجب المرجب ۱۳۱۹ ہجری نبوی صلی اللہ علیہ وآلہ و صحابہ وسلم



مینجر دارالطبع سرکار عالی و مستنظم مسجد حاجی کمال محلہ راجہ راؤ رنبہ بہار



آخری درج شدہ تاریخ پر یہ کتاب مستعار
لی گئی تھی مقررہ مدت سے زیادہ رکھنے کی
صورت میں ایک آنہ یومیہ دیرانہ لیا جائے گا۔

[illegible]

